

کلید خلیج فارس

تألیف
سر لشکر
مقتدر
بلاخیان

حق طبع و تقلید محفوظ است

۱۳۳۳

بها در تمام کشور ۵۰ ریال

چاپ محمد علی علمی

سایر آثار قلمی نویسنده که چاپ و منتشر شده است

قوای روحی

تاریخ نظامی ایران

جنگهای هفتصد ساله ایران و روم

شاه عباس بزرگ و نادر شاه افشار

نبرد تمبره از جنگهای ایران و لیدی

جنگ در کوهستان

هوای میدان نبرد

اسرار تخت جمشید - این کتاب زیر چاپ است و بزودی

انتشار خواهد یافت

کلیدِ خلیج فارس

تألیف

سر لشکر

مُقَدَّر

علاجین

حق طبع و تقلید محفوظ است

۱۳۳۳

چاپ محمد علی عالمی

فهرست بخش‌های کتاب

دیاچه

۲-۱

بخش اول

اوضاع باستانی خلیج فارس

شهرت جهانی خلیج از قدیمترین ازمه تاریخ - موقعیت خلیج در معبر خطوط دریائی و بازرگانی شرق و غرب - توجه به انگشایان و دریانوردان مغرب زمین بخلیج برای دست یافتن به هندوستان - دوران قبل از تشکیل شاهنشاهی ایران - ناوگان سناخریب در خلیج فارس - خلیج در عصر هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان - سیراف و کیش و هرمز سه بندرگاه مهم دوره اسلامی .

۱۴-۳

بخش دوم

ورود پرتغالیها بخلیج فارس

اوضاع بازرگانی ایران در زمان تسلط ابلخانان مغول - فتح قسطنطنیه بدست سلطان محمد فاتح و مسدود شدن راههای تجارتی قدیم از خشکی - کوشش ملل دریانورد برای پیدا کردن راه دیگری به هندوستان - کشف دماغه امید توسط واسکودوگاما و رسیدن او به هندوستان - آمدن آلبو کرک به هرمز و تصرف و اشغال ابن جزیره - قرارداد شاه اسمعیل اول با پرتغالیها - برقراری پرتغالیها در سواحل و جزائر خلیج .

۲۲-۱۵

بخش سوم

پیدا شدن انگلیسها در خلیج فارس و اخراج پرتغالیها

ایجاد کمپانی هند شرقی انگلیس و آغاز رقابت شدید پرتغالیها و انگلیسها در هندوستان و خلیج فارس - روابط نمایندگان کمپانی هند شرقی با شاه عباس بزرگ - تصمیم شاه عباس به راندن پرتغالیها - جنگ ایران و پرتغال و کمک کشتیهای کمپانی هند شرقی در تصرف قشم و هرمز - عاقبت کار پرتغالیها در خلیج - تأسیس بندر عباس و اهمیت این بندر در دهانه خلیج .

۳۲-۲۳

- ب -

بخش چهارم

رقابت انگلیسها و هلندیها در خلیج فارس

تأسیس کمپانی هند شرقی هلند و نفوذ هلندیها در اقیانوس هند - پیداشدن هلندیها در صحنه خلیج و فعالیت تجارتنی آنان در ایران - رقابت هلندیها و انگلیسها بر سر تجارت ایران و هندوستان و عملیات نمایندگان آنان در دربار سلاطین صفوی - پیروزی انگلیسها بر هلندیها - سست شدن کار هلندیها در خلیج فارس .

۴۱-۳۳

بخش پنجم

اوضاع خلیج از آغاز کار نادرشاه افشار تا پایان کار کریم خان زند

اجمالی از اوضاع ایران در آغاز کار نادرشاه - تصمیم نادرشاه به نجات بنادر و جزائر خلیج از چنگال شیوخ غاصب و دزدان دریائی - سازمان و ترکیبات نیروی دریائی جنوب در زمان نادرشاه - عملیات بحریه نادر در بحرین و عمان و مسقط - آثار باقی مانده نیروی دریائی جنوب پس از کشته شدن نادر - اقدامات کریم خان زند در استرداد جزائر و بنادر ایران از دست شیوخ عرب - ارتش کشی صادق خان برادر کریم خان زند به بصره و تصرف و اشغال این بندرگاه - اوضاع خلیج پس از مرگ کریم خان زند .

۵۸-۴۲

بخش ششم

دزدی دریائی و برده فروشی در خلیج فارس

تاریخچه طوایف معروف به «جواسم» و تشکیل دستجات خطرناکی در خلیج و دریای عمان و سواحل افریقا و هندوستان - تجاوز دزدان دریائی به سواحل و جزائر ایران - قدرت پیدا کردن بعضی از شیوخ در خلیج - سیدسلطان و سیدسعید و نفر از ائمه معروف مسقط - اجاره دادن بندرعباس، جزیره قشم و جزیره هرمز از طرف آقا محمدخان قاجار به سیدسلطان و اولاد او بمدت ۷۵ سال - دست بدست گشتن بحرین - عملیات نظامی انگلیسها برضد دزدان دریائی و برای منع برده فروشی - تأثیر قراردادهای مربوط به لغای برده فروشی در بسط نفوذ و قدرت دول ذینفع نسبت به شیوخ خلیج فارس .

۶۸-۵۹

- ج -

بخش هفتم

خلیج فارس در دوران قاجاریه

۱ - فعالیت سیاسی ناپلئون در ایران و توجه او به خلیج فارس

اجمالی از سیاست اروپا در زمان ناپلئون - وضع ایران و عثمانی در معرض این سیاست - توجه ناپلئون به هندوستان برای بزانو درآوردن انگلیسها - جنگ اول ایران و روس و استمداد فتحعلی شاه از ناپلئون قرارداد « فینکن اشتاین » بین ایران و فرانسه - مأموریت گاردان در دربار ایران - نقشه برداری افسران مهندس فرانسوی از سواحل و بنادر خلیج فارس و راههای ورودی بایران و هندوستان - قرارداد « تیلست » بین فرانسه و روس - بآس فتحعلی شاه از کمک فرانسه - قرارداد ایران و انگلیس - خاتمه جنگ اول ایران و روس و قرارداد گلستان ۱۸۱۳

۲ - رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و تأثیر آن

در اوضاع خلیج فارس

پیشروی روسها در کرانه خاوری بحر خزر و نزدیک شدن آنها به هرات - واهمه انگلیسها از نفوذ روسها در خراسان و سیستان و دست یافتن آنها به خلیج فارس - محاصره اول هرات در زمان محمدشاه ~~میرزا~~ هرات نیروی دریائی انگلیس به سواحل خلیج و اشغال جزیره خارک و تهدید بوشهر - مراجعت محمد شاه از هرات - محاصره دوم هرات در زمان ناصرالدین شاه و فتح آن شهر توسط حسام السلطنه - تعرض نیروی دریائی انگلیس به بوشهر و محمره واهواز و اشغال این نقاط - معاهده پاریس و تخلیه هرات - ادامه رقابت روس و انگلیس در مشرق ایران - آمدن لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس - قرارداد ۱۹۰۷ ۹۶-۶۹

بخش هشتم

خلیج فارس در جنگ جهانی اول

۱۹۱۴ - ۱۹۱۸

عملیات رقابت آمیز روس و انگلیس بعد از قرارداد ۱۹۰۷ - کسب اهمیت خلیج از لحاظ استخراج معادن نفت ایران - توجه دولت آلمان به آسیا و نفوذ آن دولت در دربار عثمانی و گرفتن امتیاز خط راه آهن آناتولی - بغداد و ایجاد تجارتخانه در بغداد و آبادان و بوشهر - اقدامات

آلمان و عثمانی برای تحريك عالم اسلام برضد انگلیسها - آغاز جنگ جهانی اول و اعلان بیطرفی ایران - ورود ارتشهای روس و عثمانی و انگلیس بایران - برقراری نیروی دریائی انگلیس در سواحل و جزائر خلیج - تبلیغات مأمورین آلمان در بین طوایف و عشایر جنوب ایران - عملیات «واسموس» ورزمهای تنگستان - ایجاد پلیس جنوب - نتایج این جنگ برای ایران - عدم توجه کنگره صلح «ورسای» باظهارات نمایندگان ایران - قرارداد ۱۹۱۹ - ۱۰۶-۹۷

بخش نهم

خلیج فارس در عصر پهلوی

توجه اعلیحضرت فقید باوضاع خلیج و تصمیم به ایجاد نیروی دریائی جنوب - ورود متخصصین دریائی ایتالیا به تهران برای تهیه مقدمات اینکار - سفارش کشتی ها به کارخانجات ایتالیا و اعزام محصلین به دانشکده های دریائی آن کشور - آمدن کشتی های سفارشی ایران به خلیج و مسافرت اعلیحضرت فقید به بوشهر برای دیدن نیروی دریائی ایران - بازدید کشتی ها در بوشهر و مسافرت به بندر شاهپور با کشتی های جدید برای افتتاح خط آهن بندر شاهپور به اندیشك - اجنالی از تاریخچه احداث راه آهن سرتاسری ایران و انتخاب بندر شاهپور و ساختمان این بندر - برقراری مؤسسات نیروی دریائی در خرم شهر و سازمان نیروی دریائی جنوب - توجه اعلیحضرت فقید بایجاد جاده ساحلی از خرمشهر به چاه بهار و بدینوسیله تأمین ارتباط بین کلیه بنادر از راه کناره - کاسته شدن از اهمیت و اعتبار بندر بوشهر و پراکنده شدن جمعیت آن .

۱۱۵-۱۰۷

بخش دهم

خلیج فارس در جنگ جهانی دوم

۱۹۴۵-۱۹۳۹

اعلان بی طرفی دولت ایران در آغاز این جنگ - قیام رشید عالی در بغداد به پشتیبانی آلمانها - نگرانی انگلیس ها نسبت باوضاع خلیج فارس - عملیات انگلیسها برای اشغال بصره و تصرف بغداد و پناهنده شدن رشید عالی و همدستان او بترك ایران - سازش انگلیس و روس برای تعرض بایران و وقایع سوم شهریور ۱۳۲۰ - بمباران شهر های بلادفای ایران از طرف نیروی هوائی شوروی و انگلیس - جریان جنگ در خلیج فارس -

صدور دستور ترك مقاومت به پادگانهای مختلف - كناره گیری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی از سلطنت و جلوس اعلیحضرت همايون محمد رضا شاه پهلوی به تخت سلطنت - اجمالی از وقایع مهم بعد از ۲۵ شهر یور ۱۳۲۰ - كنفرانس تهران و اعلامیه سران سه دولت راجع به ایران - كسب اهمیت خلیج فارس از لحاظ حمل ملیونها تن اسلحه و وسائل از ماوراء بحار برای كمك به آرتش سرخ - بل پیروزی - نتایج جنگ جهانی دوم برای ایران . ۱۱۶ - ۱۳۶

بخش یازدهم

اوضاع اقتصادی و اجتماعی خلیج فارس

آب و هوا - منابع ثروت (نفت - مروارید و صدف و مرجان - انواع ماهیها و جانوران دریائی - خاک سرخ - گوگرد و زرنیخ - کرومیت مانگانز - نمك - مس - سرب و غیره) محصولات (خرما - مرکبات تنباكو - حنا - روئاس - انبه - موز - نیل - نیشكر و غیره) - شرح علل خرابی بنادر و جزائر خلیج و متواری شدن سكه آنها - انتقال مركز ثقل تجارت خلیج از مشرق بمغرب در نتیجه ایجاد بنادر شاهپور و خرمشهر در انتهای راه آهن سرتاسری ایران - ركود امور تجارتی بندر عباس و بوشهر و كساد بازار این دو بندر و پراكندگی مردم آنها - اقدامات مؤثری كه از طرف دولت و مردم علاقه مند باید برای آبادی و عمران بنادر و جزائر خلیج بعمل آید : ساختن راه ساحلی - اصلاح راه بوشهر و فیروزآباد و لنكه و چاه بهار و بندر عباس - واگذاری امور تجارتی استانهای جنوب بخودشان - برقراری امنیت و جلوگیری از قاچاق - توسعه بهداشت و فرهنگ - تعمیم كشاورزی و آبیاری - وارد كردن كارخانجات برق و شيلات و تهیه كار برای مردم - ساختن اسكله بوشهر و بندر عباس و تأسیس شركت كشتی رانی برای حمل مسافر و كالا های تجارتی بین بنادر دور افتاده خلیج - ایجاد سازمان مستقلی برای اداره كردن امور سواحل و جزایر خلیج - توجه باحوال مأمورین دولت در این نواحی .

فهرست گراورها و نقشه‌های کتاب کلید خلیج فارس

صفحه ۵	ناوگان شناخرب در خلیج فارس از آثار آشوربها
۱۳ »	منظره شهر هرمز از روی بك تصویر قدیمی
۱۷ »	واسکودوگاما کاشف راه دریائی هند
۱۹ »	آلبوكرك در یاسالار برتغالی
۳۲ »	دورنمای بندرعباس در سال ۱۶۵۰
۶۴ »	شهر باسعیدو در جزیره قشم
۷۴ »	میرزا محمد قزوینی در حضور ناپلئون
۸۶ »	نقشه تعرض نیروی دریائی انگلیس به بوشهر و محمره
۹۶ »	نقشه قرارداد ۱۹۰۷
۱۰۲ »	واسموس جاسوس معروف آلمانی
۱۱۰ »	اعلیحضرت فقید در ناو پلنك
۱۱۰ »	اعلیحضرت فقید در خرمشهر
۱۱۳ »	پل ورسك یا پل پیروزی
۱۱۴ »	اسكله بندر شاهپور
۱۱۴ »	پل آهنی اهواز
۱۲۷ »	آرامگاه مرحوم دریادار بایندر
۱۲۸ »	آخرین عكس مرحوم دریادار بایندر
	بنای جدید مزار مرحوم دریادار بایندر که توسط افسران
۱۲۸ »	نیروی دریائی ساخته شده
۱۳۴ »	عكس هوائی بندر خرمشهر در آغاز جنگ جهانی دوم
۱۶۰ »	نقشه خلیج فارس و جزائر و سواحل آن

دیباچه

چند سال پیش که نگارنده به گرد آوردن تاریخ نظامی ایران اشتغال داشت درضمن بررسی بعضی از آثار نویسندگان خودی و بیگانه و مطالعه برخی از مدارك معتبر تاریخی باین نکته برخورد که گذشته از صدها رساله و سیاحت نامه ای که دست کم به ده زبان مختلف راجع به خلیج فارس انتشار یافته کمتر کتابی در باب تاریخ نظامی و سیاسی و اقتصادی خاور میانه دیده میشود که قسمتی از آن مربوط باوضاع این دریا نباشد در اثر تحقیق بیشتری معلوم شد که از زمانهای بسیار قدیم سرگذشت خلیج مقدم بر سرگذشت سایر دریاها در تاریخ بدون بشر وارد شده است از اینرو در همان اوقات از هر کتاب و سفر نامه ای که بدستم افتاد و مربوط بکار من بود راجع به تاریخچه خلیج خوشه چینی کردم تا هنگام فرصت به تنظیم و تکمیل آنها پردازم. دوران بازنشستگی فراغت بدست داد که در اطراف این یاد داشت های پراکنده دقت و بررسی بیشتری بنمایم و از مجموعه آنها کتابی بنام «کلید خلیج فارس» تهیه کنم و در معرض استفاده هم میهنان گرامی بگذارم.

منظور اصلی نویسنده از انتشار این کتاب ذکر اجمالی سرگذشت دریایی است که سراسر مرز جنوبی ایران را می پوشاند و یگانه راه آزاد ما با کشورهای دیگر عالم است. لازم به ذکر نیست که از لحاظ گردش امور اقتصادی و بازرگانی دست داشتن بچنین دریای آزاد در زندگانی ملل امروزه تا چه اندازه مورد توجه و حائز اهمیت میباشد. آنها هم دریایی

که در سواحل و جزائر آن منابع ثروت سرشاری موجود و بهمین جهت از سالیان دراز عرصه رقابت دول بزرگ واقع و از لحاظ سیاسی و نظامی و اقتصادی شهرت جهانی یافته است .

در جمع آوری و دسته بندی مطالب این کتاب کوشش شد که از ذکر جزئیات وقایع و اسامی و تاریخهای غیر لازم و وارد شدن در مباحث جغرافیائی و طبیعی که خارج از حوصله خوانندگان محترم باشد خودداری و بیشتر در این قسمت بررسی شود که در طی سه قرن اخیر خلیج فارس ابتدا از لحاظ دفاع هندوستان و بعد از نظر حفظ مؤسسات نفت چه روزهای پر هیجانی را گذرانیده است .

همچنین تحقیق این مطلب که با وجود چنین منابع ثروتی از دوست سال باین طرف در اثر چه عواملی از رونق و اعتبار جزائر و بنادر شمالی آن بطور شگفت آوری کاسته شده و میشود و برای جلوگیری از پراکندگی سکنه و خرابی آنها چه باید کرد ؟ باشد که این یادداشت ها مورد توجه اهل فضل و تحقیق واقع شود و با اصلاح و تکمیل آنها منت بزرگی بر نویسنده بنهند .

تهران مهر ماه ۱۳۳۲

بخش اول

اوضاع باستانی خلیج فارس

بموجب مدارك تاريخی معتبر خلیج فارس بعثت واقع شدن در مسیر خطوط دریائی اقیانوس هند و بحر احمر و اتصال آبهای آن بسواحل ایران و بین النهرین و عربستان از دورترین ازمنه تاریخ مورد توجه و محل آمد و رفت ملل دریانورد و تجارت پیشه شرق و غرب عالم بوده است.

از طرف دیگر در اثر شهرت جهانی هندوستان و جزایر پر نعمت اطراف آن از دیرگاهی توجه جهان گشایان و سیاستمداران مغرب زمین باین کشور زرخیز جلب شده است و همه اینها برای دست یافتن باین منابع ثروت در خط سیر خود بخلیج فارس هم سری زده اند.

گذار فاتحانه اسکندر از مقدونیه تا مرزهای هندوستان و سفر دریائی ۱۴۶ روزه «نئارکوس» دریاسالار او ازسند تا فرات - ارتش کشی تراژان امپراطور فرتوت روم به بین النهرین و ایران و سیاحت او در خلیج فارس و اظهار تأسف وی از اینکه در اثر پیری دیگر قادر نیست تا هندوستان برود - عبور نیروی دریائی معظم ژولین امپراطور دیگر روم از فرات تا تیسفون - هجوم آلبو کرک دریاسالار معروف پرتغال به سواحل و جزایر خلیج فارس - همچشمی انگلیس ها و پرتغالیها و هلندیها برای دست یافتن به هندوستان و تسلط بر خلیج فارس - تمایل دیرین

امپراطوری روسیه بدریای آزاد و راه یافتن بخلیج فارس - رقابت روس و انگلیس و فرانسه بر سر هندوستان و توجه هر سه دولت بخلیج فارس - سوانحی که در جنگ‌های جهانی اول و دوم در خلیج رخ نموده - همه و همه اینها و هریک بطور جداگانه بهترین گواه این مدعا است .

به‌مین جهت نویسندگان ارجمندی که در اوضاع تاریخی و سیاسی و نظامی و اقتصادی خلیج فارس بررسی و تحقیق کرده‌اند اغلب بر این عقیده هستند که هیچ دریائی را نمیتوان سراغ نمود که به پایه خلیج فارس توجه مورخین ، جغرافی نویسان ، جهانگشیایان ، سیاحان ، سیاستمداران ، باستان شناسان و مهندسیین و علمای زمین شناسی را تاوأمابخود جلب کرده باشد . کتابا و یادداشت‌ها و سفرنامه‌های بی شماری که راجع بخلیج فارس انتشار یافته خود مؤید این مطلب است .

اما راجع باوضاع باستانی خلیج فارس باید متذکر بود که در دوران پیش از تشکیل دولت هخامنشی در باب امور کشتیرانی و بازرگانی خلیج و همچنین رفت و آمد فنیقی‌ها ، آشوریها ، بابلیها و ملل مجاور این دریا مانند عیلامیها و کلدانیها مدارك ما عبارت از آثار تاریخی و کتیبه‌های بعضی از این ملل و نوشته‌های مورخین یونانی است . واقعه قابل ذکری که در این دوره بآن بر میخوریم تاخت و تاز سناخریب پادشاه آشور در سرزمین کلد (بین النهرین) و ایجاد ناوگانی در خلیج فارس است . تفصیل این واقعه از این قرار است که پادشاه کلد در طی چند نبرد از سناخریب شکست میخورد و ناچار بقسمت های جنوبی و م-ردابی کلد پناهنده میشود و در آن جا با پادشاه عیلام (خوزستان) بر ضد دشمن مشترك قیام میکنند .

از آنطرف سناخریب مصمم میشود ازراه دریا بخاك كرده وعيلا
تعرض نماید و دشمنان خود را از بین بردارد . برای اینکار جماعتی از
دریانوردان و کشتی سازان زبر دست فنیقی را از شهرهای صور و صیدا
اجیر میکند و از وسط بین النهرین به ساحل دجله می آورد . کارگران
فنیقی در آنجا مشغول ساختن کشتی میشوند و ناوهای نظیر ناوهای
خودشان برای پادشاه آشور آماده میکنند و آنها را بروی دجله می-
اندازند و از مصب این رودخانه بخلیج فارس وارد مینمایند .
بااینکه مردم کلدیه ازچند قرن پیش در صحنه خلیج مشغول کشتیرانی



ناوگان سناخریب در خلیج فارس

از کتاب تاریخ قدیم ملل مشرق . ماسپرو

و تجارت بودند ولی نه از حیث کشتی سازی و نه از لحاظ دریانوردی هرگز بیای فنیقی ها نمیرسیدند. بهمین جهت رؤیت این کشتیهای نوظهور بادماغه تیز آنها و دگل ها و شراعهای مخصوص و دوردیف پاروهایشان مردم سواحل خلیج را طوری دچار حیرت و واهمه نمود که از روبرو شدن با این کشتیها احتراز کردند.

پادشاه کلدیه و متحدین او هم در این موقع با احتمال حمله سناخریب از طریق خشکی تمام قوای خود را در طول فرات تمرکز داده بودند و هیچ تصور نمیکردند که از راه دریا مورد حمله دشمن واقع بشوند.

باین ترتیب سناخریب با حمله ناگهانی نیروی دریائی خود کلدانی ها و عیلامیها را غافلگیر و تار و مار مینماید و شهرها و آبادیهای آنها را آتش میزند و با خاک یکسان میکند و پس از این فتح درخشان با غنائم زیاد و اسیران بیشمار به نینوا بر میگردد (۶۹۵ پیش از میلاد)

بعد از این واقعه دیگر معلوم نیست ناوگان سناخریب در خلیج فارس چه سرنوشتی پیدا کرده و آشوری ها تا چه زمانی بر این دریا تسلط داشته اند؟ چیزی که هست بعضی از سلاطین جنگجو و فاتح آشور در کتیبه های خودشان از تسخیر قسمتهائی از سواحل و جزائر جنوب خلیج فارس هم سخن به میان آورده اند.

اما از روی آثار بسیار قدیمی که هنوز در برخی از جزایر و بنادر خلیج موجود است مانند مقابر کهن سال بحرین، دخمه ها و بناهای سنگی جزیره هنگام و خرابه های ریشهر و اشیائی که از این خرابه ها بدست آمده معلوم میشود که در روزگار سابق در خلیج فارس تمدنی بوده است و شاید بعضی از این ملل هم در بنیاد این تمدن شرکت داشته اند.

در دوران سلاطین هخامنشی گرچه در ابتدا ایرانیان رغبتی به دریانوردی نداشته‌اند اما از زمان داریوش کبیر و خشایارشا که حدود دولت ایران تا دریای مدیترانه و دریای سیاه و از خلیج فارس تا دریای احمر توسعه یافت دولت هخامنشی با استفاده از دریانوردان فنیقی شهرهای صور و صیدا و یونانیان سواحل آسیای صغیر ناوگان بزرگی در دریای مدیترانه و خلیج فارس تشکیل داد و حکمفرمایی خود را بر این سواحل مسلم گردانید. بعلاوه بنا به گفته هرودت مورخ شهیر یونانی از اواسط این دوره ایرانیان طوری در فنون دریانوردی پیشرفت کرده بودند که ناخدایان قسمتی از کشتی‌ها و ملوانان اکثر آنها از خود ایرانیان بودند و در تمام این دوره سواحل و جزایر خلیج تحت نفوذ نیروی دریایی ایران قرار داشته‌است.

از تسلط موقتی اسکندر و جانشینان او جز سفر دریایی نثارکوس که برای تحقیقات و اکتشافاتی در دریای هند با ناوگان مقدونی از مصب رود سند تا مصب رود فرات سیر نموده است خاطره دیگری در تاریخ خلیج فارس بجا نمانده و بطوریکه معلوم میشود سفر نامه نثارکوس تا زمان آربن مورخ یونانی در دست بوده و آربن از آن سفر نامه خلاصه‌ای در کتاب خود درج نموده که بعداً مورد استفاده دریا نوردان واقع شده است.

در زمان اشکانیان چون حکومت فارس و کرمان در دست شاهزادگان هخامنشی باقی بوده تسلط آنان بر خلیج مورد تردید نیست و یکی از سیاحان یونانی هم که هشتاد سال قبل از میلاد در خلیج و سواحل هند گردش کرده در یادداشت‌های خود بوجود کشتیهای ایرانی در این نواحی

اشاره نموده است . از طرف دیگر در جریان جنگهای ایران و روم در دوره اشکانیان دیده میشود که ورود بحریه ترازان از دجله به خلیج پس از شکست خسرو اشکانی امکان پذیر گردید و بعد از او هم رومیها از آنجا رانده شدند .

در عهد ساسانیان پرده اهام از روی تاریخ خلیج بر داشته میشود و نوشته های مورخین رومی و ارمنی و داستانهای ملی خودمان و بالاتر از همه تحقیقاتی که بعدها سیاحان و جغرافی نویسان ایران و عرب در دوره اسلامی نموده اند بخوبی میرساند که از زمان اردشیر بابکان تا عصر شاپور ذوالاكتاف بویژه در تمام دوره سلطنت کسری انوشیروان خلیج فارس و تمام سواحل و جزائر آن در تحت تسلط نیروی دریائی ایران بوده و سرکوبی قبائل عرب و اردو کشیهائی که به یمن و حبشه و سرانندیب انجام گردیده توسط همین نیرو بوده است . بعلاوه بدستور پادشاهان ساسانی در سواحل و بنادر خلیج شهر ها و قلعه ها و پایگاههای دریائی متعددی بنیاد گردیده که آثار برخی از آنها ازین رفته و بعضی از آنها مانند شهرهای ابوله و پیروز شاپور در کنار فرات و بتن اردشیر و شهر شاپور در سواحل جنوبی خلیج تا زمان استیلای قوای اسلامی عرب موجود و معمور بوده است . ریشهر هم که در زمان اردشیر توسعه و ترقی یافته در آن دوره یکی از بنادر مهم خلیج بشمار می آمده است . حتی رهنامه ای برای کشتی رانی در سواحل عمان و اقیانوس هند در دست ناخدایان ایرانی بوده که بعدها «واسکودو گاما» هم از آن استفاده کرده است و واژه های ناو و ناوی و ناوگان و ناو خدا و قطب نما از همان دوره بیادگار مانده است .

در دوره اسلامی یعنی از قرن نهم تا نهمه قرن شانزدهم میلادی سه بندرگاه مهم تجارتي به توالی هم در سواحل و جزایر خلیج دائر و بای-ر گردیده است که نمی توان از ذکر آنها خودداری نمود .

این سه بندرگاه به ترتیب عبارت از سیراف و کیش و هرمز است که هر يك در موقع رونق و جلال خود بر قسمت مهمی از سواحل و جزایر خلیج تسلط و نفوذ داشته است .

بنادر دیگری هم در مغرب خلیج موجود بوده که امروز آثاری از آنها باقی نمانده از جمله بندر سنیز در نزدیکی بندر دیلم که بعضی از مورخین مانند استخری و حمدالله مستوفی از آبادی و رونق بازارهای آن توصیف می کنند و همچنین بندر جانانه در مغرب گناوه فعلی و بندر ماهر و یان در نزدیکی رودخانه هندیجان که حکیم ناصر خسرو در سال ۴۴۳ قمری شخصاً آنجا را دیده و از بازارها و مساجد و کاروانسراهای آن تعریف نموده است و بندر نابند در نزدیکی بندر سیراف .

سیراف
بنابر روایت سیاحان و مورخین معروف ایران و عرب بندرگاه سیراف مخصوصاً در زمان حکومت آل بویه مهم ترین شهر ساحلی فارس محسوب و بیایه اهمیت شیراز مقرر حکمفرمایی آنان میرسیده است . بشهادت مورخین نامبرده سیراف دارای ابنیه عالی و مسجد زیبا و آب انبارهای بزرگ و جمعیت زیاد و از حیث اهمیت تجارتي بابصره رقابت مینموده است .

کالاهائی که در این شهر داد و ستد میشد عبارت از عود - خیزران آبنوس - عاج - صندل - ادویه پارچه های ابریشمی و کتان و مروارید و عوائد آن از عشریه سفائن تجارتي سالیانه به ۲۵۲۰۰۰ دینار سرخ بالغ

میشده و جاده بین سیراف و شیراز نیز بعلت عبور و مرور کاروانهای زیاد از دهات آباد و معمور میگذاشته است .

خرابه‌های این شهر در نزدیکی بندر طاهری امروزه و جنوب خرابه های سیراف عهد قدیم هنوز هم موجود است . یاقوت که در اوائل قرن سیزدهم شخصا بقایای این شهر را تماشا کرده است راجع به ابنیه نیمه خراب و ستونهای مسجد زیبای آن که از چوب صنوبر بوده و همچنین آب انبارهای سرپوشیده و محکم این شهر تعریف می کند . کمپتون از کارمندان نیروی دریائی انگلیس راجع بخرابه‌های این شهر می نویسد «محل سیراف که بمسافت کمی از بندر طاهری واقع است دارای ابنیه و عماراتی بوده که خرابه‌های آنها امروز هم موجود است . الواحی چند بخط کوفی در خرابه مسجد آنجا پیدا شده که بتاریخ قرن دهم میلادی بوده و یکی از این الواح درموزه بریتانیک لندن میباشد » .

پس از انقراض سلسله آل بویه سلاجقه کرمان بر
کیش
خلیج مسلط میشوند و در جزیره کیش قلعه و شهر جدیدی بنامی کنند و آنجا را بندر تجارتی قرار میدهند . از همین زمان عواید سیراف رو به نقصان میگذازد و قسمتی از جمعیت آن به کیش میروند تا اینکه در اثر زلزله شدیدی شهر سیراف بکلی خراب میشود و کیش جانشین آن میگردد .

یاقوت که در موقع آبادی و عمران شهر کیش هم در آنجا سیاحت نموده می نویسد : « شهری که در جزیره کیش ساخته شده بسیار زیبا و اطراف آنرا عمارات عالی و باغهای دلگشا احاطه کرده است و کشتیهائی که بین هندوستان و خلیج فارس رفت و آمد میکنند در آنجا توقف

مینمایند . چند آب انبار بزرگ برای ذخیره کردن آب باران و پنج بازار معمور در آنجا موجود است . در این شهر چند نفر را دیدم که در حکمت و ادبیات تبحر کامل داشتند در اطراف این جزیره صید مروارید هم میشود و تمام جزائر همجوار تحت حکومت کیش است .

بنا بگفته اغلب سیاحان عوائد کیش بابت عشریه کشتیها بمبالغه گزافی میرسده است و بهمین واسطه تا اواخر قرن سیزدهم میلادی به اهمیت و اعتبار خود باقی بوده چنانکه ذکر یای قزوینی هم آنجا رادیده و از عمارات و دروازه های آن توصیف و از کثرت رفت و آمد کشتیها و رواج بازار تجارت آنجا و همچنین باغات و نخلستان های این جزیره تعریف میکنند .

هرمز در اوان قرن دهم میلادی در قسمت خشکی دهانه خلیج فارس و در ناحیه ای معروف بمغوستان

شهر قدیمی هرمز قرار داشته که بنای آنرا بعضی از مورخین به اردشیر بابکان نسبت میدهند . این شهر بندر تجارتی کرمان و فارس محسوب و سیاحان و جغرافی نویسان دوره اسلامی همه بوجود آن اشاره کرده اند . مارکوپولو تاجر و نیز یی هم در سیاحت نامه معروف خود از شهر بزرگ و زیبائی در ساحل دهانه خلیج سخن رانده است که همان شهر هرمز بوده و در ضمن تعریف از این شهر و اخلاق و عادات مردم آنجا مخصوصاً تذکر میشود که رقم بزرگ عایدات این شهر از فروش اسبهای اصیل و ممتازی است که همه ساله از ایران به هندوستان صادر میشود .

اما در آغاز قرن چهاردهم میلادی جمعی از سواران مغول باین شهر حمله میبردند و ایازامیر آنجا برای فرار از دست غارتگران مغول با

نزدیکان خود بجزیره ژرون یا جرون که بمسافتی از این شهر درمدخل خلیج است مهاجرت مینمایند و پس از آباد کردن این جزیره بیاد وطن مألوف شهر تازه ای بنام هرمز در این جزیره بنا میکنند و بعد بسایر جزایر خلیج از جمله جزیره کیش مسلط شده و آنجا را از اهمیت سابق خود می اندازند .

باین ترتیب کیش هم تمام خود را در تجارت خلیج به هرمز واگذار و شهر هرمز در جزیره جرون بزرگترین بندرگاه خلیج می گردد و بواسطه موقعیت خود در دهانه خلیج روز بروز بر اهمیت و جلال آن افزوده میشود .
یکی از سیاحان معروف پرتغالی که در سال ۱۵۰۳ میلادی بهرمز آمده چنین میگوید :

« درمدخل خلیج فارس بجزیره ای برخوردیم که تا خشکی ۱۳ میل فاصله دارد و شهر زیبائی که در این جزیره بناشده معروف بهرمز است در این شهر انواع کالاهای تجارتی و بخصوص مروارید فراوان است اغلب بیش از سیصد کشتی تجارنی در اطراف آن لنگر انداخته و همواره در حدود چهار صد نفر تاجر در این شهر مقیم و به تجارت ابریشم و مروارید و ادویه و غیره مشغول هستند » .

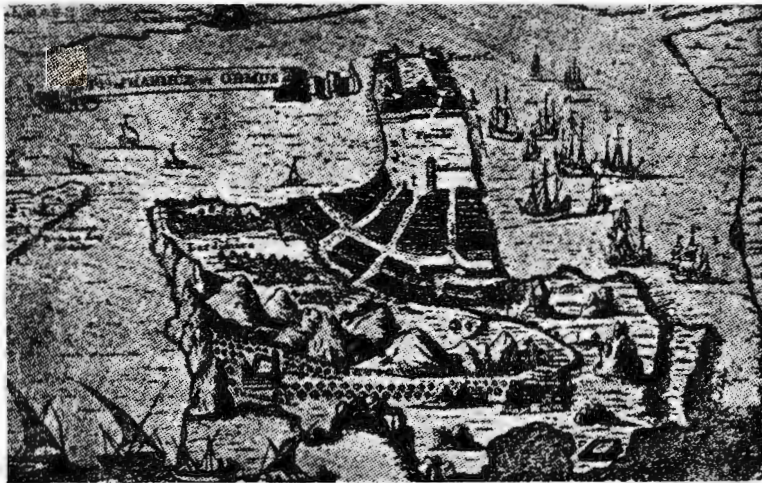
سیاح دیگر پرتغالی هم که مقارن سال ۱۵۱۷ هرمز را دیده است اینطور مینویسد :

« این شهر با آنکه چندان بزرگ نیست بسیار پاکیزه و قشنگ و دارای خانه های بلند است . این خانه ها از سنک و ساروج ساخته شده و هر کدام چند پنجره دارد . تجاری که در این جزیره هستند اکثر ایرانی و بعضاً عرب میباشند . ایرانیها مردمانی بلند بالا و خوش سیما و دارای

اندامی ورزیده و شکیل اما اعراب بیشتر سیه چهره و بی قواره هستند. ایرانیها مذهبشان اسلام و به موسیقی علاقه زیادی دارند و چند قسم ساز مینوازند. در این شهر تاجر معتبر و سرمایه دار خیلی زیاد و کشتی های تجارتی بیشماری با آنجا رفت و آمد دارند.»

تاجری از اهالی لندن که اندکی قبل از ورود پرتغالیها جزیره هرمز را دیده است در یادداشت های خود از این شهر چنین توصیف میکند:

« در شهر هرمز بازرگانان زیادی چه مسلمان و چه غیر مسلمان اقامت



شهر هرمز از روی يك تصوير قديمی

دارند و بتجارت ادویه و پارچه های ابریشمی و فرشهای ایران میگردانند. از جزیره بحرین مروارید های ممتاز باینجا می آورد و اسبهای اصیل ایرانی را هم که در هندوستان طالب و خریدار زیادی دارد از طریق این جزیره به هندوستان میفرستند.»

بطوریکه از نوشته های سیاحان بر میآید در آن موقع مرکز ثقل

تجارت خلیج از مغرب بمشرق انتقال یافته و در جزیره هرمز استوار گردیده بود. جزیره هرمز در دهانه خلیج متجاوز از دو قرن رونق و اعتبار روز افزونی پیدا کرده و بر هر دو ساحل خلیج تسلط داشته و حتی مسقط هم خراجگذار آن بوده است.

جمعیت این جزیره را در آن موقع اغلب از سیاحان تا حدود چهل هزار نفر ذکر کرده اند بهمین جهت آلبو کرک دریا سالار پرتغالی وقتی باین جزیره میرسد هرمز را بزرگترین مرکز تجارتی دنیا و «کلید خلیج فارس» میخواند و اشغال آنجا را برای تامین متصرفات پرتغالی هندوستان و برقراری تجارت بین آسیا و اروپا لازم و ضروری تشخیص میدهد.

بخش دوم

ورود پرتغالیها بخلیج فارس

چون از موقع ورود پرتغالیها بخلیج فارس تاریخ این قسمت از کشور ما بمرحله جدیدی وارد میشود و خلیج از لحاظ سیاسی و اقتصادی بیش از پیش کسب اهمیت مینماید از اینرو برای روشن شدن مطلب از ذکر مقدمه مختصری ناگزیر هستیم.

از اواخر قرن چهاردهم میلادی که ایلخانان مغول بر قسمت هائی از ایران حکمفرمائی داشتند در اثر توجه بعضی از اینان به معمور کردن راههای کاروانرو و امنیت و آرامش این راهها کشور ما باز مقام دیرین خود را در چهارراه خطوط بازرگانی شرق و غرب بدست میآورد.

در این نوبت تجار «ونیز» و «ژن» دو بندر معروف ایتالیا پس از توسعه عمل بازرگانی خود در دریای مدیترانه و دریای سیاه در صحنه تجارت ایران ظاهر میشوند و با بستن قرارداد هائی با ایلخانان در برخی از نقاط این کشور دارالتجاره تأسیس و از دو راه عمده سیر تجارت بین آسیا و اروپا را تأمین میکنند:

یکی از تبریز - ارزنة الروم - سیراس - اسکندرون - بدریای مدیترانه
دیگری از تبریز - خوی - منازگرد - ارزنة الروم - طرابوزان -
بدریای سیاه .

باین ترتیب شهر تبریز محل اتصال کلیه راههای تجارتی بین بنادرو ولایات ساحل خلیج فارس و سایر ایالات ایران بدریای سیاه و دریای مدیترانه میشود و بزرگترین مرکز بازرگانی شرق بشماره میآید.

بعلاوه تبریز واسطه تجارت بین هندوستان و اروپای شمالی واقع میگردد. بدین معنی که قسمتی از کالاهای وارداتی هندوستان بایران از راه قفقاز به مسکو صادر و در آنجا با پوست های مرغوب و گران قیمت و اجناس دیگر مبادله و توسط بازرگانان روس به بازارهای شمال اروپا حمل میگردد. چون از این معاملات پایاپای سود فراوانی عاید شاهزادگان و تجار مسکو میشود از همان موقع روسها باین فکر می افتند که بادست یافتن بدریای آزاد بهر ترتیبی شده خود را به هندوستان نزدیک کنند و بتوانند کالاهای خویش را یکسره بآنجا حمل و با محصولات گرانبهای هندوستان ازدست اول مبادله نمایند.

اما با فتح قسطنطنیه بدست سلطان محمد فاتح سال ۱۴۵۳ میلادی و استیلای عثمانیها بر بالکان و دریای سیاه و مرمره و نفوذ تدریجی ایشان بر شام و مصر و سواحل شرقی مدیترانه و بویژه خصومت عثمانیهای متعصب نسبت به عیسویان ، از نیمه دوم قرن پانزدهم تجارت بین آسیا و اروپا از اختیار تجار ونیزی و ژنی خارج و دچار اختلال میشود . فقط راه تجارتی تبریز بروسیه و عثمانی تا مدتی پابرجا میماند.

در نتیجه این پیش آمد ملل تجارت پیشه و دریانورد اروپا بفکر می افتند راه دیگری به هندوستان پیدا کنند و در این کوشش و آزمایش برتغالیها پیش آهنگ سابرین میشوند و پس از چند مسافرت دریائی عاقبت در سال ۱۴۹۸ میلادی «واسکودو گاما» دریاسالار معروف پرتغالی موفق

میشود از دماغه امیدواری (کاپ) به اقیانوس هند ورود نماید. اما در این سفر نمیتواند تا هندوستان برود و ناچار به مراجعت میشود. چهار سال بعد



واسکودو گاما عامل بزرگترین اکتشافات جغرافیائی

با سازو برك دریائی بیشتری بطرف هندوستان حرکت میکند و بر اهنمائی دریانوردان مسلمان که از دیر زمانی در امتداد ساحل افریقا رفت و آمد و داد و ستد داشتند به بندر کالیکوت در ساحل غربی هند میرسد و با کامیابی در یکی از بزرگترین اکتشافات جغرافیائی قرن پانزدهم یعنی پیدا کردن راه دریائی اروپا به هندوستان پایه متصرفات پرتغال را در این ساحل استوار میسازد و در مراجعت کالاهای نایاب هندوستان را بمقدار زیادتر و قیمت ارزانتری به بازارهای اروپای غربی وارد میکند.

البته کشف راه دریائی جدید لطمه بزرگی براههای خشکی وارد میسازد. زیرا حمل اجناس بوسیله کاروانها ^{خطات} دوری مسافت و کندی حرکت چهارپایان و گرانی کرایه و ^{مهر} رات ^{مالی} صرف نمی کند. بهمین جهت روز بروز برحیثیت و اعتبار دولت پرتغال افزوده می شود و تجارت هندوستان تقریباً بانحصار آندولت در می آید. پنج سال بعد آلبوکرک در یاسلار دیگر پرتغالی سفر دوم خود را با شانزده کشتی از « لیس بن » آغاز نموده و از طرف دولت پرتغال مأمور میشود که دامنه متصرفات آندولت را توسعه دهد. آلبوکرک در سر راه خود باقیانوس هند ابتدا متوجه عدن میشود که با تصرف آن از عبور کشتیهای تجار یمن و مصر مانع گردد. ولی بعلت کافی نبودن وسائل دراینکار توفیق نمی یابد و یکسره بجانب هرمز یعنی بزرگترین مرکز تجارتی هندوستان و افریقا و ایران حرکت میکند. در سر راه خویش خوریات و مسقط و صحار و خورفکان را متصرف و غارت نموده کشتیهای آنها را آتش میزند و برای مرعوب ساختن مردم حتی دستور میدهد گوش و بینی اسرا را ببرند.

مسقط هنگام ورود پرتغالیها خراجگذار امیر هرمز بود که در آن موقع پسری دوازده ساله و سیف الدین نام داشت اما خواجه عطار که به نیابت امیر بر هرمز حکومت میکرد مردی با کفایت و کاردان بود و چون از خرابکاری پرتغالیها خبر یافته بود برای دفاع هرمز چند هزار مرد جنگی تجهیز و چهارصد کشتی بزرگ و کوچک با عده ای ملوان در بندر شهر آماده مقاومت نموده بود.

بنا بر روایت خود پرتغالیها وقتی که آلبوکرک به تنگه خلیج وارد

و در مقابل جزیره هرمز لنگر می اندازد همراهان او از کثرت قوای مدافع هرمز دچار هراس میشوند. آلبوکرک به امیر هرمز پیغام میفرستد



آلبوکرک در باسالار پرتغالی

که اگر به تبعیت دولت پرتغال در آید هرمز در امان خواهد بود و الا به سر نوشت مسقط گرفتار خواهد شد.

چون مذاکرات طرفین بجائی نرسید آلبوکرک دستور میدهد شهر را زیر آتش توپخانه کشتیها قرار دهند.

مدافعین شهر مدتی مقاومت میکنند ولی در اثر تفوق آتش توپخانه مجبور بتسلیم میشوند.

سیف الدین تبعیت دولت پرتغال را بناچار پذیرفته و قرار میشود

مبلغی نقد و مبلغی هم باقسط غرامت بدهد و کلیه مال التجاره پرتغالیها از عوارض بندری معاف باشند. ضمناً کشتیهای اقوام دیگر بدون اجازه پرتغالیها حق آمدورفت به خلیج را نداشته باشند. بعلاوه برای ساختن يك قلعه نظامی قطعه زمینی در محل موسوم به "مورونا" برایگان به پرتغالیها واگذار میشود. پس از تصرف جزیره هرمز آلبو کرک دستور ساختن قلعه را صادر مینماید و این قلعه تا يك سال بعد حاضر میشود (۱۵۰۶-۱۵۰۷).

این وقایع در سال هشتم سلطنت شاه اسمعیل صفوی رخ میدهد و درست در همان موقعی که پرتغالیها در هرمز برقرار و مشغول ساختن قلعه و تجارتخانه میشوند از جانب شاه اسمعیل نماینده ای نزد امیر هرمز میآید و خراج سالانه را مطالبه میکند. سیف الدین مراتب را به آلبو کرک گزارش مینماید و در پاسخ پرتغالی جواب میدهد که دولت پرتغال بوسیله نیروی نظامی خود بر هرمز تسلط یافته و کسی را جز خود صاحب این جزیره نمیداند ضمناً مقداری گلوله توپ و باروت از کشتی ها خارج نموده به نماینده شاه اسمعیل تسلیم و پیغام میفرستد که ما از پادشاه پرتغال دستور داریم غیر از این اشیاء چیز دیگری بدشمنان خود ندهیم!

چندی بعد آلبو کرک از طرف دولت پرتغال به نیابت سلطنت هند پرتغال میرسد و در خاموش کردن شورش بندر «گوا» ابراز لیاقت مینماید و در نتیجه مطالعات دقیقی که در این مأموریت نسبت باوضاع آنجا بعمل میآورد پیشنهادی برای پادشاه پرتغال میفرستد که از لحاظ حفظ روابط متصرفات هندوستان و بسط نفوذ و قدرت دولت پرتغال در اقیانوس هند و تسلط کامل بر خطوط دریائی شرق و غرب باید اقدامات ذیل

بعمل بیاید :

۱ - عدن که بمنزله کلید بحر احمر است برای جلوگیری از تجاوز کشتی های دیگران بدریای عمان و اقیانوس هند بتصرف دولت پرتغال درآید و پادگان نیرومندی در آنجا برقرار شود .
۲ - مالاکاکه در انتهای آن بندرگاه سنگاپور کلید دریای چین است تصرف و مستحکم گردد .

۳ - جزیره هرمز که کلید خلیج فارس بشمار میرود مستحکم و کاملاً حفظ شود .

آلبو کرک پس از جلب موافقت دولت پرتغال پنج سال بعد با چند کشتی دوباره از هندوستان بقصد تصرف عدن حرکت میکند و باز هم موفق بگرفتن آنجا نشده تمام کشتیهائی را که در این بندر لنگر انداخته بودند میسوزاند و به گوا مراجعت میکند .

در سال ۱۵۱۵ در جزیره هرمز بر علیه پرتغالیها طغیانی برپا میشود و آلبو کرک باناگان بزرگی بآنجا میآید و شورشیان را منکوب و قلعه را متصرف و پرچم دولت پرتغال را بر فراز آن قلعه میافرازد .

در اینموقع سفیری از جانب شاه اسمعیل بهرمز میآید و قرارداد فیما بین بسته میشود که مطابق آن پادشاه صفوی بسلط پرتغالیها بر جزیره هرمز موافقت مینماید مشروط بر اینکه پرتغالیها مواد زیر را انجام دهند :

۱ - نیروی دریائی پرتغال در لشگر کشی ایران به قطف و بحرین کمک کند .

۲ - در خاموش کردن شورش و اغتشاش مکران پرتغالیها بان نیروی

ایران معاضدت کنند .

۳ - در جنگ با عثمانیها دولت پرتغال با دولت ایران متحد شود .
باین ترتیب پرتغالیها بدون داشتن رقیب دیگری رفته رفته بر تمام
سواحل و جزایر خلیج تسلط می یابند و در اغلب نقاط بساختن قلاع و تهیه
استحكامات میپردازند و متجاوز از يك قرن حاكمفرمائی مطلق آنان بر
خلیج فارس دوام پیدا می کند . ضمناً قریه كوچك « کامبرون » را در ساحل
مقابل جزیره هرمز با اراضی اطراف آن اشغال و در آنجا هم قلعه نظامی
می سازند و کشتی های خود را در پناه این قلعه در حال کمین و آماده بکار
نگاه میدارند تا بمحض اینکه کشتی جنگی بیگانه ای خواست بدخانه
خلیج وارد شود ناگهان آن کشتی را مورد حمله قرار داده نابود سازند .
در اواسط قرن شانزدهم ترکهای عثمانی هم به خلیج راه پیدا می کنند
و چندی با پرتغالیها وارد مبارزه میشوند ولی جز غارت و خرابی بعضی قلاع
آنها کاری از پیش نمی برند و در طی چند رزم دریائی پرتغالی ها جهازات
عثمانی را شکست میدهند و نفوذ آنها را در خلیج از بین میبرند .
آثار قلاع و استحكامات پرتغالیها در هرمز و قشم و هنگام و
ریشهر و بحرین و مسقط و کوهستك و حوالی بندر جاسك هنوز دیده
میشود .

بخش سوم

پیدا شدن انگلیس ها در خلیج فارس

و اخراج پرتغالی ها

دریانوردان و بازرگانان انگلیسی که مانند سایر ملل اروپایی از دیرگاهی بفکر مرآمده و تجارت باهندوستان افتاده بودند از اواسط قرن شانزدهم شرکت هایی برای تجارت با کشورهای آسیایی تشکیل دادند و بهات تسلط پرتغالیها بر اقیانوس هند ابتدا درصدد برآمدند از راه شمال اروپا خود را بروسیه برسانند و از آنجا برای تجارت با ممالک شرقی تلاش کنند نمایندگان این شرکتها پس از راه یافتن بمسکوباتزارهای روسیه و بخصوص «ایوان مخوف» وارد مذاکره شده و شرکتی بنام «شرکت مسکو» تشکیل میدهند و اجازه میگیرند از طریق رودخانه ولگا و دریای خزر با ایران و شرق مشغول تجارت بشوند.

برخی از نمایندگان انگلیسی این شرکت در زمان شاه طهماسب اول و بعد شاه محمد خدا بنده بقزوین پایتخت آنروزه دولت صفوی میآیند و برای بستن قرارداد تجارتی مذاکراتی می نمایند ولی در اثر اشکالات مذهبی کار آنها پیشرفت حاصل نمیکند.

از طرف دیگر بعضی از دریانوردان و بازرگانان انگلیسی که در طی این مدت موفق بانجام مسافرت هایی در اقیانوس هند شده بودند در مراجعت اطلاعات سودمندی راجع به هندوستان بارمغان می آورند.

در اثر همین رفت و آمدها و عملیات انفرادی بالاخره در سال ۱۶۰۰ بفرمان ملکه الیزابت شرکتی بنام « شرکت هند شرقی » تشکیل و کشتیهای تجارتی انگلیس بتوالی هم باقیانوس هند میآیند و در بندر «سورات» موفق بایجاد دارالتجاره میشوند .

چندی بعد یکی از رجال کلردان انگلیسی بنام « سر توماس رو » بسمت نخستین نماینده سیاسی آندولت بدربار نورالدین محمد جهانگیر پسر اکبر شاه گورکانی مامور و در نتیجه اقدامات او تجارتخانه شرکت در بندر سورات رونق و اعتبار حاصل میکند . در این بین ناوگان پرتغالیها هم در قسمت اروپا با ناوگان انگلیس مبارزه نموده دچار شکست میگردد و پس از این موفقیت دست انگلیسها در تجارت شرق باز میشود .

مراوده انگلیسها بخلیج فارس بیشتر از زمان شاه عباس بزرگ شروع میشود و از طرف شرکت هند شرقی چند نماینده بتوالی هم باصفهان میآیند و برای تجارت با ایران درخواست امتیازاتی میکنند .

برادران شرلی هم که از مدتی پیش بخدمت شاه عباس پذیرفته شده و وقتی بعنوان سفارت از طرف شاه بممالک اروپا رفت و آمد داشتند در پیشرفت کار شرکت کمک میکنند و بانگلیسها اجازه داده میشود که در بندر جاسک و بعد در اصفهان و شیراز دارالتجاره تأسیس کنند و از طرف شاه فرمان مخصوصی دائر بر مساعدت با تجار و سیاحان انگلیسی بحکام ولایات صادر میگردد و نیز انگلیسها سهمی در تجارت ابریشم ایران بدست میآورند .

پیشرفت کار انگلیسها در هندوستان و نفوذ آنان در ایران پرتغالیها را سخت نگران میکند و درصدد مبارزه با این رقیب جدید بر میآیند .

اما نیروی دریائی پرتغالیها در سه نوبت در اقیانوس هند و دریای عمان از انگلیسها شکست میخورد و این کامیابی بر حیثیت و اعتبار انگلیسها در دربار ایران می افزاید .

شاه عباس بزرگ که از مدتی باینطرف از گستاخی پرتغالیها و تعدی آنان بمردم خلیج ببتناك آمده و در پی فرصت مناسبی بود که پای ایشانرا از خلیج قطع کند ، در سال ۱۶۱۸ با «توماس بارکر» نماینده شرکت هند شرقی انگلیس قرار دادی می بندد و امتیاز صدور تمام محصول ابریشم ایران را بآن شرکت واگذار و حتی قدغن میکند که از آن به بعد به پرتغالیها ابریشم نفروشند و از راه عثمانی هم ابریشم صادر نکنند .

در اینجا از ذکر این نکته ناگزیریم که مقارن سلطنت شاه عباس ابریشم خام یکی از مهم ترین کالای صادراتی ایران بشمار بود و سالیانه قریب بیستصد هزار من شاه ابریشم بکشورهای خارج حمل میشد . ملل بازرگان اروپا نظر خاصی باین کالای نفیس ایران داشتند و همه کوشش میکردند که انحصار صدور ابریشم ایران را تحصیل کنند و در این رقابت آخرتجار انگلیسی فایق میشوند و این پیش آمد هم لطمه دیگری به پرتغالیها وارد مینماید . باین ترتیب قدرت پرتغالیها در خلیج فارس رفته رفته رو بزوال میرود و مردم آنجا که از بدر رفتاری و سفاکی بعضی سرکردگان ایشان بستوه آمده بودند به الله زردیخان بیگلربیگی فارس توسل میجویند و او بافرستادن قوایی ابتدا بحرین را از تصرف پرتغالیها خارج میکند و این موفقیت برفوژ و قدرت او در بین مردم سواحل و جزائر خلیج می افزاید . چندی بعد لارستان را هم کاملاً باطاعت خود درمی آورد و تسلط او نسبت به سواحل زیاده تر میشود .

گرچه در اینموقع نمایندگانی از طرف پادشاه اسپانی برای جلب رضایت شاهعباس بزرگ نسبت به پرتغالیها بایران میآیند ولی مذاکرات ایشان به نتیجه نمیرسد و شاه تصمیم قطعی برای راندن پرتغالیها اتخاذ میکند و به امامقلی خان پسرالله‌زردیخان که پس از مرگ پدروالی فارس شده بود دستور میدهد بنام حکومت لار خراج سالیانه هرگز را مطالبه نماید. چون پرتغالیها جواب سختی به امامقلی خان میدهند از اینرو بفرمان شاه امامقلی خان به بندر کامبرون و جزیره قشم حمله میکند تا ارتباط پرتغالیها را با این جزیره و ساحل قطع و مدافعین هرگز را تهدید به آبی و گرسنگی نماید. سپس در طی دو حمله متوالی بندر کامبرون را متصرف میگردد.

امامقلی خان بعد از این موفقیت با پیاده کردن قوایی در جزیره قشم پرتغالیها را شکست میدهد و پرتغالیها ناچار به قلعه نظامی خود پناهنده میشوند و چون با کشتیهای خویش از دریا قلعه را می‌پوشانند و باتوهای خود با طرف قلعه گلوله ریزی میکنند، امامقلی خان موفق بگرفتن قلعه نمیکردد و در میناب مرکز فرماندهی خود منتظر رسیدن کشتیهای انگلیسی از سورات میشود تا با فرماندهان این کشتیها ملاقات و با کمک آنان نقشه خود را بمرحله عمل بگذارد.

پس از رسیدن کشتیهای انگلیسی ببندر جاسک امامقلی خان کاپیتن «و دل» و کاپیتن «بلایت» افسران این کشتی هارا به میناب دعوت و با ایشان برای کمک بانبروی ایران برضد پرتغالیها وارد مذاکره میشود انگلیسها گرچه در باطن مایل براندن پرتغالیها از خلیج بودند ولی بعنوان مناسبات دوستانه بین دولتین انگلیس و پرتغال اول حاضر باین کار نمیشوند.

امامقلی خان بایشان اخطار میکند که اگر تقاضای او را انجام ندهند کلیه امتیازاتی که از طرف شاه بتجار انگلیسی اعطاء شده ملغی و بارهای ابریشمی که بطرف جاسک حمل شده توقیف خواهد شد. در اثر میانجیگری و پافشاری «مونوکس» نماینده کمپانی هند شرقی، افسران انگلیسی حاضر باین کمک میشوند و پیشنهادی بشرح زیر بامامقلی خان تسلیم مینمایند:

۱- قلعه هرمز پس از فتح با کلیه اسلحه و توپخانه و تجهیزات آن بانگلیسها واگذار شود.

۲- ایرانیان در هر نقطه دیگر جزیره جرون که مایل باشند برای خود قلعه بسازند.

۳- غنائمی که بدست میآید بین طرفین تقسیم شود.

۴- اسرای مسلمان بایرانیان و اسرای مسیحی بانگلیسها تسلیم شوند

۵- نصف مخارج کشتی ها و جیره و مواجب ملوانان در مدت جنگ بعهده ایرانیان باشد.

امامقلی خان پذیرفتن ماده اول این پیشنهاد را موکول باجازه مخصوص شاه نموده با چهار ماده دیگر موافقت میکند و در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۶۲۲ کشتی های انگلیسی از جاسک حرکت و یکسره بطرف جزیره قشم متوجه و در جلو قلعه نظامی پرتغالیها لنگر میاندازند. پادگان پرتغالی قلعه که از خشکی در محاصره وزیر فشار نیروی ایران واقع شده بود بمشاهده کشتی های انگلیسی برای نجات خود تسلیم آنها میشوند و قلعه قشم بتصرف نیروی ایران در می آید.

کشتیهای انگلیسی برای تکمیل تدارکات خود از قشم ببندر

کامیرون رفته و از آنجا با دو بیست قایق حامل قوای ایران بطرف هرمز حرکت و رو بروی قلعه نظامی پرتغالیها لنگر میاندازند

روز بعد در سپیده دم سپاهیان ایران بساحل جزیره پیاده شده و با پرتغالیها در گیر رزم میشوند و در نتیجه چند حمله متوثرانه پرتغالیها را بداخل قلعه میرانند. محاصره قلعه بواسطه استحکام آن و دفاع دلیرانه محصورین چند روز بطول میانجامد و در این مدت ایرانیها از راه نقب زدن و آتش توپخانه شکافی در حصار قلعه ایجاد می کنند. در این بین بزرگ ترین کشتی جنگی پرتغالیها که از طرف دریا قلعه را می پوشانید بوسیله انگلیسها آتش زده میشود و نابود میگردد. در اثر این موفقیت حمله ایرانیها شدت یافته و عده ای از سربازان از شکاف حصار قلعه بداخل آن هجوم آور میشوند. پرتغالیها در نتیجه تلفات زیاد و نداشتن آذوقه تسلیم و پادگان قلعه که با زن و بچه در حدود سه هزار نفر بودند مطابق قرار داد بانگلیسها تحویل میگردند.

پس از تصرف قلعه بفرمان امامقلی خان پرچم دولت پرتقال که بیش از یک قرن بر فراز قاعه آلبو کرك در اهتزاز بود برای همیشه سرنگون و پرچم دولت ایران بجای آن افراشته میشود.

از طرف دیگر امامقلی خان دستور میدهد اسلحه و مخازن قلعه را طبق قرارداد با انگلیسها تقسیم نمایند ولی در جزیره فقط پادگان ایرانی برقرار گردد (۱).

(۱) بنا بگفته سیاحان فرانسوی مانند «تاورنیه» و «شاردن» توپخانه و اسلحه ای که از قلعه پرتغالیها در هرمز بدست آمده عبارت از پنجاه توپ برنجی بزرگ چرخدار و چند توپ برنجی کوچک و پانزده زنبورک و چند —

انگلیسها که انتظار داشتند در هرمز جانشین پرتغالیها بشوند از این معامله امامقلی خان سخت رنجیدند چنانکه از تقاضای بعدی اوداغر بهم کاری آنها با نیروی ایران برای حمله به مسقط استنکاف کردند و امامقلی خان توانست خورفکان و صحار را بدون کمک آنها اشغال نماید .

بعضی از نویسندگان انگلیسی بر این عقیده هستند که از این اقدام نه تنها نفعی برای انگلیسها حاصل نشد بلکه دره غنی زبان هم دیدند از جمله « ریشارد بوئی » یکی از بازرگانان لندن در این باب اینطور می نویسد:

« ما ورین انگلیسی که بدون اجازه دولت خویش جزیره پراهمیت و ذقیمت هرمز را بدست ایرانیان سپردند شایسته ملامت و نکوهش هستند بعلاوه تجارت هرمز در زمان آبادی و عمران آن از مجموع تجارت لندن

منجریق و در حدود یکصد و پنجاه خمپاره و بادلیج بوده که بتساوی بین طرفین تقسیم شده است .

امامقلی خان سهمیه ایران را به بندرعباس و لار و اصفهان فرستاده و بقول تاورنیه هفتاد عراده و بروایت شاردن یکصد و ده عراده از توپها و بادلیجهای پرتغالی تا اواخر دوران صفویه در میدان نقش جهان اصفهان باقی بوده است .

اسکندر بیگ در عالم آرای عباسی راجع به غنائم هرمز بطور اختصار می نویسد : « از براق قلعه و غنائمی که بدست آمد چند عدد توپ بزرگ و بادلیجهای خورد و کلان بود که فرنگیه بقتون غریبه ترتیب داده و هر یک کارنامه استادان ماهر و توپچیان عظیم المثل فرنک است و دیگر اشیاء مرغوبه آنچه لیاقت قبول نظر اشرف داشت جهت سرکار خاصه شریفه جدا کرد . » از اینجا هم بخوبی معلوم میشود که قسمتی از غنائم هرمز به اصفهان حمل شده که توپها و بادلیجها جزو آنها بوده است .

و آمستردام افزون تر بود و از دست دادن چنین جزیره مهمی جز زکینه و عداوت شدید پرتغالیها بر ضد انگلیسها نتیجه دیگری نداشت.

پس از شکست هرمز پرتغالیها مرکز عملیات تجارتی و تبلیغاتی خود را به مسقط انتقال دادند و چند سال بعد خورفکان و صحار را هم از ایرانیان پس گرفتند، اما چون هیچیک از این اقدامات لطمه بزرگی را که باسقوط هرمز به تسلط و حیثیت ایشان در خلیج فارس وارد آمده بود جبران نمیکرد، از اینرو دوبره دیگر بقصد استرداد هرمز آمدند ولی موفق باینکار نشدند. چند سال بعد که از پس گرفتن این جزیره بکلی مایوس شدند نمایندگانی بدربار شاه عباس بزرگ اعزام و درخواست کردند که از تمام متصرفات خود در سواحل ایران چشم پیوشند و شاه در مقابل بآنها اجازه بدهد دربندر کنک قلعه و تجارتخانه بسازند و در اطراف بحرین هم حق صید مروارید داشته باشند. شاه عباس هم که به حفظ روابط خود با دولت اسپانیا از نظر استفاده احتمالی از نیروی دریائی آنها بر ضد دیگران علاقه مند بود باین درخواست موافقت نمود و قراردادی فیما بین بسته شد که پس از استقرار پرتغالیها دربندر کنک مال التجاره ایشان از پرداخت عوارض بندری معاف و نصف عایدات این بندر هم به پرتغالیها پرداخت گردد.

اما چندی نگذشت که خوارج عمان به پشتیبانی هلندیها بر ضد پرتغالیها قیام کردند و دارالتجاره آنها را در مسقط و صحار بیاد غارت دادند و در سالهای بعد بندر کنک هم از طرف همین خوارج مورد حمله قرار گرفت و اموال تجارتخانه پرتغالیها به یغما رفت.

پس بطوریکه دیده میشود پرتغالیها در اثر شکست هرمز حکومت خود را بر خلیج فارس اردست میدهند. چنانکه اقامت ایشان در مسقط

و نقاط دیگر نیز بیش از سی سال بطول نمی انجامد و در نیمه اول قرن هفدهم پای پرتغالیها از خلیج فارس و حوالی آن قطع میشود و ای یاد گاریهای بسیار تلخی از دوران تسلط خود بجا میگذارند. چه از يك طرف در اثر خشونت رفتار و طمع ورزی آنها بومیان خلیج طوری بسته می آیند که حتی در دوره اقتدار پرتغالیها چند مرتبه ؛ ر ضد ایشان قیام میکنند ولی چون دولت ایران در آن موقع قادر بر پشتیبانی از مردم دلیر آن سامان نبوده مجاهدت این راد مردان بی نتیجه می ماند. از طرف دیگر بعلت جلوگیری پرتغالیها از سیر آزاد کشتی های بومیان در داخله خلیج موضوع قاچاق و دزدی دریائی در صحنه این دریا بیشتر رواج پیدا میکند بطوریکه بعدها جماعتی از همین دزدان دریائی در طی مبارزه با پرتغالیها بسواحل و جزائر ایران هم خسارت و خرابی میرسانند.

دریغاکه پس از فتح هرمز این بندرگاه مهم تجارتی که سیاحان معروف همیشه از رونق و اعتبار آن توصیف میکردند و از نظر اهمیت تجارتی آنرا در ردیف لندن و آمستردام آنروز اروپا میخواندند دیگر روی آبادی و عمران بخود ندید و دریانوردانی که بعداً اوضاع خراب این جزیره را مشاهده و از آبادی و شکوه سابق آن باخبر بودند نسبت به سرنوشت هرمز از ابراز تاسف خودداری نکرده اند.

« سرتماس هربرت » که در سال ۱۶۲۷ یعنی پنج سال پس از سقوط هرمز آنجا را دیده اینطور میگوید :

« در انتهای جزیره خرابه های شهر بزرگی که پرتغالیها بوجود آورده اند هنوز باقی و نمایان است این شهر سابقا دارای عمارات وسیع و چند دیر و کلیسا و یک بازار بزرگ بوده است ولی امروز عظمت و جلال

گذشته خود را بکلی ازدست داده حتی چوب و سنگ و مصالح عمارات آنجا را برای ساختمان کامبرون میبرند .

خلاصه همین شهر مخروبه در ده سال پیش زیباترین و معتبرترین شهرهای مشرق زمین بشمار بود و است »

بطوریکه معلوم میشود شاه عباس بزرگ بعلت نداشتن نیروی دریائی از آبادی هرمز چشم پوشید و در عوض دستور میدهد در نزدیکی کامبرون بندرگاه بزرگی بنام «بندرعباس» ایجاد و بازارگانان ملل مختلف را تشویق میکند که در آنجا برای خود تجارتخانه بسازند . دیری نمی گذرد که بندرعباس از لحاظ اهمیت تجارتی جانشین هرمز میشود و متجاوز از یکصد و پنجاه سال مرکز عمده بازرگانی خلیج محسوب میگردد از نویسندگان خارجی «شاردن» بیش از همه به تعریف و توصیف این بندرگاه جدید پرداخته است .

اهمیت موقع بندرعباس در این است که هم بدریای عمان و هم بخلیج فارس مسلط میباشد و در پناه و پوشش جزائر هرمز و قشم و لارک و هنگام قرار گرفته که تمام این جزائر و بخصوص قشم همیشه مورد توجه پرتغالیها و هلندیها و انگلیسها بوده و برای حفظ تسلط خود بر خلیج در آنها قلعه و استحکامات نظامی ساخته اند . امروز هم بندرعباس و جزائر اطراف آن مجموعاً بمنزله «کلید خلیج فارس» هستند .



دورنمای بندر عباسی از روی تصویربری که در سال ۱۶۵۰ از این بندر گاه برداشته شده است

بخش چهارم

رقابت انگلیسها و هلندیها در خلیج فارس

گرچه هلندیها از اواخر قرن شانزدهم رابطه تجارتي غیرمستقیمی از طریق «لیسبن» با مشرق و هندوستان پیدا کرده بودند اما وقتی که هلند تابع فیلیپ دوم پادشاه اسپانی بود وی از مرادده هلندیها با مشرق بانواع وسائل جلوگیری میکرد. با این حال چون بازرگانان هلندی اطلاعاتی راجع بکالاهای پرسود هندوستان بدست آورده و باینکار علاقه داشتند از اینرو سخت گیریهای دولت اسپانی نتوانست مانع رفت و آمد ایشان باین کشور زرخیز بشود. تا آنکه در سال ۱۵۸۳ یکی از اهالی «هارلم» هلند بقصد تحقیقات بیشتری بهندوستان رفت و سیزده سال در آنجا بمطالعه پرداخت و در این مدت اطلاعات جامعی راجع بخطوط دریائی و بندرگاهها و جزائر و حتی بادهای موسمی و جریانهای دریائی اقیانوس هند بدست آورد و در مراجعت بهلند این اطلاعات را در معرض استفاده هم میهنان خویش قرار داد.

در نتیجه بازرگانان هلندی بیشتر تشویق شده و در آغاز قرن هفدهم چند کشتی تهیه و با هیئتی بمشرق فرستادند. این هیئت موفق شد از دماغه امیدواری گذشته و بسهولت بهندوستان برسد. از آن بعد کشتیهای تجارتی هلند مرتباً مشغول آمد و رفت شدند و شرکت های مختلفی که

از سابق برای تجارت با ممالك دور دست در هلند تشکیل یافته بودند همه يك شركت بزرگ و معتبری بنام «کمپانی هند شرقی هند» مبدل و با اختیارات وسیع تری وارد عرصه تجارت هندوستان شدند .

از سال ۱۶۰۲ تا سال ۱۶۱۹ میلادی تمام فعالیت و کوشش هلندیها برای دست یافتن بجزایر ادویه (۱) در اقیانوس هند مصروف و پس از مبارزه و کشمکش زیادی با پرتغالیها عاقبت راه این جزایر را بروی خویش گشودند . در ضمن «جاوه و باتاویا» را مرکز حکومت خود قرار دادند . البته قصد اصلی هلندیها از این اقدامات این بود که مردم دیگری را در تجارت کالا های ذیقیمت این جزایر شرکت ندهند . خلاصه تا زمان فتح هرمز بوسیله نیروی ایران و راندن پرتغالیها از این جزیره هلندیها هنوز بخلیج فارس دست پیدا نکرده بودند . از موقعی که چند کشتی آنها بکممک انگلیسیها برضد پرتغالیها بدهانه خلیج آمدند توجه هلندیها باین دریا جلب شد و وقتی بنادر عباس رسیدند که بر طبق اجازه شاه عباس بزرگ انگلیسیها دارالتجاره خود را در این بندر دائر کرده بودند و بر قابت ایشان هلندیها هم موفق بگرفتن این اجازه شدند . پس از تاسیس تجارتخانه از شاه عباس درخواست کردند که در صدور ابریشم خام ایران هم سهمی داشته باشند شاه چون در آن موقع گرفتار جنگ با عثمانی ها و دفاع بغداد بود برای اینکه از نیروی دریائی هلندیها هم بتواند در موقع لزوم استفاده کند این درخواست را پذیرفت .

پس از گرفتن این امتیاز جدید هلندیها با همان فعالیتی که در

۲- مجمع الجزایر «ملوک» بعالت محصول فراوانی که از حیث جوز، دارچین ، میخک و هل و غیره دارد با اسم «جزائر ادویه» معروف شده است

اقیانوس هند ابراز داشته بودند وارد تجارت ایران شدند و رفته رفته نمایندگانیهائی در فارس و اصفهان ولار ایجاد کردند. دو سال از ورود ایشان بامور تجارتی ایران نگذشته بود که رئیس تجارتخانه انگلیس در اثر سرعت پیشرفت کار آنها تصمیم گرفت نمایندگی خود را در اصفهان تعطیل نماید ولی بعد از این کار منصرف شد.

از طرف دیگر هلندیها وقتی دربندرعباس مستقر و بر تجارت ایران مسلط شدند از پرداخت عوارض بندری امتناع ورزیدند و این اقدام ایشان بزیان انگلیسها تمام شد، زیرا شاه عباس نصف عوائد بندر را باینها واگذار نموده بود و این موضوع بیشتر باعث اختلاف بین این دو رقیب گردید.

تا زمانی که شاه عباس وفات نیافته بود تجارتخانه های انگلیسی از حمایت مخصوص او استفاده میکردند ولی بعد که شاه صفی بسلطنت رسید هلندیها با گرفتن امتیازات دیگری بر انگلیسها فایق شدند و قسمت عمده تجارت ایران بدست ایشان افتاد و برای اینکه واردات ایران را هم به انحصار خود در آورند کالاهای مورد نیاز کشور را از خارج تهیه و به قیمت نازلتر از آنچه برای خودشان تمام شده بود در بازارهای ایران عرضه داشتند.

چندی بعد نمایندگان از طرف اتحادیه ممالک آلمان بدربارشاه صفی آمدند و درخواست خرید ابریشم خام نمودند ولی هلندیها در این قسمت جداً مخالفت کرده و قیمت ابریشم را ترقی دادند تا مانع بستن قراردادی با نمایندگان مزبور بشوند. همینکه نمایندگان آلمان بدون اخذ نتیجه مراجعت کردند هلندیها قیمت ابریشم را دوباره پائین آوردند.

این اقدام باعث رنجش خاطر شاه صفی شد و دستور داد از مال التجاره آنها عوارض بندری بگیرند. هلندیها از پرداخت این عوارض استنکاف ورزیده مشغول تمرکز نیروی دریائی کافی شدند تا از راه تهدید دولت ایران را وادار به لغو این دستور نمایند. در نتیجه مقارن سال چهارم سلطنت شاه عباس ثانی غفلتاً بجزیره قشم تاخته و آنجا را متصرف شدند و در ضمن جهازاتی بحوالی بندر عباس فرستادند که از تجارت هندیه و انگلیسها هم جلوگیری کنند. اما چون در اثر شدت گرما جمعی از ملوانان هلندی تلف شدند ناچار نیروی دریائی خود را مراجعت داده از راه تقدیم هدایائی به شاه عباس ثانی و عذر خواهی از پرداخت عوارض معاف شدند و بر قیمت ابریشم نیز مبلغی افزودند.

در اینموقع چون تجارت انگلیسها در بندر عباس بواسطه فعالیت و مخالفت هلندیها مختل و بازارشان کساد شده بود تصمیم گرفتند مرکز عملیات تجارتی خود را از آنجا به بصره انتقال دهند. اما هلندیها در بصره هم دست از سر انگلیسها برنداشتند و با اعزام ناوگانی تجارت خانه آنها را در آنجا نابود ساختند. از طرف دیگر باتشویق و رسانیدن کمک به اعراب عمان که بر علیه پرتغالیها قیام کرده بودند بالاخره پرتغالیها را هم بکلی از مسقط بیرون کردند.

بعلاوه در طی اینمدت سایر متصرفات پرتغالیها نیز در اقیانوس هند و مشرق تدریجاً بتصرف هلندیها در آمد و حتی جزیره سرانندیب و دماغه امیدواری را هم از دست آنها گرفتند.

گرچه در سال ۱۶۶۴ میلادی باتشکیل یافتن کمپانی هند شرقی فرانسه و استقرار نمایندگی آن در بندر عباس تصور میرفت رقیب اروپائی دیگری برای هلندیها پیدا شده باشد و در تجارت آنها با ایران سهمیم گردد ولی

کار این رقیب جدید رونقی پیدا نکرد.

اینک برای اینکه موضوع رقابت این سه کمپانی در نیمه دوم قرن هفدهم برای ما روشن تر بشود مشهودات بعضی از سیاحان را در اینجا ذکر میکنیم:

«شاردن» سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۷۴ میلادی بندرعباس را دیده در ضمن تعریف از این بندر با لحن حسادت آمیزی از هلندیها یاد میکند:

«جای تعجب است که مردم شرق نسبت به هلندیها اینهمه خوشبین هستند!! ایرانی ها و هندوها چون توسعه روز افزون تجارت هلندیها و کاهش بازرگانی سایر ملل اروپائی را بچشم می بینند پیش خود خیال میکنند که هلندیها مالک الرقاب اروپا هستند. چنانکه حاکم بندرعباس اخیراً به مدیر تجارتخانه فرانسوی مقیم این بندر گفته است: شما که ادعا دارید کشور هلند را بتصرف خود درآورده اید چطور شده که دو روز پیش هفت کشتی هلندی باز باینجا وارد شد و از کشتی های شما و انگلیسها حتی یکی هم باینجا نمی آید!»

دکتر «فریر» که در سال ۱۶۷۷ ناظر اوضاع تجارتی بندرعباس بوده در این باب اینطور مینویسد:

«بیشتر کشتیهائی که به بصره رفت و آمد میکنند در بندرعباس متوقف میشوند. زیرا برای فروش کالا های خود بازاری مناسبتر از بازار آنجا پیدا نمی کنند. در این بندر تجارت ادویه و پارچه و قند و مس در دست هلندیها تمرکز دارد و در مقابل سالیانه معادل پنجاه هزار تومان مخمل و قالی و طلا و نقره و اجناس دیگر صادر میکنند. تجارت انگلیسها برعکس خیلی محدود و منحصر به ادویه و ابریشم و خرما و پشم و اسب است و

مخارج کنسولگری آنها هم خیلی گران تمام میشود.

کار فرانسویها در بندرعباس مانند سایر بنادر رونقی ندارد و اگر مترجم ایشان با وارد کردن ماشین شراب کشی نمیتوانست در سال مقداری شراب تهیه و صادر نماید اصلاً از عهده مخارج اقامت خود در این بندر بر نمیآمدند.

نویسنده دیگر علل پیشرفت هلندیها را در مشرق اینطور بیان میکند:

« موجبات اصلی پیشرفت امور تجاری هلندیها و کامیابی ایشان در مشرق این است که کمپانی هند شرقی هلند جوهر هنگفت و کشتی ها و وسائل متعددی در اختیار خود دارد و از طرف دولت هلند هم به عمل کمپانی کمال مساعدت میشود. در صورتیکه مؤسسات انگلیسی و پرتغالی در واقع پشتیبان و نگاهبانی ندارند. حتی دولت انگلیس بعوض کمک کراراً حقوق و امتیازات کمپانی هند شرقی لندن را پایمال و مانع پیشرفت عملیات تجاری آن گردید ».

اما در اثر تغییراتی که از اواخر قرن هفدهم در سیاست کمپانی هند شرقی انگلیس رخ نمود و پیشرفتهائی که انگلیسها در اروپا حاصل کردند اوضاع هندوستان بصورت دیگری درآمد و اثرات آن رفته رفته در خلیج فارس هم منعکس شد. چنانکه در زمان شاه سلیمان تجارت هلندیها در ایران رو به سستی گذاشت و بر رونق تجارت انگلیسها افزوده شد. چه از یکطرف واردات هلندیها در اثر اشکالات اروپائی کاسته شد و صادرات ابریشم خام ایران هم تقریباً به نصف مقداری که در زمان شاه عباس نانی معامله میشد تقلیل یافت. در صورتیکه عملیات تجاری رقیبان آنها یعنی انگلیسها و فرانسویها پیشرفت محسوسی پیدا کرد. باین ترتیب هلندیها چون دیگر از تجارت ایران بهره کافی نمیدردند شروع باشکال تراشی

و بهانه جوئی نموده چندین بار شکایت کردند ابریشمی که از انبار های شاهی بآنها تحویل میشود از جنس نامرغوب و خراب است . چون از این شکایات نتیجه نگرفتند بفکر افتادند دوباره از راه تهدید و زور دولت ایران را وادار بدادن امتیازات جدیدی بنمایند . ناوگان هلندی در سال ۱۶۸۶ دوباره به جزیره قشم حمله نموده آنجا را متصرف شدند و بعلاوه بندرعباس را هم گلوله باران کردند - شاه سلیمان که بعزت نداشتن نیروی دریائی قادر بعمل متقابل نبود از راه سیاست وارد شد و به تجارتخانه هلندی وعده داد که نمایندگان خود را باصفهان بفرستند تا بمطالب آنها رسیدگی و برطبق درخواستشان اقدام لازم بعمل آید .

نمایندگان هلندی مدت سه سال در اصفهان معطل شدند و کسی باظهارات ایشان توجهی نکرد و چون نگاهداری جزیره قشم مخارج گزافی برای شرکت تولید میکرد ناچار آنجا را تخلیه و مجبور شدند مبلغی هم در اصفهان خرج کنند تا اجازه بازگشت بآنان داده شود. معروف است روزی که رئیس نمایندگان هاندی برای کسب اجازه مرخصی به حضور شاه سلیمان شرفیاب بود از طرف شاه باو اینطور تذکر داده شد :

«شایسته نبود که قوم بازرگان و تجارت پیشه ای مانند شما از پادشاهی

چون من، باتوپ و تشر دادخواهی کند !»

در زمان شاه سلطان حسین هم تجارت هلندیها درخلیج فارس بیشتر متزلزل شد و از طرف دیگر شاه آشکارا تمایل خود را بانگلیسها بر او داشت . چنانکه روزی باجمعی از بانوان حرم به تجارتخانه انگلیس محقیم اصفهان رفت و رئیس تجارتخانه پذیرائی بسیار با شکوهی از شاه و همراهان او نمود و بدریافت خلعت و شمشیر مرصع و اسب ممتازی

مفتخر شد و امتیازات جدیدی هم به عمال شرکت اعطاء گردید . نماینده شرکت تجارتی هلند برقابت انگلیسها از شاه سلطان حسین درخواست کرد که به تجارتخانه ایشان هم برود ولی شاه درخواست او را نپذیرفت و این بی اعتنائی بیشتر به حیثیت و اعتبار هلندی ها در انظار لطمه وارد ساخت .

چندی بعد که ایران گرفتار حمله افغانه شد گروهی از بلوچها به کرمان و فارس هجوم کردند و شهر لار را هم متصرف شدند و جمعی از سواران خود را برای گرفتن بندر عباس فرستادند . تجار انگلیسی و هلندی با توپهایی که در اختیار داشتند بمدافعه پرداخته بلوچها را عقب راندند ولی در این گیر و دار یکی از انبار های تجارتخانه هلندی غارت شد و خسارت زیادی بشرکت وارد و حتی چند نفر از اتباع هلند کشته و زخمی شدند.

دردوران تسلط افغانه تجارتخانه انگلیسی در اصفهان و تجارتخانه های هلندی در اصفهان و فارس و لار بسته شد و اوضاع بنادر و جزایر خلیج هم دچار اختلال و اغتشاش گردید . افغانها پس از تصرف شیراز به بندر عباس هم رفتند ولی موفق بگرفتن آنجا نشده و با تحصیل مختصر آذوقه ای مراجعت نمودند .

در سالهای بعد بعلت خرابی اوضاع ایران هلندیها مدتی دربوشهر و بصره داد و ستد کردند و برای رقابت با بازار بصره جزیره خارک را مرکز تجارت خود قرار دادند و به آبادی و قلعه سازی آنجا پرداختند بطوریکه پس از مدتی جمعیت این جزیره را از سیصد نفر به دوازده هزار نفر رسانیدند و کار تجارت ایشان در این جزیره تازه میخواست رونق

بگیرد که گرفتار مخالفت میرمهنای بندرریگی شدند .

میر مهنای که از چند پشت در بندر ریگ حکومت و نفوذ داشت و مردی متعصب بود به مخالفت هلندیها برخاست و در ۱۷۶۵ میلادی قلعه آنها را در جزیره خارک محاصره و تصرف نمود و تمام اموال و مال التجاره آنها را ضبط کرد. هلندیها بزحمت توانستند با چند کشتی خلیج فارس را وداع گفته به «باناوایا» بروند .

با سقوط جزیره خارک دوران تسلط صد و چهل ساله هلندیها در خلیج فارس پایان یافت و دیری نگذشت که بقایای قلعه آنها نیز در جزیره مزبور بکلی منهدم و مصالح ساختمانی آن بنقاط دیگر حمل شد. باین ترتیب پس از یک قرن و نیم آثاری از هلندیهای در جزیره خارک و سایر جزائر و بنادر ایران بجا نماند ولی دو نوبت تعرض ناروای ایشان بجزیره قشم و هرمز و بندرعباس و گلوله باران کردن این نقاط هرگز فراموش نشد.

بخش پنجم

اوضاع خلیج فارس

از آغاز کار نادرشاه تا پایان کار کریم خان زند

دوران شوکت و جلال شاهنشاهی ایران در زندگانی نوین آن پس از فوت شاه عباس بزرگ تدریجاً روبه زوال گذاشت و در زمان شاه سلطان حسین سستی کار دولت صفوی بجائی رسید که محمود غلیزائی با مستی سوار و پیاده اصفهان را محاصره نمود و شاه بنفع او از سلطنت استعفا داد و پایتخت بتصرف محمود درآمد. برای اینکه وخامت اوضاع ایران در این تاریخ روشن شود و بانعکاس آن در خلیج فارس پی ببریم بهتر است وقایع مهم این عصر را بطور مختصر یاد آوری نموده بعد بذکر حوادث خلیج پردازیم.

پس از اینکه پایتخت دولت صفوی بتصرف محمود درآمد و لشگریان او تا فارس جلو راندند از آنطرف میر اسدالله ابدالی بر حکومت هرات شورید و آنجا را اشغال و قسمتی از خاک خراسان را غارت کرد. در سمت شمال غربی ایران طوایف لزگی شیروانات را معرض تاخت و تاز قرار داده تا حدود شماخی پیش رفتند. بطر کبیر که همواره آرزوی دست یافتن بدریای آزاد را در سر داشت وقتی پایتخت ایران را در اشغال افغانه دید به بهانه تعدی و تجاوز لزگیها و مردم شماخی باتباع

روس بطرف دربندار تش کشی کرد و قوای روس بعداً تا گیلان و مازندران پیشروی کردند (۱).

دولت عثمانی هم که از شاه عباس دل پر خونی داشت بتلافی شکست‌های سابق از مرزهای ایران تجاوز کرد و کردستان، ایروان، نخجوان، خوی، تبریز، مراغه، همدان و کرمانشاه را به توالی هم اشغال نمود. چون در ضمن این پیشرویها بین این دورقیب بزرگ گفتگو‌هایی شروع شده بود بواسطت «دوبناک» سفیر فرانسه مقیم اسلامبول در آنجا طرح قراردادی فی‌مابین دولّین روس و عثمانی ریخته شد که مطابق آن ولایات ساحلی بحر خزر از صحرای ترکمن گرفته تا محل تلاقی رود کورارس در تصرف روسها بماند و از محل تلاقی این دو رودخانه تا همدان و کرمانشاه کلیه شهرهای اشغالی از آن عثمانیها باشد (۱۷۲۴).

درسایر نواحی ایران نیز هرج و مرج بزرگی آغاز شد. از يك طرف ملك محمود سیستانی بر شهرستان مشهد استیلا یافت و دعوی استقلال

(۱) در وصیت نامه ای که به بطر کبیر نسبت میدهند ماده نهم آن اساس سیاست او را نسبت بایران و شرق روشن میسازد:

« هرچه ممکن باشد باید با اسلامبول و هندوستان نزدیک تر شد. حکمرمائی بر آنجا حکومت بردنیاست. برانگیختن جنگهای دائمی گاهی با ایران وزمانی با عثمانی و فیما بین آنها - برقراری بایگاههایی در دریای سیاه و تسلط تدریجی بر این دریا و همچنین دریای بالتیک پیشرفت این منظور کم کم موثری میکند. در انقراض دولت ایران باید تعجیل نمود و تا سواحل خلیج فارس جلو رفت. در صورت امکان راه تجارتی قدیم شرق را از طریق سوریه دوباره دایر نمود. باید همیشه در نظر داشت که هندوستان مخزن ثروت دنیا است و کسی که بهند دست پیدا کند دیگر نیازمند طلای انگلستان نخواهد بود ».

نمود . در خاک بختیاری و شوشتر و کرمان و بلوچستان هم اشخاص ناشناسی بعنوان شاهزادگان صفوی سر به طغیان برداشتند .

در این گیرودار طوایف مختلف عرب در خلیج فارس مشغول قتل و غارت مردم ساحل نشین و جزائر آنجا شدند . از بین این طوایف قوی ترین آنها خوارج و جواسم بودند که بنابر روایت کابیتن الکساندر هاملین دستجات خطرناکی با ناوهای توپدا تشکیل داده و بر سواحل شمالی و جنوبی خلیج و مسقط تا بحر عمان تسلط یافته بودند .

قبیله آل هوله نیز بر قسمتی از بنادر مرکزی و جزایر کیش و بحرین حکمرانی مینمودند . روسای این طوایف یعنی سلطان بن سیف ثانی در مسقط و بلعرب بن حمیر در عمان و شیخ جباره هولی کنگانی در بحرین غالباً بایکدیگر مبارزه مینمودند و در طی این کشمکش هابنادر و جزائر ایران هم دست بدست میگشت .

گرچه مقارن حمله محمود افغان بحدود کرمان لطفعلی خان داغستانی بیکریمیکی فارس بـرای سرکوبی جواسم شخصاً ببندر عباس آمد و این طایفه را سخت تنبیه نمود و قصد داشت که بنادر و جزائر اطراف راهم از شر این غارتگران نجات دهد ولی از طرف دولت مأمور جلو گیری محمود افغان شد و از بندر عباس یکسره بکرمان رفت و در غیاب او یغماگران عرب دوباره مشغول کار خود شدند .

بطور کلی اوضاع خلیج فارس مانند سایر نقاط ایران بحال هرج و مرج باقی ماند تا آنکه ستاره درخشان نادر شاه افشار از ایورد خراسان طالع شد و دیری نگذشت که این نابغه بزرگ ، ایران اشغال شده را از چنگال افغانها و عثمانیها نجات داد و از راه مذاکرات سیاسی امپراطوری روسیه را وادار بتخلیه و تحویل ایالات شمالی نمود .

در این موقع که محمدخان بلوچ حاکم کوه گیلویه و بنادر خلیج بر ضد نادر قیام و دعوی سلطنت مینمود نادر برای رفع غائله او شخصاً بفارس رفت و در طی نبرد خونینی قوای او را طوری متلاشی ساخت که محمدخان بلوچ با چند نفر از همراهان خود از لار به جزیره کیش گریخت و به آل هوله پناهنده شد. در اثر این پیش آمد نادر بفکر ایجاد نیروی دریائی افتاد که هم شیخ جبار هولی را برای همدستی او با محمدخان بلوچ سرکوبی نموده جزایر کیش و بحرین را از چنگال او درآورد و هم سایر جزائر و بنادر خلیج را که از چند سال باینطرف از تحت نفوذ دولت ایران خارج و حتی مالیات مقرر خود را نپرداخته بودند باطاعت خویش درآورد.

اما چون کار عثمانیها و روسها هنوز تمام نشده بود اجرای این تصمیم را بموقع مناسب تری موکول و باصفهان مراجعت و لطیفخان را مأمور نمود که باتحیه چند کشتی به کیش رفته محمدخان بلوچ را دستگیر و به اصفهان بفرستد و لطیفخان هم فرمان نادر را بموقع اجرا گذاشت (۱۷۳۳).

سه سال بعد که نادر دشمنان ایران را بکلی سرکوب و شورای دشت مغان را تشکیل داد، در همانجا بمحمد تقی خان بیگلربیگی فارس امر اکید صادر نمود که با خرید چند کشتی از شرکت های انگلیسی و هلندی مقیم بندر عباس، سایر بنادر و جزائر خلیج فارس را از دست شیوخ غاصب عرب خلاص کند.

باین ترتیب تشکیل نیروی دریائی خلیج در واقع پس از مراجعت محمد تقی خان بفارس آغاز گردید. اما راجع بسازمان این نیرو و عملیاتی که توسط آن در خلیج انجام شده گذشته از مدارك تاریخی خودمان اطلاعات بس سودمندی در کتاب «ایران و مسئله ایران» تألیف لرد کرزن موجود و

وتازه‌ترین مدرک کتاب تاریخ نادرشاه گرد آورده «لاکهارت» نویسنده معروف انگلیسی است که در ۱۹۳۸ در لندن چاپ شده و در مورد نیروی دریائی نادرشاه در خلیج فارس و دریای خزر شرح مفصلی دارد و مخصوصاً قسمت مربوط به خلیج را از روی گزارشات و یادداشت های روزانه شعبه شرکت هند شرقی انگلیس مقیم کاهبرون (بندرعباس) و همچنین جلاتی که از طرف آن شرکت در لندن انتشار می یافته جمع آوری کرده است. از اینرو در بررسی سازمان و عملیات نیروی دریائی خلیج بیشتر از مطالب این دو سند معتبر تاریخی استفاده میکنیم.

۱- سازمان و ترکیبات نیروی دریائی خلیج در زمان نادرشاه

بطوریکه از روی این نوشته ها برمی آید ایجاد نیروی دریائی خلیج و ترقی و توسعه آن بیشتر باهتمام لطیف خان یکی از افسران برجسته نادر شاه بوده است که سمت او را باختلاف دریا بیگی یا دریا سالار ذکر کرده اند.

بزرگترین اشکالی که برای ایجاد بحریه جنوب لطیف خان بآن مصادف شده امتناع شرکت های هند شرقی انگلیس و هلند از فروش یا اجازه دادن کشتی بدو ات ایران بوده است. زیرا اولاً تمام کشتیها بخود شرکت تعلق داشته و نمایندگان آن در بندر عباس اجازه فروش آنها را نداشتند و در ثانی چون هر دو شرکت شعبانی در بصره و مسقط دایر و با عثمانیها و اعراب داد و ستد می نمودند بدینجهت مایل نبودند در عملیات احتمالی نیروی دریائی ایران برضد عثمانیها و اعراب دخالت مستقیم داشته باشند و منافع اقتصادی خود را بیهوده بخطر بیندازند.

چنانکه در سال ۱۷۳۳ هم وقتی که محمد تقی خان شیرازی بیکار بیگی

فارس شخصا به بندر عباس آمد و برای تهیه کشتی با نمایندگان این دو شرکت وارد مذاکره شد و با آنها اخطار کرد که اگر خواسته باشند از حمایت و پشتیبانی دولت ایران بهره مند بشوند باید در تهیه کشتی کمک نمایند، عاقبت نمایندگان مزبور حاضر بفروش کشتی های خود نشدند و قول دادند که از کارخانجات کشتی سازی «سورات» هندوستان برای نادرشاه کشتی بخرند.

گرچه کشتی های ساخت کارخانجات سورات از حیث دوام و مقاومت چوب آنها با آب و هوای اقیانوس هند بهتر از کشتی های ساخت اروپا بود ولی قیمت آنها خیلی گران تمام میشد.

از اینرو لطیف خان ابتدا به بعضی از دریانوردانی که شرکت های مزبور کشتی اجاره میدادند مراجعه و باصرار موفق بخريد دوناو جنگی از نوع «بريگانتين» گرديد و با چند کشتی دیگر که از اعراب خریداری نمود هسته نیروی دریائی ایران را بوجود آورد.

در پائيز همان سال دوناو چهار صد تنی هريك مسلح به ۲۰ توپ توسط نمایندگان شرکت هند شرقی از سورات برای نادرشاه خریداری و تحویل شد و قیمت این دو کشتی را بمبلغ هشت هزار تومان (در حدود ۱۸۶۰۰ لیره بیول آنروز) از بيكلرييگی فارس دریافت داشتند.

در سالهای بعد هم چند ناو دیگر از سورات تهیه شد و امام مسقط يك ناو ۶۴ توپی و سایر شیوخ عرب هم کشتی هائی به بحریه نادر شاه تقدیم کردند.

مطابق گزارش نماینده شرکت هند شرقی انگلیس از کامبرون به لندن بتاريخ ماه فوریه ۱۷۴۵ نیروی دریائی خلیج فارس در آن موقع شامل سی فروند ناو بزرگ از نوع «بريگانتين» و «غراب» و تعداد زیادی

ناو های كوچك از نوع «ترانكى» بوده است .

بعلاوه نادر شاه برای اینکه از خرید کشتی بی نیاز باشد دستور میدهد در بندر بوشهر که مرکز نیروی دریائی خلیج بوده يك کارگاه کشتی سازی دائر نمایند و در نوامبر ۱۷۴۱ به نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس و هلند مقیم بندر عباس از طرف نادر شاه دستور میرسد که هريك سه نفر درودگر کار آزموده معین و آنها را با تمام ابزار و لوازم کارشان بکارگاه کشتی سازی بوشهر اعزام و هزینه مسافرت و ارزش اسباب کارشان را از رئیس کارگاه دریافت دارند و اگر در انجام این دستور از طرف شرکتها تعللی دیده شود موجب رنجش و نارضایتی خواهد بود .

چون برای کشتی سازی در سواحل خلیج چوب پیدا نمیشد نادرشاه امر کرد که از جنگل های مازندران چوب بریده به بوشهر حمل نمایند اما بعات دوری راه و اشکال حمل و نقل چوب این کارگاه موفق بکشتی سازی نشد و فقط برای تعمیر کشتی های موجود از آن استفاده کردند .

یگانه کشتی بزرگی هم که بامر مؤکد نادرشاه ساخته شد در زمان حیات او باتمام نرسید و بدنه نیمه تمام آن مدتها در ساحل بوشهر باقی بود (۱)

از طرف دیگر بران مسلح کردن کشتی ها بامر نادرشاه يك کارخانه توپ ریزی در بندر عباس دائر و در سال ۱۷۴۱ دو توپ برنجی هم ریخته شد تا پس از آزمایش سیصد توپ دیگر از همین نوع ریخته شود و در کشتی ها بکار ببرند .

(۱) سر ویلیام اوزلی که در ماه مارس ۱۸۱۱ در بوشهر پیاده شده

بقایای بدنه این کشتی را در آنجا مشاهده و در سفرنامه خود به آن اشاره کرده است .

ناخدایان کشتی‌های بزرگ نادرشاه اغلب از دریا نوردان انگلیسی و هلندی و بعضی ایرانی و عرب بودند و ملوانان آنها از هندیها و پلوچها و بومیان خلیج و بیشتر از افراد قبیله آل‌هوله گرفته میشدند. اما اشخاصی که بسمت دریاسالار معین شدند عموماً از امور دریا داری و اداره کردن ناوها بی اطلاع بودند، بخصوص محمد تقی خان شیرازی که قبلاً شغل مستوفیگری داشت و بطوری که بعداً خواهیم دید در زمان تصدی او نیروی دریائی نادر شاه از هم باشید.

از کشتیهای خریداری از کارخانه سورات یکی که از همه بهتر بود بنام «فتح شاه» موسوم و اختصاص بدریا دار خلیج فارس داشت. پرچم دریا داری ایران نیز دارای پرده بزرگی برنگ سفید بود که در وسط آن يك شمشیر کج ایرانی برنگ سرخ نقش کرده بودند.

در بندر بوشهر هم که پایگاه اصلی نیروی دریائی خلیج بود قلعه قدیمی پرتغالیها را مرمت و ساختمانهای دیگری بآن افزوده بودند که پادگان نیروی دریائی در آنجا سکونت داشت و باین واسطه بندر بوشهر تا مدتی بنام «بندر نادری» معروف شد.

۲ - عملیات نیروی دریائی خلیج فارس در زمان نادرشاه

بطور کلی در دوره سلطنت نادرشاه با نیروی دریائی خلیج چهار اردو کشتی مهم انجام شده که اولی بفرماندهی لطیف خان در سال ۱۷۳۶ بجزائر بحرین و دومی بفرماندهی لطیف خان در سال ۱۷۳۷ به عمان و سومی بفرماندهی محمد تقی خان بیکری بنگی فارس و لطیفه خان در سال ۱۷۳۸ بعمان و مسقط و چهارمی بفرماندهی محمد تقیخان و کلبعلی خان در سال ۱۷۴۲ بمسقط و صحرار.

نخستین اردو کشی در ماه ژانویه سال ۱۷۳۶ بفرماندهی لطیفخان انجام و ناوگان خلیج با چهار هزار سپاهی مأمور پس گرفتن جزائر بحرین از شیخ جباره هولی کنگانی میشود که از سال ۱۷۱۷ براین جزائر و همچنین بر جزیره کیش و قسمتی از سواحل ایران تسلط یافته و دعوی خود سری مینمود. لطیف خان قلاع بحرین را با وارد ساختن شکست سختی بقبیله آل هولیه تصرف ولی چون شیخ جباره در آنموقع در مکه بود موفق بدستگیری او نمیشود و جزایر بحرین پس از ۱۹ سال دوباره بایالت فارس منظم و کلید قلاع بحرین برای نادرشاه ارسال و پادگان ایرانی در آنجا برقرار میشود.

اردو کشی دومی در ماه مارس ۱۷۳۷ باز بفرماندهی لطیفخان بطرف عمان انجام میگردد. گرچه نادرشاه از آغاز امر تصمیم داشت عمان و مسقط را هم تحت حمایت خود در آورد و تسلط ازدسترفته ایران را بر سرتاسر خلیج و دریای عمان اعاده دهد و مخصوصاً آشیانه دزدان دریائی را در سواحل عمان ویران سازد، اما چون در همین اوقات سیف بن سلطان ثانی امام مسقط که در ظاهر اظهار اطاعت مینمود از رقیب خود بعلمرب بن حمیر شکست خورده بود ناچار دست توسل بطرف نادر شاه دراز کرد نادر از این موقع مناسب بیشتر استفاده نمود و به بیکریگی فارس دستور داد هرچه زودتر ناوگان خلیج را بآنحدود اعزام دارد.

در اجرای این دستور ناوگان خلیج بفرماندهی لطیف خان در بندر عباس تمرکز یافته و با پنجهزار سپاهی و هزار و پانصد اسب بطرف مقصد حرکت میکند. بعد از چهار روز به بندر خورفکلن رسیده و این بندر را متصرف و بجلفار میرود و آنجا را هم باشغال خود در میآورد. در جلفار امام مسقط شخصاً به استقبال لطیفخان میآید و باتفاق او عملیات

زمینی نیروی ایران در سرتاسر عمان شروع میشود و قوای امام بلعرب را در همه جا شکست میدهند و نقاطی را که در تصرف آنها بوده اشغال و در بعضی از قلاع مهم پادگان ایرانی برقرار مینمایند. امام سیف که اول تصور میکرد لطیف خان یاری او آمده و بعد از شکست دادن برقیبوی متصرفات او را در اختیارش خواهد گذاشت، از استقرار پادگان ایرانی در قلاع مزبور رنجید ولی قدرت ابراز مخالفتی در خود ندید.

لطیفخان پس از پنج ماه مبارزه در عمان و انجام مأموریت خود به بندر عباس مراجعت نمود تا جریان امر را به بیکار بیکی فارس که او هم در اینموقع به بندر عباس آمده بود گزارش دهد.

چون محمد تقی خان نسبت بکامیابیهای لطیفخان حسادت میورزید از اینرو برای کوچک کردن او امور مربوط بدرباریکی را شخصاً بعهده گرفت و در اثر امساک وی در پرداخت جیره و مخارج ملوانان جمعی از ایشان آغاز شکایت و نافرمانی کردند و لطیفخان با وعده و وعید آنها را موقتاً ساکت نمود.

نادرشاه وقتی که از مراجعت لطیفخان از عمان اطلاع یافت نسبت به بیکاریکی فارس متغیر شد که چرا فرماندهی عملیات عمان را خود بعهده نگرفته و کار امام سیف را یکسره نکرده است.

بدینجهت در ژانویه ۱۷۳۸ سومین اردو کشی بفرماندهی محمد تقی خان با مصادره قسمتی از کشتیهای انگلیسی و هلندی و حمل شش هزار سرباز بطرف بندرگاه جلفار انجام میگردد.

ولی بعلت حسادت و رزی او بلطیف خان و اشکال تراشی در کارها بین افسران زیر دست دودستی ایجاد می شود. جمعی بطرفداری لطیفخان برخاسته و عده ای جانب محمد تقیخان را میگیرند و این قضیه باعث سستی

کار نیروی ایران میشود امام سیف این مرتبه هم برای نابود ساختن دشمنان خود در ظاهر ابراز اطاعت مینماید و نیروی ایران « عبره » و « بهلی » از مهم ترین قلاع عمان را فتح کرده و بعد بمحاصره مسقط میپردازند.

مدافعین شهر مسقط بزودی تسلیم وادی محصورین ارگ و قلعه نظامی شهر دست از مقاومت برنمیدارند. بیکلری یکی پس از چهل روز معطلی از تصرف ارگ مأیوس و در طی همین مدت بدستور اولطیف خان مسموم و تلف میشود و نیروئی دریائی نادر شاه از داشتن چنین فرمانده رشیدی محروم میگردد.

محمد تقی خان پس از این اقدام ناجوانمردانه بجلفار برمیگردد و بعزت فوت لطیف خان وعدم توفیق بکار بیکری در فتح قلعه مسقط شورش بزرگی در بین ملوانان کشتی ها ایجاد میشود. اعراب قبیله هوله دست از کار کشیده بجزیره کیش میروند و خوارج در جزیره قشم «باسعیدو» را غارت میکنند و در بحرین هم پادگان ایرانی چند روز در محاصره یاغیان محلی میافتد. اما در اثر اختلافی که بین خود شورشیان بروز میکند نیروی دریائی ایران موفق میشود دستجات عمده غارتگران را در طی چند رزم دریائی متلاشی نماید.

آخرین و چهارمین اردو کشی نیروی دریائی نادر شاه در سال ۱۷۴۲ پس از مدتی که محمد تقی خان مغضوب شاه بوده و مجدداً مورد عفو واقع و بسمت بیکلری یکی فارس تعیین شده، انجام میگردد و فرماندهی ارتش ایران در این اردو کشی به کلبعلی خان برادرزن نادر و حاکم گرمسیرات فارس محول میشود. اتفاقاً در اینموقع اعراب عمان بر ضد امام سیف طغیان و او را از امامت خلع و سلطان مرشد را برگزیده بودند و امام سیف در این نوبت هم به نادر شاه متوسل می شود و در موقع ورود قوای ایران

بجلفار باستقبال کلبعلی خان میرود و چند روز بعد محمد تقی خان هم به جلفار می آید و با امام سیف قرار دادی می بندد که دولت ایران او را دوباره بمقام امامت برقرار کند مشروط بر اینکه امام سیف همیشه خود را تحت حمایت شاه ایران بداند.

محمد تقی خان بانفاق امام سیف برای تصرف به قلاع مسقط میروند و بر این قلاع تسلط مییابند و کلبعلی خان مأمور محاصره قلعه صحار میگردد. محاصره این قلعه در اثر مقاومت شدید احمد بن سعید بوسعیدی از مخالفین امام سیف مدتی طول میانجامد و کلبعلی خان موفق نگشودن این قلعه نمیشود. نادر شاه از شیراز قوای دیگری بکمک محمد تقی خان میفرستد و پس از رسیدن قوای جدید بیکلری یکی شخصا به محاصره صحار میرود و پس از مدتی محاصره احمد بوسعیدی تاب مقاومت نیاورده بشرط تأمین جانی و عهده دار شدن حکومت صحار تسلیم میشود.

چون در این مدت یکسال از کلبعلی خان و محمد تقی خان گزارشات ضد و نقیضی بنادر شاه میرسد از اینرو بدو کلبعلی خان و بعد محمد تقی خان را از عمان احضار و محمد حسین خان افشار حاکم گرمسیرات فارس را بجای کلبعلی خان بصحار مأمور میکند.

محمد تقی خان بیکلری یکی که از فتح مسقط فوق العاده مغرور و از احضار خود از عمان ناراضی بود در بندر عباس با کلبعلی خان مذاکره میکند که با هم بر ضد نادر شاه قیام و فارس و سواحل و جزایر خلیج را ضبط و دعوی استقلال نمایند. چون کلبعلی خان حاضر باینکار نمیشود بدستور بیکلری یکی او را میکشند و محمد تقی خان بر نادر شاه عاصی میشود و دعوی سلطنت میکند ولی بزودی دستگیر و سخت بمجازات میرسد.

خلاصه در اثر خست و امساک و بدرفتاری و بی اطلاعی محمد تقی خان شیرازی بیکار بیکی فارس و ناجوانمردی و خیانت کاری او در کشتن سرکردگانی مانند لطیفخان و کلبهعلی خان، ارتش کشیهای ایران بعمان و مسقط با وجود کامیابیهای بزرگی بی نتیجه میماند و در اواخر کار نادرشاه اوضاع خلیج فارس دوباره دچار هرج و مرج و اغتشاش میگردد و نیروی دریائی او متلاشی میشود.

برای اینکه بعلاقه نادر شاه نسبت به نیروی دریائی خلیج بهتری ببریم خاطرات بعضی از سیاحان اروپائی را که بعد از مرگ او به بوشهر آمده و آثار باقیمانده بحریه نادر را بچشم دیده اند در اینجا نقل میکنیم: «نیبور» که چهارده سال پس از نادر به بوشهر آمده می نویسد: «کشتی هائی که ۱۲ پا آبگیر داشتند در موقع مد آب دریا تا نزدیکی ابنیه ساحلی بوشهر پیش میآمدند و بهمین جهت نادر شاه دستور داده بود کشتی های بزرگ را در آنجا بسازند و نیروی دریائی خلیج فارس را در بندرگاه بوشهر تمرکز بدهند. در اثر همین اقدامات رفته رفته بوشهر از حال فراموشی و گمنامی خارج و روبه آبادی گذاشت و حتی مدتی به بندر نادری معروف شد. قسمتی از بقایای بحریه نادر هنوز در سواحل بوشهر دیده میشود».

«سرها فرورد جونز» که سی و هفت سال بعد از نادر به بوشهر آمده اینطور میگوید:

«وقتی که در سال ۱۷۸۴ به بوشهر وارد شدم هنوز سه فرزند از کشتی های نادری در نزدیکی شهر باقی بود و در بین آنها یکی که از دیگران سالم تر بنظر میرسید در حدود پانصد تن ظرفیت داشت».

دوران کریم خان زند

بعد از نادرشاه موقعی که کریم خان زند زمام امور را به دست گرفت با اینکه شیراز پایتخت او نزدیک بخلیج فارس بود ولی در اثر کشمکش با مدعیان سلطنت و جنگ های داخلی فرصت پیدا نکرد که به اوضاع خلیج توجه نماید.

باید در نظر داشت که در این موقع تجارت هندوستان بیشتر در دست انگلیسها متمرکز شده بود و کار هلندی ها مخصوصاً در خلیج رو به سستی و زوال میرفت. فرانسویها هم که در اروپا سرگرم جنگ هفت ساله بودند گاه بگاه برای مزاحمت دشمنان خود سری بخلیج فارس میزدند ولی عملیات ایشان دوام و بقائی نداشت. چنانکه در سال ۱۷۵۹ بدون هیچ مقدمه ای چهار فروند از تجهیزات جنگی فرانسه ناگهان در جلوبندر عباس لنگر انداختند و تجارتخانه شرکت هند شرقی انگلیس را گلوله باران و طعمه حریق ساختند. بعلاوه اثاثیه و اموال این تجارتخانه را غارت و نگهبانان انگلیسی آن را بعنوان اسیر جنگی زندانی نمودند. ولی مدت اقامت نیروی دریائی فرانسه در این بندر بیش از پانزده روز طول نکشید و بعد از این دستبرد کشتی های فرانسه لنگر کشیده از آنجا دور شدند.

بعد از این واقعه ابتدا هلندی ها و بعد انگلیس ها تجارتخانه های خود را از بندر عباس به بصره انتقال دادند و چون انتقال مرکز تجارت شرکت های انگلیسی و هلندی از ساحل ایران بخاک عثمانی لطمه بزرگی بکار بازرگانان ایرانی وارد آورد چند سال بعد با اصرار و پشتیبانی کریم خان زند تجارتخانه انگلیسی دو باره از بصره به بوشهر منتقل شد و هلندیها هم جزیره خارک را مرکز تجارت خور قرار دادند. بعلاوه برای ابراز مساعدت بیشتری نسبت بتجار انگلیسی بنا بدستور کریمخان از طرف

شیخ بوشهر باغ و عمارت مخصوصی در اختیار تجارتخانه گذاشته شد و قطعه زمینی هم برای گورستان اروپائیان واگذار گردید (عمارت مزبور بعدها محل اقامت کنسولگری بوشهر واقع شد) .

اما پس از مدتی انگلیسها در اثر اختلافاتی که با دوات ایران پیدا کردند تجارتخانه خود را در بوشهر بستند و دوباره بصره رفتند . میرمهنای بندر ریگی هم بطوری که سابقاً دیدیم جزیره خارک را محاصره و تصرف نمود و تجارتخانه هلندی ها را ضبط کرد و از این بعد در واقع نفوذ هلندی ها در خلیج از بین رفت .

کریمخان زند پس از دفع میرمهنای که دعوی خود سری مینمود و بسایر جزایر هم دست اندازی کرده بود، در جزیره خارک پادگانی قرارداد و بعد متوجه بصره شد .

علت توجه او به بصره برای این بود که اولاً عمر پاشا والی بغداد و سایر عمال عثمانی نسبت بزوار و تجار ایرانی بد رفتاری میکردند و با اقدامات سیاسی کریمخان هم برای جلوگیری از این تجاوزات ترتیب اثر میدادند . ثانیاً چون انتقال تجارتخانه انگلیسی از بوشهر بصره بامور بازرگانی ایران زیان بزرگی وارد ساخته بود کریمخان تصمیم گرفت که با گرفتن بصره هم برونق تجارت آنجا صدمه نزند و هم انگلیس ها را وادار کند که بکلی بوشهر بر گردند .

در اجرای این تصمیم اردوی بزرگی تهیه و بفرماندهی صادق خان برادر خود بطرف بصره حرکت داد . نیروی ایران از دریا و خشکی بصره را محاصره نمودند و پس از سیزده ماه محاصره موفق به فتح آنجا

شدند و صادق خان چند ماه بعد بشیراز مراجعت نمود و باد گانی برای حفاظت بصره در آنجا گذاشت.

دو سال بعد چون از طرف اعراب آنحدود چشم زخمی پیادگان ایران وارد شده بود صادق خان دوباره مأمور بصره شد و اعراب یاغی را سرکوبی کرد و يك سال در آنجا ماند تا خبر فوت کریمخان باورسید و با نیروی تحت فرماندهی خود بصره را تخلیه و بشیراز مراجعت نمود و پس از حرکت نیروی ایران بصره دوباره بتصرف عثمانیها درآمد.

متأسفانه بعد از فوت کریمخان بازماندگان خاندان زندیه بجان هم افتادند و اوضاع فارس و سواخل آن بهرج و مرج بزرگی دچار شد و اعراب جواسم که در اینموقع قدرت زیادی پیدا کرده بودند جزایر و سواحل خلیج را دوباره معرض تاخت و تاز خود قرار دادند.

در پایان این قسمت باید متذکر باشیم که در دوره نادرشاه و کریمخان زند مرکز ثقل تجارت خلیج فارس از مشرق بمرکز و مغرب این دریا انتقال یافت و سیر ترقی تجارت ایران که ابتدا از سیراف و کیش شروع شده و بعداً بجزیره هرمز و بندر عباس منتهی گردیده بود بعلت اغتشاش و ناامنی و تاخت و تاز اعراب در بندر عباس و جزائر اطراف آن از نیمه دوم قرن هیجدهم به بوشهر و محمره و بصره متوجه شد و بندر عباس اهمیت و رونق سابق خود را از دست داد.

یکی از سیاحان اروپائی که در ۱۷۵۸ به بندر عباس آمده اوضاع این بندر را که روزی از حیث اهمیت و آبادی و جمعیت جانشین هرمز شده بود اینطور بیان میکند :

«این شهر بر خلاف سابق امروز حائز هیچگونه اهمیتی نیست و

سواى ابنیه و عمارات تجارتخانه انگلیس ها و هلندی ها که هنوز بر پا مانده اند ، ساختمان قابل دیگری در اینجا دیده نمى شود . خود شهر که سالیان دراز آباد و معمور بوده امروزه به حال مخروبه درآمده است . غارت گریها و کشمکش هاى که از مدتی باین طرف در این حدود جریان داشته باعث اغتشاش و ناامنى دائمى بندر و اطراف آن شده و منافع تجارى انگلیس ها را بکلى از بین برده است . منظره فعلی شهر با آنچه که شاردن سیاح معروف فرانسوى در موقع خود از آن توصیف مـى کند اختلاف فاحش دارد .

بخش هشتم

دزدی دریائی و برده فروشی در خلیج فارس

گرچه دزدی دریائی و برده فروشی در خلیج سوابق طولانی دارد و ما قبلاً هم باینموضوع اشاره کرده ایم اما در زمان نادرشاه این راهزنان و بشر فروشان طوری تنبیه و مجازات شدند که سواحل ایران تا مدتی از شر ایشان در امان بود. بعلاوه نادرشاه نقشه وسیعی برای نیروی دریائی خلیج در نظر گرفته بود که اگر عمر او کفاف اجرای آن را میداد شاید ریشه این فساد از صحنه خلیج بر انداخته میشد.

متأسفانه بعد از نادرشاه تمام اقدامات او نسبت به امنیت خلیج بی اثر شد و دزدان دریائی بخصوص «جواسم» دوباره باجسارت افزون تری شروع بکار نمودند و اوضاعی را در خلیج پیش آوردند که بررسی آن خالی از فایده نیست چه بعداً قرار داد هائی هم بعنوان جلوگیری از دزدی دریائی و برده فروشی بین دول ذینفع و شیوخ محلی بسته شد که در سر نوشت خلیج موثر گردید.

محل سکونت «جواسم» سردسته دزدان دریائی در ساحل عمان از رأس مسندام تاشبه جزیره قطر امتداد داشت و سر تا سر آن پوشیده از مردابهای کم عمق، جزائر کوچک و پراکنده و صخره های خطرناک و متفرق بود که کشتی رانی را در این قسمت دچار اشکال مینمود.

در طول همین ساحل پر عارضه دزدان دریائی مدتها برای خود آشیانه های دشوار رسی تهیه کرده بودند و دو مرکز عمده و مستحکم آنها عبارت از جلفار (راس النخیمه) و شارجه بود. در فاصله بین این دو شهر نیز وجود مردابهای بیشمار و نخل های پراکنده برای استتار کشتی های کوچک دزدان بسیار مناسب بود و بهمین جهت این ساحل در تاریخ خلیج فارس کسب شهرت نمود و بنام «ساحل دزدان دریائی» معروف شد و حتی امروز هم گاهی باین اسم خوانده میشود.

دسته ای از جواسم بجزیره قشم هم رخنه یافته و این جزیره و بندر لنگه را که از زمان کریمخان زند حکومت آنها بمقیله آل معین سپرده شده بود زیر نفوذ خود درآوردند. گرچه کریمخان زند جواسم را از آنحدود راند ولی بعد از او در نتیجه وصلت و اتحاد جواسم با آل معین دست آنان در این قسمت هم باز شد.

خلاصه در اوایل قرن نوزدهم کار دزدان دریائی طوری بالا گرفت که نه تنها ساکنین خلیج فارس بلکه مردم سواحل شرقی افریقا و اقیانوس هند را بوحشت انداخت. چه نیروی دریائی جواسم بالغ بر صد ها کشتی بزرگ و کوچک شده بود که با آنها میتوانستند نوزده هزار مرد مسلح را به نقاط مختلف حمل نمایند. از طرف دیگر جمعی از راهزنان معروف اروپائی هم با کشتی های توپدار خود باین جماعت پیوسته و قدرت آنها را پایه ای رسانیده بودند که حتی از ناوهای جنگی هم واهمه و هراس نداشتند.

بنا بر روایت «سرار نولدویلسن» مورخ کتاب خلیج فارس چون سر دسته های این دزدان مطلع شده بودند که از طرف حکومت بمبئی بافسران نیروی دریائی انگلیس امر اکید شده که مطلقاً در مقام مبارزه با دزدان

دریائی بر نیابند و بهیچوجه تصادمی نکنند، این موضوع بیشتر بر تجری آنان افزوده بود.

بعلاوه در اثر عملیات همین دزدان دریائی موضوع برده فروشی هم در خلیج بیشتر رواج پیدا کرد و همواره عده‌ای از جوانان و دختران سیاه پوست افریقا را از سواحل آنجا در ربوده و مانند حیوانات در کشتی‌های خود بر روی هم می‌ریختند و بطرف خلیج حمل میکردند و در آنجا بعنوان غلام یا کنیز و دده می‌فروختند. طرز رفتار دزدان و دلالهای برده فروش با شکارهایی که بدست آورده بودند ظالمانه و وحشت آور بود چنانکه عده‌ای از برده‌ها در بین راه از بدر رفتاری و گرسنگی یا امراض مختلف تلف میشدند.

خلاصه در این دوره هرج و مرج و دزد بازار رفته رفته شیوخی در خلیج فارس پیدا شدند که گاهی با پشتیبانی راهزنان و زمانی در اثر مبارزه با آنان قدرتی بهم زدند و برای بسط منطقه نفوذ خویش بطرف انگلیسها و فرانسه‌ها و عثمانیها متمایل و در پناه ایشان قرار گرفتند.

گرچه در آغاز این یادداشت‌ها بخوانندگان محترم قول دادیم که هر چه ممکن باشد از ذکر اسامی و ترازیم و وقایع غیر مهم خودداری نماییم ولی چون دونفر از این شیوخ یعنی سید سلطان و سید سعید در خلیج قدرت فوق العاده پیدا کردند و بدست ایشان معاملاتی نسبت بجزائر و بنادر ایران صورت گرفت ناچار اجمالا بذکر احوال این دونفر می‌پردازیم تا در ضمن معلوم شود که اختیار خلیج فارس در این موقع تا چه اندازه در دست دولت ایران بوده است.

در زمان آقامحمدخان قاجار سید سلطان امام مسقط که بترتیب مذکور در بالا قدرتی بهم زده بود ابتدا بنادر جاسک و چاه‌بهار و گواتر

را تصاحب کرد، سپس بسراغ بندرعباس و جزائر هرمز و قشم رفت و آنها را از دست شیخ حسین معین ضابط دولت ایران خارج نمود. ضمناً برای اینکه روابط خود را با دولت ایران حفظ کرده باشد توسط والی فارس از آقا محمدخان درخواست کرد که بنادر مذکور با و اجاره داده شود. در اثر گرفتاری آقامحمدخان به اردو کشی های داخلی این درخواست پذیرفته شد و فرمانی صادر گردید که بموجب آن بندرعباس، جزیره قشم و جزیره هرمز یعنی «کلید خلیج فارس» بمدت هفتاد و پنج سال و در مقابل پرداخت سالی ۶۰۰۰ تومان با جاره سیدسلطان و اولاد او واگذار شد. سیدسلطان با تحصیل چنین فرمانی حکمرانی خود را بر سایر بنادر و جزایر ایران بسط داد. از طرف دیگر چون کمپانی هند شرقی انگلیس خبر یافته بود که فرانسویها با سیدسلطان مرادیه پیدا کرده و قصد اتحاد با او را دارند از اینرو بوسیله نماینده شرکت در بوشهر با سیدسلطان وارد مذاکره شدند و او را از اتحاد با فرانسویها منصرف ساختند و قرار دادی با وی بستند که بموجب آن شرکت حق داشته باشد در مسقط برای خود قلعه ای بسازد و حتی در جزیره هنگام و در بندرعباس هم پادگانی مرکب از افراد انگلیسی و هندی برقرار کند.

تسلط و نفوذ سیدسلطان بر سواحل و جزائر ایران تا زمان فتحعلی شاه باقی بود چنانکه سر جان ملکم در اولین سفارت خود بدربار ایران موقع عبور از خلیج با سیدسلطان ملاقات و قرار داد سابق را تأیید و بامضای سیدسلطان رسانید و جراح انگلیسی را که همراه داشت بعنوان نماینده سیاسی آندولت در مسقط برقرار نمود و باین ترتیب اولین و بزرگترین شیوخ خلیج تحت نفوذ دولت انگلیس قرار گرفت.

از آن به بعد برخی از جزائر و بنادر ایران چند مرتبه بین سید

سلطان وجواسم وطوایف دیگر عرب دست بدست گشت از جمله جزایر بحرین بود که مورد حمله قبیله عتوبی ساکن قطر واقع شد و سید سلطان بطمع مروارید های گران بهای آنجا در صدد برآمد که این جزائر را جزو متصرفات خود بیاورد .

عجب در این است که سید سلطان هر وقت در کار خود عاجز میماند باز بدولت ایران مراجعه و تقاضای کمک میکرد . چنانکه برای حمله به بحرین از حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس استعانت جست و با کمک قوای ایران بحرین را از عتوبی ها پس گرفت .

اما وهابیها از طایفه عتوبی پشتیبانی نمودند و دوباره بحرین را از دست عامل سید سلطان خارج ساختند . سید سلطان هم چون از عهده امیر وهابی ها بر نمی آمد مجبور شد از بحرین چشم پیوشد و حتی سالیانه مبلغی بامیر بپردازد . چندی بعد سید سلطان در نزدیکی بندر لنگه مورد هجوم وجواسم واقع شد و در مبارزه با ایشان زخم مهلکی برداشت و در اثر آن زخم فوت نمود و در همان بندر مدفون گردید .

با تمام این احوال اهالی بحرین باز امیدوار بودند که دولت ایران برای نجات آنها از جور و ستم عتوبیها اقدام خواهد نمود . چنانکه شیخ علی نامی را از جانب خود با چند رشته مروارید بدربار فتحعلی شاه فرستادند و استدعای کمک کردند ولی بعراض آنها توجهی نشد .

چند سال بعد که سید سعید به امامت مسقط رسید چون آوازه فتوحات ناپلئون را در اروپا و مصر شنیده بود با حکمران فرانسوی جزیره «رئونیون» قرارداد بازرگانی و مودت بست و چون مرکز حکومت خود را درزنگبار قرارداد داده بود میخواست تحت حمایت دولت فرانسه درآید . دیری نگذشت که انگلیسها ناپلئون را وادار به تخلیه مصر نمودند و نیروی

دریائی فرانسه را شکست دادند و بدینجهت سید سعید دوباره بطرف انگلیسها برگشت و همان قراردادی را که سیدسلطان با ایشان بسته بود قبول نمود و در عوض انگلیسها باو وعده دادند در دفع جواسم اقدام موثری بنمایند.

در اینموقع جسارت جواسم بجائی رسیده بود که چندین مرتبه به جهازات تجارتی انگلیس هم حمله نموده و حتی چند کشتی از آنها گرفته بودند و با اینکه یکی دومرتبه هم از ناوگان انگلیسی شکست خورده بودند ولی دست از شرارت بر نمی داشتند. از اینرو ناوگان بزرگی بفرماندهی «سرویلیام گرانٹ» از هندوستان به خلیج فارس آمد و با کمک قوایی که سیدسعید تهیه کرده بود به راس الخیمه مرکز اصلی جواسم حمله کردند و آنجا را متصرف شدند و تمام قلاع دزدان را نابود ساختند و کشتی های آنها را آتش زدند. بطوریکه بعداً خواهیم دید با موافقت سیدسعید قرار شد انگلیسها «باسعیدو» بندرگاه جزیره قشم را مرکز نیروی دریائی



شهر باسعیدو در جزیره قشم

خود قرار دهند. با این اقدام ناوگان انگلیس امنیت خلیج فارس مدتها پا برجا ماند.

از طرف دیگر چون بندرعباس بوسیله طهماسب میرزا فرمانفرمای فارس از مدتی باینطرف تحت تسلط دولت ایران قرار گرفته بود سیدسعید تشخیص میداد که با زور نمیتواند آنجا را پس بگیرد لذا در صدد برآمد از راه تقدیم پیش کشیهائی به میرزا آقاخان صدراعظم نوری بندرعباس ومضافات آنرا از دولت ایران اجاره نماید. مطابق فرمانی که صادر شد بندر مزبور مدت بیست سال به سیدسعید و اولاد او باجاره واگذار گردید و قرار شد سالیانه مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان بدولت و چهار هزار تومان بعنوان حق العمل به صدر اعظم وفرمانفرمای فارس وحکومت بوشهر بپردازد. در نتیجه این اقدام هر موقعی که سیدسعید در مبارزه با جواسم یا عتوبیها و وهابیها در میماند و از کمک انگلیسیها مایوس میشد باز بدولت ایران مراجعه میکرد و بامستعانت قوای اعزامی ایران بر دشمنان خود فایق میشد.

اما انگلیسیها پس از سرکوبی جواسم قرار دادی با شیوخ خلیج بستند که مطابق آن راس الخیمه در تصرف آنها باقی مانده و برای امنیت قطعی این منطقه ناوگان آنها مقیم با سعید و هنگام دائماً مراقب اوضاع خلیج باشد. انگلیسیها امیر عتوبی بحرین را هم در امضای این قرارداد شرکت دادند بعلاوه مقرر گردید که در مراکز متعلق بشیوخ جاسمی و عتوبی نماینده سیاسی داشته باشند.

در صورتیکه شرکت دادن شیخ بحرین در این قرار داد مخالف نص صریح عهدنامه ای بود که در سال ۱۸۱۴ بین دولتین ایران و انگلیس انعقاد یافته بود.

سید سعید از این بیعت بکلی بانگلیسیها پیوست و چند سال بعد

قرار داد دیگری راجع بمنع برده فروشی و امور بازرگانی و گمرکی با دولت انگلیس منعقد نمود و حتی جزایر «کوریاموریا» را بدولت انگلیس پیش کش کرد و باین واسطه پس از فوت او هم حکومت بمبئی واسطه تقسیم مملکت وی میان دو پسرش واقع شد.

سلطان نوین در مسقط و سلطان مجید در زنگبار مستقلا حکومت کردند. بعد ها استقلال مسقط و زنگبار مطابق قرار داد ۱۸۶۳ فیما بین دولت فرانسه و انگلیس برسمیت شناخته شد و هر دو تحت نفوذ انگلیسها قرار گرفتند.

در مورد بحرین ذکر این نکته را لازم میدانیم که بعد ها کلنل «ویلی» بیک رشته مداخلات مستقیمی دست زد که در نتیجه آن بحرین بصورت تحت الحمایه انگلیس درآمد. دولت ایران در همان موقع توسط سفیر خود در لندن باین اقدامات کلنل ویلی اعتراض نمود و وزیر خارجه وقت انگلیس در پاسخ رسمی خود اعتراض ایران را بمورد دانسته و متعذر شد که اقدامات مامورین انگلیس فقط برای جلوگیری از دزدیهای دریائی و منع برده فروشی و حفظ انتظامات خلیج فارس است. در ضمن تصریح نمود که هر وقت از طرف شیخ بحرین حرکتی سر بزند که مستلزم اقدام از جانب دولت انگلیس باشد قبلا دولت ایران را در جریان این اقدام خواهد گذاشت.

بعد ها هم انگلیسها اظهار داشتند هر وقت دولت ایران دارای چند کشتی جنگی شد و توانست از عهده امنیت خلیج برآید رفع این اقدامات در بحرین خواهد شد.

در باب الغای برده فروشی که از سالیان دراز توسط دزدیهای دریائی

و عمل بعضی از شیوخ در خلیج رواج یافته بود مطابق قوانینی که در اوایل قرن نوزدهم در انگلستان و بعد در فرانسه وضع گردید آزادی مطلق غلامان اعلام شد و نیروی دریائی انگلیس در ضمن تفتیش کشتی‌هاییکه مظنون به حمل برده بودند به جهازاتی برخورد نمود که حامل صدها غلام و کنیز بودند و با آنان معامله خشونت آمیز و ناروایی مینمودند و تمام این گرفتاران را آزاد و مستخلص ساخت.

مطابق قراردادی که در سال ۱۸۵۱ بین دولتین ایران و انگلیس بسته شد بکشتی‌های جنگی آن دولت اجازه داده شد که جهازات تجارتی مظنون بحمل برده را با حضور مأمورین ایران تفتیش نمایند و اگر غلامانی در این جهازات باشند آنها را انگلیس‌ها با خود برده آزاد نمایند و جهازات را تحویل مأمورین ایران بکنند. چنانکه بعداً خواهیم دید این قرار داد در عهد نامه صلح پاریس که در سال ۱۸۵۷ بین دولتین منعقد گردید بمدت ۱۰ سال دیگر تمدید یافت.

بطوری که سابقاً ذکر کردیم از طرف دولت انگلیس با تمام شیوخ خلیج هم قرارداد هایی در منع برده فروشی بسته شد و بموجب آنها بحریه انگلیس نسبت بکشتی‌های طوایف مختلف عرب هم حق تفتیش پیدا کرد.

در اثر مراقبت و کوشش دائمی انگلیس‌ها برده فروشی تقریباً در منطقه خلیج بر افتاد بخصوص که بعدها این موضوع مورد توجه سایر ملل واقع و در سال ۱۸۹۰ کنفرانسی در بروکسل برای منع خرید و فروش سیاهان افریقائی تشکیل یافت و دو سال بعد دول انگلیس و فرانسه و عثمانی که در خلیج ذی نفوذ بودند تصمیم متخذه در این کنفرانس را امضاء و از همان تاریخ بمقررات آن عمل نمودند.

البته این قرار داد در وضع کشتیرانی و بازرگانی خلیج تأثیر بسزایی داشت زیرا مطابق ماده ۴۲ آن کشتی های جنگی دول امضاء کننده میتوانند هر جهازی را که ظرفیت آن کمتر از ۵۰۰ تن و مظنون بیرده فروشی باشد تفتیش و در صورت لزوم توقیف نمایند . بموجب ماده ۲۸ آن کلیه عمال دول امضاء کننده اجازه داشتند در صورت مشاهده غلامی که برخلاف میل و اراده خودش در یکی از کشتیهای بومی اسیر و گرفتار باشد بهرگونه اقدامی که برای آزادی او لازم باشد مبادرت ورزند .

بطور کلی اجرای همین مقررات بر نفوذ دول ذینفع نسبت بشیوخ خلیج فارس افزود و رفته رفته این شیوخ را بصورت تحت الحمایه آنها در آورد .

بخش هشتم

خلیج فارس در دوران قاجاریه

۱ - فعالیت سیاسی ناپلئون در ایران

و توجه او به خلیج فارس

بطوری که دیدیم کشور ایران در نیمه اول قرن هیجدهم دوره طوفانی و پر خطری را گذرانید اما در پرتو همت بلند نادرشاه افشار دیری نگذشت که دوباره از حضيض ذلت به اوج عظمت رسید. افسوس که ایام شوکت و جلال آن دوامی نیافت - خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود!

چه از اواخر قرن هیجدهم بحران شدیدی در سیاست اروپا پیدا شد که اوضاع کشور ما را هم دگرگون ساخت.

باید در نظر داشت که در این موقع سیاست اروپا بطور کلی بین همه امپراطوری بزرگ فرانسه و انگلیس و روس دور میزد و در اثر چشم داشت آنها به هندوستان و خلیج فارس دولتی ایران و عثمانی هم در صفحه شطرنج این سیاست حکم مهره ها را پیدا کردند که با انگشتان ماهر سیاستمداران غرب باینطرف و آنطرف حرکت داده میشدند و گاهی نیز به اقتضای آن سیاست باهم در میافتادند.

چنانکه هر وقت بین روس و فرانسه بر ضد انگلیس سازشی میشد دولت فرانسه ایران و عثمانی را بر علیه انگلیس بر میانگیخت و همیشه در که حاجت سیاسی او در اروپا بر آورده میشد سر نوشت این دو دولت را بدست روسها می سپرد .

در مواردی که انگلیس و روس بر ضد فرانسه بهم نزدیک میشدند ایندفعه دولت انگلیس بسراغ ایران و عثمانی میآید و آنها را بر ضد فرانسه بطرف خود جلب میکرد . اما بمحض اینکه رفع احتیاج میشد این دو دولت را در مقابل حریف پر زور یعنی روسیه رها میکرد . حتی بعد از شکست ناپلئون و خارج شدن فرانسه از صحنه این سیاست باز هم برای ایران و عثمانی مجالی پیدا نشد زیرا این مرتبه رقابت شدیدی بین روس و انگلیس در آسیای مرکزی شروع شد که ایران و عثمانی هم خواه ناخواه در معرض این رقابت واقع شدند.

چون بررسی جزئیات وقایع سیاسی این دوره خارج از موضوع بحث ماست از اینرو بذکر حوادثی اکتفا میکنیم که تأثیر این سیاست را در اوضاع عمومی ایران و خلیج فارس برای ما روشن سازد.

باید در نظر داشت که آغاز سلطنت فتحعلی شاه در ایران مقارن با ظهور بنابارت سردار نامی فرانسه در صحنه اروپا و فتوحات درخشان این سردار جوان بود .

بنابارت با تمام این کاهیمانیها با حریف نیرومندی سروکار پیدا کرد که بوسیله ایجاد چند اتحادیه نظامی همواره باعث زحمت او میشد و این حریف عبارت از دولت انگلیس بود . بنابارت وقتی که احساس کرد در اروپا از عهده حریف خویش بر نمیآید در صدد برآمد از راه تهدید هندوستان که در آن زمان مرکز قدرت و نبض سیاست و اقتصاد انگلیس بود حریف

خود را ازمیدان در ببرد .

در اجرای این نیت ابتدا با پل اول امپراطور روسیه اُذر سازهش در آمد و پس از جلب موافقت او قرار شد دولت فرانسه قوای خود را از راه دانونب بجنوب روسیه بفرستد و از آنجا باتفاق پنجاه هزار سرباز روس از دریای خزر گذشته در بندر استرآباد پیاده شوند و از ایالات شرقی ایران بطرف هرات و هندوستان تعرض نمایند .

اما بامرک ناگهانی پل اول نه تنها این نقشه بهم خورد بلکه الکساندر اول جانشین وی که از مخالفین سرسخت ناپلئون بود در اتحادیه نظامی انگلیس برضد فرانسه وارد شد . این پیش آمد باعث گردید که ناپلئون برای تهدید و محاصره روس و انگلیس از ایران و عثمانی استفاده کند . موقع هم برای اینکار مناسب بود زیرا دولت ایران در همان ایام بادولت روسیه درگیر جنگ شده بود و بعلت ناتوانی خود میخواست از دولت قوی تری استمداد کند . دولت عثمانی هم در نتیجه کینه دیرینه خود نسبت بر روسیه بدولت فرانسه دشمن پرزور روسیه بدیده احترام مینگریست و سفیر فرانسه هم در اسلامبول زمینه اتحاد دولتین را فراهم ساخته بود .

اتفاقا در همین اوقات بود که فتحعلی شاه ابتدا از دولت انگلیس برضد روسها کمک طلبید و چون بنا بقضای همان سیاستی که در بالا ذکر شد انگلیسها دولت روسیه را برضد فرانسه برانگیخته بودند و نمیخواستند با کمک بایران متحد خود را بر نجانند از اینرو شرائط سنگینی به فتحعلی شاه پیشنهاد کردند که قابل نبود از جمله واگذاری جزیره هرمز و بندر بوشهر و جزیره خارک در خلیج فارس و چند بندر و تکیه گاه دریائی در بحر خزر و غیره .

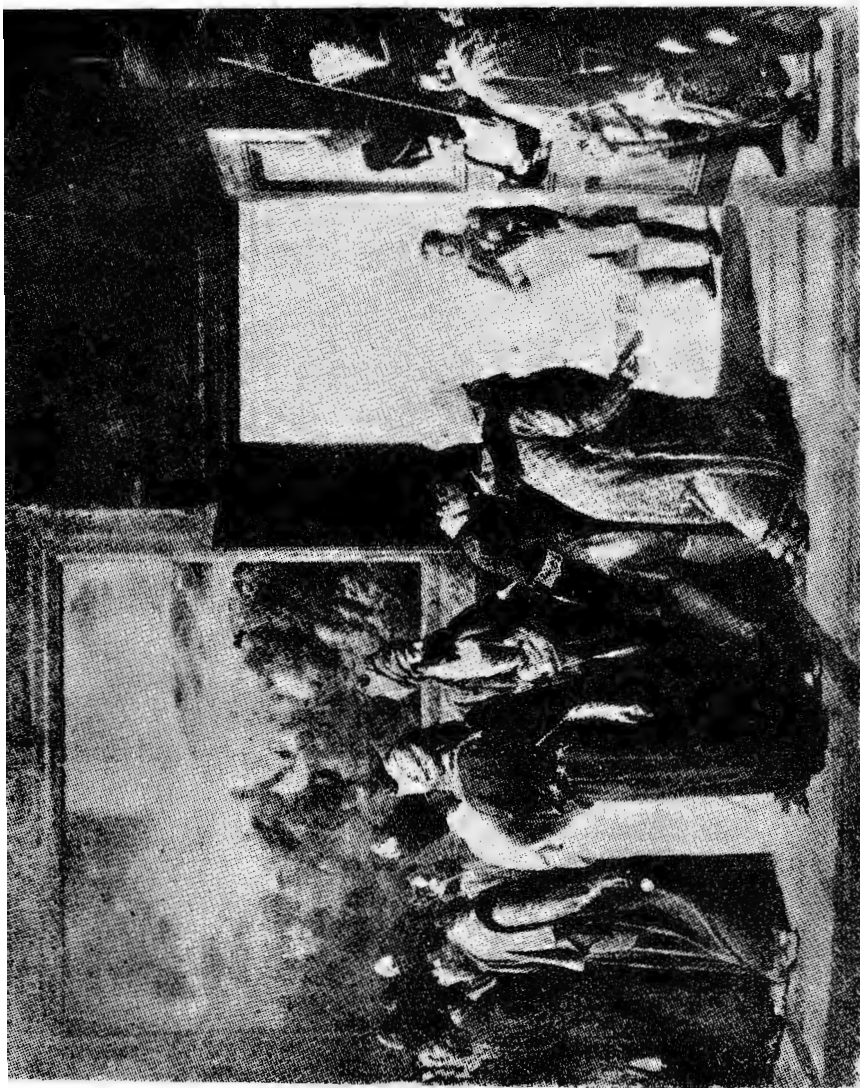
بواسطه شهرت جهانی ناپلئون فتحعلی شاه وقتی از کمک انگلیسها

مایوس شد بفکر افتاد از ناپلئون بر ضد روسیه استمداد کند و در این باب توسط خلیفه اوج کلیسای ایروان نامه‌ای برای ناپلئون ارسال داشت .
ناپلئون از وصول این نامه که مفاد آن مطابق میل قلبی او بود خیلی خوشوقت شد و جواب دوستانه‌ای دادر بر علاقه خود نسبت بسایران و وعده مساعدت به فتح علی شاه نوشت و توسط منشی مخصوص خویش بتهران فرستاد .

جواب نامه ناپلئون از طرف فتح علی شاه صادر و میرزا محمد رضای قزوینی بعنوان سفیر فوق العاده ایران معین شد که این نامه را باتفاق نماینده ناپلئون بفرانسه ببرد .

مامورین سیاسی دولت انگلیس که در بغداد و اسلامبول مراقب رفت و آمد فرانسویها بدربار ایران بودند برای خنثی کردن عملیات فرانسویها ساکت نمی نشستند . چنانکه در همان موقع سر کنسول انگلیس مقیم بغداد در نامه دوستانه‌ای که بمیرزا بزرگ فرهانی وزیر عباس میرزا نوشته راجع به فرانسویها اینطور گوشزد کرده است : «آمدورفت فرانسویها به ایران فقط برای این است که مناسبات دوستانه ایران وانگلیس را مختل سازند و گرنه دولت فرانسه چگونه و از چه راه میتواند بدولت ایران کمک برساند ؟»

«اگر از راه خشکی باشد فرانسه مجبور خواهد بود از خاک چند دولت مثل آلمان و عثمانی و روسیه عبور نماید - از راه دریا هم دولت فرانسه قادر باعزام هیچگونه ناوگانی بخلیج فارس نمی باشد ... بهمین جهت مسلم است که دولت نامبرده هرگز نمیتواند وعده خود را نسبت بایران ایفا کند و ناچار ایران را در مقابل دشمن یکه و تنها خواهد گذاشت .»
اما میرزا محمد رضای قزوینی که پس از چند ماه به «فینکن اشتاین»



میرزا محمد رضای قزوینی با هیئت اعزامی ابران موقعی که در
«فین کن اشتاین» نامه فتح‌ملیشاه را به ناپلئون تسلیم‌مینماید

مرکز ستاد جنگی ناپلئون واقع در لهستان رسیده بود. بمحض ورود بانجا نامه فتحعلی شاه را بحضور ناپلئون تقدیم داشت و در نتیجه مذاکرات فیما بین قراردادی بسته شد که معروف به پیمان «فینکن اشتاین» است (۱۸۰۷م) این قرارداد درست در موقعی بسته شد که ناپلئون مشغول جنگ با روسها یعنی عضو اتحادیه چهارم برضد فرانسه بود (پروس - انگلیس سوئد - روسیه).

از طرف ناپلئون ژنرال گاردان بعنوان سفیر فوق العاده فرانسه بریاست هیئتی از افسران رسته های مختلف مامور ایران شد که این قرارداد را به تصویب دولت ایران برساند و زمینه کمک دولت فرانسه را نسبت بایران فراهم سازد (۱).

(۱) موضوعی که در این قرارداد شایان توجه است تعهدات سنگینی است که از طرف دولت فرانسه بایران تحمیل میگردد :

قطع روابط سیاسی و بازرگانی با انگلیسها و اعلام جنگ بآن دولت

احضار وزیر مختار ایران از بمبئی و اخراج تمام نمایندگان تجارتی انگلیس از شهرها و بنادر خلیج فارس - امتناع از پذیرفتن هر گونه نماینده سیاسی انگلیس که در طی جنگ قصد آمدن به ایران را داشته باشند - احوال نفوذ ایران در بین طوایف افغانستان برای شورانیدن آنها برضد انگلیس و باز کردن راه مناسبی از خاک این طوایف برای تعرض به هندوستان - فراهم نمودن وسائل بدیواری نیروی فرانسه در صورت پیاده شدن قشون آن در بنادر خلیج فارس - تهیه آذوقه در مراکز مختلف برای تامین تدارکات قوای زمینی فرانسه که بخواهند از خاک ایران عبور نمایند و محسوب داشتن قیمت به نرخ رایج ایران - واگذاری جزیره خارك بدولت فرانسه چنانچه گرجستان از طرف دولت روس تخلیه و مسترد بشود

ژنرال گاردان پس از دریافت فرامین مخصوص ناپلئون بطرف ایران حرکت و در دسامبر سال ۱۸۰۷ با تشریفات مفصلی به تهران وارد و نامه دوستانه ناپلئون و قرارداد مذکور را به فتحعلی شاه تقدیم داشت و به اصرار او این قرارداد بسرعت به مهر صدر اعظم رسید و میرزا عسگرخان افشار ارومی بعنوان سفیر فوق العاده ایران با این قرارداد به فرانسه رهسپار شد.

در مورد مأموریت ژنرال گاردان بطوریکه از یادداشت های او بر میآید موضوع مطالعه راههای خشکی و خطوط دریائی ایران از نظر اردو کشی به هندوستان و همچنین نقشه برداری نظامی و جغرافیائی از جاده ها و بنادر خلیج فارس در درجه اول اهمیت قرار گرفته است. سپس کوشش در اتحاد ایران و عثمانی با دولت فرانسه و برضد روس و انگلیس

بقیه از صفحه ۷۳

اما در مورد تعهدات دولت فرانسه نسبت بایران نکات برجسته این قرارداد بشرح زیر است :

امپراطور فرانسه گرجستان را حقا متعلق بدولت ایران میداند و تعهد میکند تمام مساعی خود را جهت وادار نمودن روسها به تخلیه گرجستان و سایر قسمت های خاک ایران بکار برد و برای وصول باین مقصود در انعقاد قرارداد صلح فیما بین دخالت کند. بهر صورت تخلیه اراضی ایران همواره منظور سیاست و وجهه همت ناپلئون خواهد بود.

دولت فرانسه برای تعلیم و تربیت و تجهیز ارتش ایران به سبک اروپائی هیئتی از افسران رسته های مختلف را بایران اعزام و مقداری اسلحه و ادوات رزمی جدید واگذار خواهد نمود و قیمت اینها را مطابق نرخ کشور فرانسه محسوب خواهد داشت.

و همچنین تهیه ارتشی بسبك اروپائی از افراد واقسران ایرانی - بدست آوردن اطلاعات صحیحی از منابع محلی و چگونگی جاده های ایران از لحاظ تأمین تداركات وامكان عبور قوای اعزامی فرانسه از آنجا . . بطور کلی اینهانكات برجسته ماموریت هیئتی است که بریاست ژنرال گاردان بایران آمده است . بهمین واسطه در موقع حرکت هیئت از اسلامبول ستوان « تره زل » افسر مهندس جغرافیائی و آجودان مخصوص ژنرال گاردان از آنجا یکسره بطرف بغداد رهسپار شد که زود تر بسواحل خلیج فارس رسیده و مطالعات و نقشه برداریهای لازم را بنماید و نتیجه مأموریت خود را بژنرال گاردان در تهران گزارش دهد . شرح ماموریت تره زل بعدها در طی یادداشتهایی تحت عنوان «فرستاده ناپلئون به هندوستان» چاپ و منتشر شده و فرط توجه ناپلئون را بخلیج فارس و بنادر وسواحل آب بخوبی میرساند (۱)

(۱) تره زل در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۸۰۷ با همراهان خود از هیئت جدا شده و از اسلامبول بجانب بغداد حرکت و بواسطه اشکالاتی که در بین راه بآن مواجه میشود بعد از پنج ماه باصفهان میرسد و از آنجا بشیراز آمده از راه طارم به بندر عباس میرود و از اوضاع این بندر و جزایر هرمز و قشم اطلاعات جامعی تهیه و نقشه برداری لازم را انجام و از راه لار و جهرم به شیراز مراجعت و پس از چند روز از طریق کازرون به بوشهر آمده راجع بوضعیت این بندرگاه واستحکامات و منابع محلی آن و همچنین جزیره خارک بررسی و نقشه برداری مینماید. از بوشهر بطرف فیروزآباد رفته و از آنجا بشیراز معاودت و بعد از طریق ده بید و ابرقو و آباده به یزد میرود و در آنجا اطلاعات مفیدی در خصوص راههای بینهرات و قندهار و کابل و پشاور و همچنین راههایی که از هندوستان به یزد می آیند بدست آورده ضمناً از منطقه لارستان هم باز دید میکند . بطور کلی بعقیده او برای پیاده بقیه در صفحه ۷۵

پس از ورود هیئت بتهران چند افسر پیاده و سوار و توپخانه فرانسوی در قسمت های مختلف ارتش بخصوص پادگان آذربایجان مشغول تعلیم و تربیت واحد های مربوطه شدند .

اما در همان اوانی که با ورود ژنرال گاردان بتهران فتحعلی شاه بیشتر بکمک و معاضدت ناپلئون امید وار شده بود حوادث صحنه عملیات اروپا جریان دیگری بخود گرفت . بدین معنی که شش ماه قبل از ورود گاردان به ایران ناپلئون موفق شده بود در نبرد « فریدلند » قوای روسیه را درهم شکند و چون پس از این شکست الکساندر اول حاضر شده بود بمحاصره بری ناپلئون برضد دولت انگلیس ملحق گردد از اینرو مناسبات خصمانه بین او و ناپلئون به روابط دوستانه مبدل شده بود و بهمین جهت در قرار داد « تیلسمیت » که در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۸۰۷ فیما بین دولتین روس و فرانسه بسته شد ناپلئون نه تنها از استرداد گرجستان بایران با الکساندر اول صحبتی بمیان نیاورد بلکه دست تزار را تا اندازه ای در شرق باز گذاشت بامید اینکه در آتی به بیشتر از کمک روسیه برضد انگلیس استفاده نماید . باین ترتیب دیگر احتیاجی بکمک بایران برضد روسیه نبود و سرنوشت ایران و عثمانی باقتضای سیاست بایستی بدست روسیه واگذار شود .

بقیه از صفحه ۷۵

شدن قوای فرانسه در سواحل خلیج فارس مناسب ترین بنادر همانا بوشهر و کنگان و بندرعباس است که با تمام جزائر اطراف آنها باید قبلا اشغال و آماده گردد . ماموریت تره زل تا اواسط ۱۸۰۹ در حدود ایالات جنوبی و سواحل خلیج فارس ادامه یافته و گزارشات جامعی راجع بوضعیت راهها و منابع شهرها و امکان تهیه آذوقه رعلیق و عبور دادن ستونهای توپخانه و غیره با نقشه های لازم تهیه و ارسال میداود . این افسر جوان همان است که بعدها در فرانسه به درجه ژنرالی ارتقاء یافت و از امرای برجسته ارتش فرانسه بشمار آمده .

خبر عقد قرار داد «تیلسیت» فتحعلی شاه را بوحشت انداخت زیرا از يك طرف دولت روسیه پس از خاتمه جنگ با ناپلئون قسمتی از قوای خود را که از لهستان مراجعت داده بود بجبهه قفقاز فرستاد و بر فشار روسها در این جبهه افزوده شد. از طرف دیگر با وجود تقاضای مکرر دولت ایران از ژنرال گاردان برای انجام تعهدات دولت فرانسه نتیجه‌ای حاصل نشد.

بعلاوه چون دولت روسیه با فرانسه متحد شده بود دیگر ادامه مأموریت افسران فرانسوی در ارتش ایران بر ضد روسها شایسته نبود و بهمین لحاظ ژنرال گاردان با افسران مزبور اکیداً قدغن نمود که در عملیات نظامی بین قوای طرفین شرکت نکنند.

از آنطرف بواسطه نگرانی فوق‌العاده‌ای که دولت انگلیس از طول اقامت هیئت اعزامی فرانسه در ایران داشت سر جان ملکم از طرف فرمانفرمای هندوستان و «سر هر فرد جنس» از جانب وزارت خارجه انگلستان بتوالی هم بانحف و هدایای مفصلی ببوشهر رسیدند و مدتی در آنجامعطل بودند و اصرار به آمدن طهران داشتند ولی ژانرل گاردان رسماً اخطار کرده بود که آمدن نمایندگان انگلیس مخالف قرارداد است و اگر با آمدن ایشان موافقت شود او با هیئت فرانسوی از طهران خارج خواهد شد.

بالاخره فتحعلی شاه از روی ناچاری بمهماندار سفیر انگلیس دستور داد مشارالیه را بتهران بیاورد و گاردان بعنوان اعتراض باین اقدام وبدون اجازه ناپلئون از طهران حرکت نمود (مارس ۱۸۰۹)
سفیر فوق‌العاده انگلیس چند روز بعد از حرکت گاردان بتهران وارد شد و نامه پادشاه انگلیس را با هدایای گرانبهایی بفتحعلی شاه تقدیم

نمود و توسط او قرارداد فیما بین تنظیم گردید که نکات برجسته آن بشرح زیر است :

اگر دولت ایران با دولت دیگری داخل جنگ شود دولت انگلیس از نیروی هندوستان بکمک ایران بفرستد یا درطول مدت جنگ سالیانه مبلغ دویست هزار تومان کمک نقدی بایران بپردازد .

چنانچه دولت ایران معاهده ای بایکی از دول اروپائی منعقد سازد دولت انگلیس برفع دولت ایران اعمال نفوذ کند .

چند افسر انگلیسی برای تعلیمات ارتش ایران اعزام گردد .

دولت ایران سرحدات هندوستان را از جانب خراسان و بخارا و بلخ تأمین نماید .

هیچ نیروی خارجی اجازه ندهد که از خاک ایران عبور کرده به هندوستان تعرض نمایند .

البته قطع روابط با فرانسه هم شرط ضمنی این قرارداد بود . این قرارداد توسط میرزا ابوالحسن خان به لندن فرستاده شد که بتصویب دولت انگلستان برسد و میرزا ابوالحسن خان بعد از چند ماه باتفاق «سرگورا وزلی» سفیر جدید انگلیس بتهران برگشت و سفیر جدید نامه پادشاه انگلیس را بفتحعلی شاه تسلیم و اقساط عقب افتاده کمک قراردادی را پرداخت و مقداری تفنگ و توپ و مهمات ارسالی دولت خویش را تحویل نمود . افسران و درجه داران انگلیسی هم که مطابق پیمان جدید بنا بود بجای افسران فرانسوی برای تعلیمات قسمت های ارتش ایران بیایند چندی بعد به تهران وارد شدند و عده ای از آنان بآذربایجان رفتند و تحت فرماندهی عباس میرزا مشغول کار شدند .

بعد از این قرارداد هم جنگ بین روس و ایران ادامه داشت تا اینکه در ۱۸۱۲

دولت روسیه دوباره بر ضد فرانسه با انگلیس نزدیک شد و پیمان جدیدی بین آنها منعقد گردید . باین ترتیب چون دیگر بودن افسران و درجه داران انگلیسی در بین قوای ایران مخالف مصالح سیاسی بود از اینرو از طرف سفير انگلیس بآنان دستور داده شد که در عملیات نظامی ایران و روس دخالت نکنند . وبا وجود اصرار عباس میرزا افسران مزبور دست از کار کشیده بتهران مراجعت کردند .

خلاصه پس از ده سال تحمل خرابی و خسارت و فریب خوردن از این و آن جنگ اول بین روس و ایران بنا بر همان مصالح سیاسی بقرارداد گلستان خاتمه یافت و در نتیجه قسمتی از بهترین ولایات ایران از دست رفت (۱۲ اکتبر ۱۸۱۳) .

بطوری که سرجان ملکم در یادداشت های سفر دوم خود بایران

می نویسد :

« ناپلئون پیش خود نقشه کشیده بود که خرس روسیه و شیر ایران را به ارابه جنگی خویش ببندد و جلگه های پر نعمت هندوستان را در معرض تاخت و تاز قرار دهد ولی نقشه او نقش بر آب شد ! »

۲- رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و عواقب

آن نسبت به اوضاع خلیج فارس

بعد از جنگ دوم ایران و روس که منتهی به پیمان ترکمن چای (۱۰ فوریه ۱۸۲۷) گردید مطابق ماده هفتم این پیمان دولت روسیه عباس میرزا را وارث تخت و تاج ایران شناخت و استحقاق جانشینی فتحعلی شاه را فقط برای این شاهزاده و اولاد او قائل شد. یکی از نتایج مهم مندرجات این ماده پیمان این بود که دربار ولیعهد و شاه آتیه ایران در معنی تحت نفوذ روسها قرار گرفت و بر نگرانی انگلیسها افزود و بین این دو حریف برومند رقابت شدیدی را ایجاد نمود که تاثیر آن در مورد اقدام دولت ایران به محاصره هرات و تعرض ناوگان انگلیس بسواحل و بنادر خلیج فارس و بعد توجه کامل روسها و انگلیسها بمنطقه سیستان بخوبی مشهود میگردد.

برای روشن شدن جریان این وقایع باید در نظر داشت که دولت امپراطوری روسیه بنا بر سیاست دیرین خود برای پیدا کردن راه مناسبی بدریای آزاد و نزدیکی به هندوستان پس از تسلط بکرانه شمالی و باختری دریای خزر از اواسط قرن نوزدهم از سرگرمی انگلیسها در نقاط دیگر استفاده نمود و از کرانه خاوری این دریا بطرف آسیای مرکزی پیشروی کرد تا از این راه خود را به هدف مطلوب برساند. پیشروی روسها در این قسمت از سال ۱۸۴۰ شروع شد و بتدریج قیرقیز را مطیع ساخته خانات ترکستان و شهرهای عمده آنجا را مانند خوقند، سمرقند، تاشقند، بخارا، خیوه و غیره تصرف و با حملات بیرحمانه ژنرال «اسکوبلوف» طوایف ترکمن آخای تکه و مروتکه را طوری قتل و غارت شدند که باعث وحشت

وهراس سایر طوایف ترکمن گردید و بالنتیجه عشق آباد و سرخس و مرو نیز بسهولت بتصرف قوای روس درآمد (۱۸۸۰).

بیشرفت روسها در هردو ساحل جیحون و تمرکز قوای آنها در مرو که بمنزله دروازه هرات محسوب میشد انگلیس ها را باندازه ای هراسان نمود که در صدد برآمدند در همانجا بروسها ایست بدهند.

هرات یکی از شهرهای پرجمعیت و کهن سال آسیای مرکزی است که بعلت وضع استراتژیکی آن درسر راه هندوستان از دیرگاهی هدف تعرض جهانگشایان عالم بوده و از زمانی که تاریخ بما سراغ میدهد این شهر خاکریز و خندق و برج و باروی محکمی داشته و در هر دوره ای بنا بر مقتضیات آن دوره عناصر دفاعی تازه تری باستحکامات آن افزوده شده و در تاریخ غالباً بعنوان «کلید هندوستان» شهرت یافته است.

بنا بر همین دلائل است که نویسندگان مختلف ارتش کشیهای دوران قاجاریه را بهرات به تحریک و پشتیبانی روسها و تعرض نیروی دریائی انگلیس را بخارک و بوشهر و محمره و اهواز عکس العمل این سیاست میدانند بدینمعنی که انگلیسها خیال میکنند که اگر هرات در دست دولت ایران باقی بماند با نفوذ روسها در دربار ایران عاقبت بچنگ روسها خواهد افتاد و هندوستان دچار مخاطره خواهد شد. پس باید هرات از قلمرو حکومت ایران خارج شود. چنانکه یکی از سیاستمداران معروف انگلیسی تسلیم هرات را بیادشاه ایران بمنزله گذاشتن کلید هندوستان در اختیار امپراطور روس میدانست.

باین مقدمه پس از معاهده ترکمن چای که عباس میرزا از آذربایجان مراجعت و مامور خراسان میشود بعنوان مطالبه مالیات معوقه هرات در صدد تصرف قطعی آنجا بر می آید و از فتحعلی شاه درخواست میکند

افواج آذربایجان و مازندران و استر آباد را برای اردو کشی بهرات بدانصوب اعزام دارند. فتحعلی شاه با این درخواست موافقت نمی کند و عباس میرزا را بهران احضار و دستور میدهد و لیه دثانی یعنی محمد میرزا را با قوای محلی به هرات بفرستند که مالیات آنجا را وصول نمایند.

عباس میرزا بهران می آید و با وجود اصرار فتحعلی شاه در نگاهداشتن او در مرکز بالاخره بخراسان مراجعت و ازین راه به محمد میرزا دستور میدهد که فوراً بطرف هرات حرکت کند تا خود او با قوای کافی از دنبال برسد. محمد میرزا در نزدیکی هرات با قوای شاهزاده کامران درگیر رزم میشود و او را شکست میدهد و قلعه غوریان را متصرف و بمحاصره هرات می پردازد. اما بعلت فوت نا بهنگام عباس میرزا در مشهد مجبور میشود بعجله بخراسان برگردد و کار هرات را نا تمام بگذارد (۱۸۳۲).

چند سال بعد از این واقعه فتحعلی شاه فوت میکند و مطابق مقررات ماده هفتم پیمان ترکمن چای محمد میرزا پسر عباس میرزا جانشین او میشود و در اثر همان سیاست رقابت آمیز روس و انگلیس بعنوان اینکه شاهزاده کامران در صدد تصرف سیستان و قیام بر علیه دولت ایران است محمد شاه در سال سوم سلطنت خود بخراسان میرود و پس از جمع آوری قوا برای محاصره و تصرف هرات عزیمت مینماید.

نظر باستحکام قلعه هرات این محاصره نه ماه بطول می انجامد و در طی این مدت ابتدا سفیر انگلیس و بعد سفیر روس از تهران باردوگاه هرات می آیند و اولی شاه را بترك محاصره و دومی بادامه محاصره تشویق می کنند. سفیر انگلیس چون از اقدامات خود برای انصراف شاه نتیجه نمی گیرد بهران مراجعت و ازین راه به شاه پیغام میفرستد که اگر در محاصره

هرات بیش از این پافشاری کند دولت انگلستان عملیات خصمانه‌ای دست خواهد زد و ناوگان انگلیس سواحل خلیج فارس را اشغال خواهد نمود .
دیری نمی‌گذرد که به محمد شاه خبر میرسد ناوگان انگلیس جزیره خارك را اشغال و در جلو بوشهر لنگر انداخته‌اند . محمد شاه ناگزیر از محاصره هرات دست برداشته بهران مراجعت می‌کند اما قلاع غوریان و فراه در تصرف نیروی ایران میماند (سپتامبر ۱۸۳۸) .

در سالهای بعد انگلیسها در اثر نگرانی از روسها تصمیم میگیرند که افغانستان را باقوای نظامی خود اشغال کنند و در دو نوبت عملیات نظامی دامنه داری در افغانستان مبادرت می‌ورزند ولی موفق باشغال آنجا نمیشوند (۱۸۳۹-۱۸۴۲) و برای اینکه نسبت بهرات اطمینان بیشتری پیدا کنند توسط وزیر مختار خودشان در طهران با میرزا آقاخان نوری صدراعظم ایران پیمان جدیدی راجع بهرات میبندند .

مطابق این پیمان اگر ارتش بیگانه‌ای از قندهار و کابل یا سایر ممالك مجاور بخاك هرات تجاوز نماید دولت ایران حق داشته باشد برای دفاع هرات ارتش کشی کند ولی باید بلافاصله پس از دفع دشمن متجاوز ارتش خود را از هرات مراجعت دهد . مشروط بر اینکه اولیای دولت انگلیس هم در امور داخلی و خارجی هرات مداخله‌ای نداشته و نمایندگان با آنجا نفرستند والا این پیمان از درجه اعتبار ساقط خواهد بود (۱۸۵۲) .

دو سال از این مقدمه می‌گذرد که ناگاه مستر موری وزیر مختار انگلیس در طهران بنای بدرفتاری و بهانه‌جویی را گذاشته و در ماه دسامبر ۱۸۵۵ پرچم انگلیس را از سر درب سفارتخانه پایین کشیده و از راه تعرض عازم لندن میشود و باین ترتیب روابط سیاسی بین دو این بطور موقت قطع میگردد .

در این موقع چون فرخ خان امین‌الملک کاشانی از طرف دولت ایران بعنوان سفارت‌عازم پاریس بود مطابق دستور صدر اعظم قرار می‌شود که سوء سلوک وزیر مختار انگلیس را بر دربار های اروپا و مخصوصاً در بار لندن مکشوف ساخته و دوباره موجبات بر قراری روابط سیاسی بین دولتین رافراهم آورد.

سه سال بعد از این وقایع بدولت ایران خبر می‌رسد که امیر دوست محمدخان پسرهای خود را بفرماندهی عده‌ای سوار برای تاخت و تاز در نواحی سیستان و بلوچستان حرکت داده و شخصاً بقصد تصرف هرات آمده است. شاهزاده محمد یوسف هم که در این موقع از جانب دولت ایران عهده‌دار حکومت هرات بود بابزرگان و تجار هرات ازدولت ایران برای دفع امیر دوست محمدخان کمک می‌طلبید.

دولت ایران بنا برمدلول پیمان اخیر خودبا دولت انگلیس، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه را باستانداری خراسان تعیین و باو تأکید می‌کند که هرات را از هر گونه تجاوز امیر دوست محمدخان حفظ نماید. حسام‌السلطنه پس از جمع آوری قوا در خراسان به هرات می‌رود و مدت دو سال این شهر مستحکم را بمحاصره در می‌آورد و عاقبت متصرف می‌گردد (اکتبر ۱۸۵۶).

با فتح هرات تسلط و نفوذ ایران در بین طوائف حدود شرق دوباره برقرار و سرکردگان نامی آن منطقه برای اظهار اطاعت نزد حسام‌السلطنه می‌آیند.

دولت انگلیس که از آغاز محاصره هرات نگران اینکار بود و برای پیش بینی وقایع احتمالی ناوگانی بفرماندهی « ژنرال استالکر » در دریای عمان حاضر نگاهداشته بود بوصول خبر فتح هرات ناوگان خود

را بخلیج فارس وارد و جزیره خارك را اشغال مینماید (۴ دسامبر ۱۸۵۶) در همین وقت کنسول انگلیس مقیم بوشهر شرحی بمیرزا حسینعلی خان دریایی می نویسد و ببهانه اینکه به لندن احضار شده است پرچم انگلیس را از سر درب کنسولخانه پائین آورده و از بوشهر حرکت میکند. بعد از حرکت او ناگهان نیروی دریایی انگلیس در جلو بوشهر نمایان شده و از طرف فرمانده نیرو بدریاییکی اخطار میشود که اگر شهر را بفوریت تسلیم نکند چهارات جنگی آنجا را بمباران خواهند نمود.

دریاییکی قضیه را بمؤیدالدوله والی فارس گزارش و کسب تکلیف مینماید ولی فرمانده نیروی انگلیس منتظر جواب او نشده در بندر حلیله مشغول پیاده کردن قوا میشود. دریاییکی ناچار از باقر خان تنگستانی تقاضا میکند تا رسیدن قوای کمکی مانع از پیشروی انگلیسها بشود. باقر خان شبانه بطرف بهمنی حرکت و جمعی از تفنگچیان خود را در نخلستان حلیله بکمین گذاشته و خود قلعه بهمنی را بحال دفاع در میآورد. با اینکه باقر خان و تفنگچیان او با کمال رشادت در مقابل مهاجمین مقاومت میکنند و تلفات زیادی بافرادهندی وارد میآورند ولی در اثر آتش توپخانه آنها مجبور بتخلیه قلعه و عقب نشینی میگردند. روز بعد انگلیسها از دریاهو خشکی شهر بوشهر را زیر آتش توپخانه گرفته و اشغال میکنند و بلافاصله در تمام بوشهر و حومه آن از طرف فرمانده نیروی انگلیس اعلام حکومت نظامی میشود (۱۱ دسامبر ۱۸۵۶).

والی فارس پس از وصول خبر اشغال بوشهر بفکر علاج می افتد و بعجله شجاع الملك را با عده ای سرباز و توپ بطرف برازجان حرکت میدهد و به محمد قلیخان ایل خانی قشقائی نیز امر میدهد باسوارهای خودش سریعاً بطرف برازجان حرکت و به شجاع الملك ملحق گردد. در اینموقع ژنرال «اوترام» ببوشهر وارد و عهده دار فرماندهی نیروی

انگلیس میشود و چون خبر پیدا میکند که در برازجان مشغول تجمع قوا هستند تصمیم میگیرد با اجرای يك حمله ناگهانی به اردوگاه برازجان تا مدتی پادگان بوشهر را از چشم زخم قوای ایران محفوظ دارد تا اینکه ناوگان دیگر انگلیس از هندوستان برسد.

در اجرای این تصمیم باستوفی مرکب از پیاده و سوار و توپخانه انگلیسی و هندی با راه پیمائی معجل بطرف برازجان حرکت میکند.

شجاع الملك فرمانده قوای برازجان که از همه جا بیخبر بوده پس از حرکت ستون انگلیسها از بوشهر بوسیله باقر خان تنگستانی اطلاع پیدا میکند که سیزده هزار قشون انگلیسی و هندی با دوست توپ بقصد حمله ببرازجان آمده اند و چون تشخیص میدهد که قدرت مقاومت با این عده دشمن را ندارد بفکر میافتد در بین راه برازجان ببوشهر در هر کجا که مقتضی باشد با انگلیسها شییخون بزند و از ایلخانی قشقایی نیز در این باب کمک میطلبد ولی بواسطه تاریکی شب و شدت باران راه را گم کرده بطرف دالکی میرود و ژنرال اوتراهم بدون برخورد بقوای ایران سحرگاهان به اردوگاه برازجان که خالی از عده نظامی بوده میرسد و پس از تصرف آذوقه و تدارکات اردوگاه و آتش زدن انبار مهمات آنجا ببوشهر مراجعت میکند و در بین راه در محلی موسوم به «خوشاب» با نیروی ایران تلاقی نموده و بعد از چند ساعت رزم خونین که از هر دو طرف عده ای کشته و زخمی میشوند. شجاع الملك عاقبت در اثر شدت آتش توپخانه مجبور بعقب نشینی میگردد و ژنرال اوتراهم هم بدون معطلی ببوشهر مراجعت میکند. ژنرال اوتراهم پس از این کامیابی با خیالی فارغ در بوشهر منتظر رسیدن نیروی کمکی از هندوستان میشود و به محض ورود آن با قوای مرکب از چهار هزار پیاده انگلیسی و هندی چهارصد سوار و دو گروهان

مهندس و دو آشبار توپخانه سوار و صحرائی باهشت رزم‌ناو و تعدادی کشتی باربری بفرماندهی ژنرال «هاولک» بطرف محمره حرکت می‌دهد و خود او نیز پس از برقراری پادگان بوشهر و صدور دستور لازم برای حفاظت آنجا به دنبال این ناوگان حرکت می‌کند.

ناوگان انگلیس روز ۲۴ مارس ۱۸۵۷ بشط العرب وارد و پس از اکتشافاتی مقاوم می‌شود که قوای ایران بفرماندهی خانلر میرزا احتشام‌الدوله والی خوزستان در اطراف شط سنگرهائی تهیه و توپهای خود را طوری استقرار داده‌اند که آتش آنها سرکوب بشط است. از اینرو انگلیس‌ها شبانه جزیره الخضیر را بمباران و تصرف می‌کنند و همان شب موضع مناسبی برای توپخانه سنگین خود تهیه نموده روز بعد در سپیده دم سنگرهای نیروی ایران را زیر آتش شدید توپخانه قرار می‌دهند. گلوله‌های هشت اینچی سنگرهای مقدم ایرانیان را متلاشی و توپهای ناوگان قسمتهای عقب مواضع ایرانیان را بمباران می‌کنند. برسیدن شب خانلر میرزا از ترس بطرف اهواز عقب‌نشینی می‌کند. فردای آنروز انگلیسها بدون برخورد بمقاومتی محمره را تصرف می‌نمایند. ژنرال اوترام برای اینکه بقوای ایران فرصت خودآرایی ندهد در نیمه شب اول آوریل با سه ناوچه توپدار و سه کشتی حامل دو گروهان پیاده بطرف اهواز حرکت و صبح زود چادرهای نیروی ایران را در تپه‌های ساحل مشاهده و بلادرنگ شروع به بمباران آنها می‌کند.

خانلر میرزا دستور می‌دهد فورا چادرها را بخوابانند و بطرف بند قیر عقب‌نشینی کنند. باین ترتیب اهواز هم بتصرف نیروی انگلیس درمی‌آید. ژنرال اوترام چون اطلاع پیدا می‌کند قوای تازه‌ای بفرماندهی میرزا محمد خان کشیکچی باشی قاجار به برازجان رسیده و در آنجا از خوانین دشتی و

تنگستانی عده‌ای تفنگچی و سوار گرفته و قصد حمله به بوشهر را دارند
 باین واسطه تصمیم میگیرد پادگانی در اهراز گذاشته برای دفع کشیکچی
 باشی بوشهر بر گردد. اما در همین موقع از سر کنسول انگلیس مقیم بغداد
 بژنرال اوترام خبر میرسد که در تاریخ سوم مارس ۱۸۵۷ یعنی ۲۱ روز
 قبل از حمله نیروی انگلیس به محمره فرخ خان امین‌الملک در پاریس پیمانی
 با دولت انگلیس بسته است که مطابق آن نیروی انگلیس باید جنک را
 در خلیج متار که و نیروی ایران هرات را تخلیه کند. بعلاوه چون در
 هندوستان شورش بزرگی برپاشده و سپاه بنگال انگلیس در مخاطره است
 ژنرال اوترام باید فوراً با نیروی تحت فرماندهی خود به هندوستان
 مراجعت کند.

پیمان پاریس

(۳ مارس ۱۸۵۷ - ۷ رجب ۱۲۷۲ قمری)

اما موضوع این پیمان این است که فرخ خان بنابر ماموریتی که
 برای مذاکره با دولت انگلیس بر عهده داشت و سابقاً بآن اشاره کردیم پس
 از ورود باسلامبول در این باب با سفیر انگلیس مقیم آنجا وارد مذاکره
 میشود که در برقراری روابط سیاسی بین دولتمین اقدام نماید. سفیر انگلیس
 باو جواب میدهد در این باب شرحی از طرف وزارت خارجه انگلیس به
 صدراعظم ایران نوشته شده که مطابق آن برقراری روابط سیاسی منوط
 بمراجعت نیروی ایران از هرات و رضاجویی دولت ایران ازمسترموری
 وزیر مختار انگلیس مامور ایران است.

فرخ خان از اسلامبول بیاریس میآید و در آنجا بالرده کولی سفیر
 انگلیس مذاکره مینماید.



انگلیسها فرخ خان را بلندن دعوت میکنند که در آنجا پیمان جدیدی فیما بین بسته شود. فرخ خان در رفتن بلندن مسامحه میکند و انگلیسها در همان شهر پاریس پیمانی با فرخ خان منعقد میسازند و بلافاصله پس از بسته شدن این پیمان به ژنرال اوترام دستور میدهند ناوگان خود را از خلیج فارس به هندوستان مراجعت دهد.

این پیمان شامل ده ماده و مطالب برجسته آن بدین قرار است:
دولت انگلیس ناوگان خود را از بنادر و آبهای ساحلی خلیج فارس احضار کند.

دولت ایران تعهد کند در مدت سه ماه پس از مبادله این قرار داد قوای خود را بلادرنك از خاك هرات و سایر نقاط افغانستان احضار و از این بیعد هیچگونه دخالتی در امور آنجا نکند. و در صورت بروز مناقشاتی فیما بین اصلاح آنها به اهتمامات دوستانه دولت انگلیس واگذار نماید. چنانچه از هرات یا سایر نقاط افغانستان تجاوزاتی بمرزهای ایران بشود و در این باب ترصیه خاطر ایران بعمل نیاید دولت ایران حق داشته باشد برای دفع این تجاوزات بجنك متوسل شود اما هر قسمتی از نیروی ایران که برای سرکوبی متجاوزین از مرز عبور کند باید پس از انجام ماموریت خود بلادرنك بخاك ایران برگردد.

بلافاصله پس از مبادله این قرارداد وزیر مختار انگلیس به تهران مراجعت و از طرف دولت ایران مورد پذیرائی واقع شود.

قرارداد سال ۱۸۵۱ بین دولتین راجع بمنبع برده فروشی در بنادر و سواحل ایران در خلیج فارس ده سال دیگر امتداد یابد.

آمدن لرد کرزن به خلیج فارس

متأسفانه بایسته شدن این پیمان و تخلیه و واگذاری هرات هم عملیات رقابت آمیز دولتین روس و انگلیس در ایران خاتمه نپذیرفت چه از یک طرف در اثر پیشرفت روسها در شمال شرق و بعد ساختن راه آهن ماوراء خزر تفوق تجارتي و نفوذ اقتصادی و سیاسی روسها در خراسان روز بروز بیشتر محسوس شد از طرف دیگر در اثر همین نفوذ اقتصادی که رفته رفته تاحدود سیستان بسط مییافت بیم آن بود که روسها از راه سیستان و مکران بتوانند خود را بسهولت بخلیج فارس برسانند.

چنانکه روسها بعداً با کمال عجله برای گرفتن امتیاز راه آهن دولت ایران فشار آوردند و مخصوصاً اصرار ورزیدند که یک مخرج دریائی در بندر چاه بهار در ضمن همین امتیاز بآنها واگذار شود.

بطور کلی در میدان رقابت روس و انگلیس ایندفعه سیستان مورد توجه و اهمیت واقع شد زیرا برای اداره کنندگان امور هندوستان این واهمه پیدا شده بود که روسها بزودی از همین راه خود را بخلیج فارس رسانیده و بدریای هند دست خواهند یافت. بخصوص که انگلیسها با اهمیت استراتژیکی سیستان کاملاً واقف و از دیر زمانی مامورین مختلف آنها برای مطالعه اوضاع آن ایالت با آنجا رفت و آمد داشتند و در اثر گزارش اینها بخوبی متوجه بودند که اگر روزی روسها بخراسان دست یابند یا با موافقت دولت ایران از آنجا قوایی بطرف جنوب حرکت دهند مناسب ترین راه و بهترین پناهگاه برای عبور قشون همان راه سیستان است. خلاصه بعقیده سیاست مداران انگلیسی «روسها در سیستان یعنی روسها در سبزواری و فراه که درست در سر راه هرات به قندهار قرار گرفته اند» بعلاوه همینکه روسها در سیستان برقرار شدند راه آنها بسواحل و بنادر

خلیج فارس بخودی خود بازخواهد بود . تاخیر و اگذاری امتیاز راه آهن ایران بمدت پنج سال و بعدده سال در اثر همین سیاست و دعاوی افغانستان نسبت بقسمتی از خاک سیستان ناشی از همین رقابت و ده که دولت انگلیس باستناد مندرجات پیمان پاریس برای رفع اختلاف فیما بین عنوان حکمیت بخود گرفت و هیئت ژنرال کلد اسمیت از سال ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۲ مشغول اینکار شد و خط سرحدی جدیدی که توسط این هیئت معین گردید بزبان ایران تمام شد .

لرد کرزن از پیشرفت احتمالی روسها در خراسان و سیستان نسبت باوضاع هندوستان و خلیج فارس بیش از همه نگرانی داشت چنانکه در کتاب خود باسم «روس هادر آسیای مرکزی» صریحا مینویسد :

«تصور نمی کنم هیچیک ازوزراء انگلستان اجازه بدهند که روسها در خلیج فارس یادر بای هند دارای بندری بشوند» و در کتاب موسوم به «ایران ومسئله ایران» در سال ۱۸۹۲ اینطور تاکید میکند :

«احداث بندرگاه روس در خلیج فارس اگر صورت عمل بخود بگیرد آرامش وانتظامی را که با آنهمه مخارج و فعالیت در صحنه خلیج برقرار گردیده مختل خواهد ساخت وتجارت با رونق آنجا را که میلیونها لیره ارزش دارد از بین خواهد برد وطوایف وعشایر مختلف آن نواحی را دوباره بجان یکدیگر خواهد انداخت . خوب است دولتین روس و انگلیس مناقشات خود را در جای دیگر حل وفصل نمایند واین عرصه آرام و بی سر و صدای تجارت را که بزحمت وخون دل بحال آرامش و سکونت در آمده مبدل بمیدان کارزار نمایند»

در سالهای بعد رفت و آمد کشتی جنگی روس و مامورین آن دولت بخلیج فارس و ایجاد کنسولگری هائی در بوشهر وبصره و بغداد و

همچنین بسط نفوذ دولت آلمان در دربار عثمانی و گرفتن امتیاز خط آهن آناتولی به بغداد و قصد امتداد آن تا کویت و همچنین تقاضای امتیاز راه آهن طرابلس - شام - کویت از طرف یکی از شرکتهای روسیه از بابعالی بر نگرانی خاطر لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان افزود تا اینکه در ۱۶ ماه نوامبر ۱۹۰۳ کرزن موافقت کابینه انگلستان را برای مافرت خود بخلیج فارس جلب و با ناوگان بزرگی بخلیج آمد.

از جانب دولت ایران به علاء الدوله والی فارس دستور داده شد که در بوشهر از فرمانفرمای هندوستان پذیرائی نماید. علاء الدوله برای اجرای این دستور به بوشهر رفت و وسائل پذیرائی را آماده ساخت و حتی هنگام ورود کشتی حامل کرزن برای استقبال او شخصاً به کنار ساحل آمد ولی در اثر اختلاف نظری که بین او و کرزن رخ نمود فرمانفرمای هندوستان از پیاده شدن در بوشهر منصرف گردید. علت این اختلاف نظر این بود که کرزن انتظار داشت علاء الدوله ابتدا بکشتی رفته و از کرزن دیدن کند و بعد کرزن برای بازدید او از کشتی بساحل بیاید.

اما والی فارس چون محل ملاقات را در خاک ایران و بوشهر میدانست از رفتن بکشتی امتناع ورزید و کرزن هم از آنجا حرکت نمود بدون اینکه ملاقاتی فیما بین حاصل شده باشد.

سر آتور هاردینگ وزیر مختار انگلیس مقیم تهران که برای ملاقات کرزن ببوشهر آمده بود نزد وی رفت و باتفاق او تمام سواحل خلیج را بازدید کرد و لرد کرزن در جلو بندر شارجه تمام شیوخ خلیج فارس را در کشتی پذیرفت و با یکایک آنان از نزدیک آشنائی یافت.

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

رقابت روس و انگلیس در دوران سلطنت ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه بصورت دیگری هم جلوه میکند که عبارت ازدادن امتیازات و مسافرت های پی در پی سلاطین قاجار باروباست .

چه از يك طرف شرکت ها را اتباع این دو دولت بهم چشمی یکدیگر در گرفتن امتیازات خانه بر اندازی بر همدیگر پیشدستی و سبقت میجویند و از طرف دیگر برای هزینه مسافرت این دو پادشاه وامهای کمر شکنی از دولتین روس و انگلیس گرفته میشود و برای تضمین پرداخت آنها عوائد کمرکات بنادر شمال و جنوب به وثیقه واگذار میگردد .

از جمله این امتیازات که در اوضاع خلیج فارس تاثیر قطعی داشت امتیاز استخراج معادن نفت جنوب بود که در سال ۱۹۰۱ به ویلیام نکس داری نیوزلندی بمدت شصت سال واگذار شد . ذکر جرئیات این امتیاز نامه ها و وامها خود بحث جدا گانه ای است که در این جا فرصت بررسی آنرا نداریم .

خلاصه در اثر همین حاتم بخششها اوضاع ایران روز بروز رو بخامت میرفت و دولتین روس و انگلیس هم بواسطه مقتضیات سیاست اروپائی لازم میدیدند که از ادامه عملیات رقابت آمیز خود در آسیای مرکزی موقتا دست بردارند و بر روی همین نظر و مخصوصا با استفاده از اوضاع خراب ایران در ۳۰ اوت ۱۹۰۷ قراردادی باهم بستند که بموجب آن هر کدام يك منطقه نفوذی برای خود قائل شدند . بطوری که در روی نقشه دیده میشود با قائل شدن منطقه بیطرفی بین مناطق نفوذ مزبور خیال

انگلیسها از ادامه پیشروی روسها در سمت هرات و سیستان و دست یافتن به خلیج فارس و نزدیکی به هندوستان تا اندازهای راحت شد.

دولت روس هم نفوذ خود را در نواحی شمال شرق ایران تدریجاً توسعه داد. در ضمن این قرارداد دولتین روس و انگلیس چه در مناطق نفوذ خود و چه در منطقه بی طرف تعهداتی را قبول کردند که از جمله محترم شمردن استقلال ایران بود.

این بود شمه ای از نتایج رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی که متأسفانه دنباله آن تاجنك جهانی اول ادامه یافت و بطوری که بعداً خواهیم دید عواقب وخیم تری را برای کشور ما ایجاد نمود.

در خاتمه این بخش یاد آور میشویم که ناصرالدین شاه از سال ۱۸۷۰ بفکر خریدن کشتیهایی برای مراقبت سواحل خلیج فارس افتاد و بامذاکراتی که بایکی از شرکت های کشتی سازی آلمانی بعمل آمد قرار شد دو کشتی برای ایران بسازند. یکی از این کشتیها بنام «پرس پلیس» در سال ۱۸۸۵ وارد بوشهر شد. این کشتی بظرفیت ۶۵۰ تن و دارای ۴۵۰ قوه اسب و مسلح به چهار توپ کروی بود و دیگری بنام «شوش» بود که چندی بعد به خلیج رسید و برای حمل و نقل و مسافری در روی رود کارون به محرمه فرستاده شد.

در دوره مظفرالدین شاه نیز برای جلوگیری از قاچاق و سرکشی به گمرکات بنادر جنوب چند کشتی کوچک خریداری شد که از جمله کشتی «مظفری» بود ولی این کشتیها پس از مدتی رو بخرابی گذاشتند

وازمین رفتند (۱)

اما موضوع کشتی رانی کارون سفلی که از مدتی مورد توجه شرکت های خارجی بود بالاخره در ۱۸۸۸ به کمپانی انگلیسی «لینچ» واگذار شد و این شرکت مدتها بر روی این رودخانه سرویس حمل و نقل منظمی دایر نمود و در اثر توسعه بازرگانی و حمل و نقل دریائی در منطقه خوزستان، انگلیسها يك كنسول كری و دفتر پستی در محمره برقرار نمودند.

(۱) یگانه یادگاری که از کشتی پرس پلیس باقیمانده دگل بالا بلندی است که در موقع تأسیس نیروی دریائی جنوب از لحاظ حفظ سوابق تاریخی از بوشهر روی دوش به خرم شهر حمل و در محوطه نیروی دریائی نصب و امروز در کنار شط العرب پرچم ایران بر فراز آن در اهتزاز است.

بخش هشتم

خلیج فارس در جنگ جهانی اول

۱۹۱۴-۱۹۱۸

بعد از قرار داد ۱۹۰۷ بطوری که پیش بینی میشد سازش موقتی دولتین روس و انگلیس پایدار نماند و تعهدات آنها در مورد احترام استقلال ایران پا در هوا شد زیرا هر دو طرف دائماً مراقب جریان امور داخلی ایران بودند و بهر گونه اقدامی که مخالف مصالح سیاسی خود تشخیص میدادند اعتراض میکردند. چنانکه در سال ۱۹۱۱ دولت تزاری روسیه نسبت باخراج مستر شوشتر امریکائی که مجلس شورای ملی برای اصلاح امور مالی ایران استخدام نموده بود اولتیماتوم داد و در ضمن متذکر شد که در آتیه دولت ایران برای استخدام مستشاران خارجی باید قبلاً رضایت دولتین روس و انگلیس را جلب نماید. چون مجلس شورای زیر بار این اولتیماتوم نرفت و حاضر بقبول آن نشد و دولت ناچار مجلس را تعطیل نمود از اینرو جواب اولتیماتوم مدتی بتأخیر افتاد و قوای روس به بهانه نرسیدن جواب بآذربایجان و خراسان تجاوز کردند. باینکه دولت مواد اولتیماتوم را پذیرفت و چندی بعد مستر شوشتر را هم از ایران خارج کرد با این وصف روسها در تبریز جمعی از آزادی طلبان را بدار زدند و در مشهد ژنرال روکوفر مانده نیروی روس گنبد و بارگاه حضرت

رضا علیه السلام و مسجد جامع را بتوپ بست - (دهم ربیع الثانی ۱۳۴۰ هجری قمری - (۱)

مقارن همین اوقات انگلیسها در جنوب و مرکز ایران شروع بعمل نفوذ کردند و ناوگان انگلیس وارد خلیج فارس شد و سواحل و بنادر آنرا تحت نظر و مراقبت قرار داد. و ایران دو باره میدان رقابت سیاسی این دو دولت واقع شد. از طرف دیگر پادگان عثمانی در حدود شمال غرب بنواحی قطور و رضائیه و اشنو تخطی نمود.

در این بین آلمانها هم که از اواخر قرن نوزدهم بطرف آسیا متوجه شده بودند با گرفتن امتیاز راه آهن آناتولی - بغداد و پیدا کردن نفوذ کاملی در دربار عثمانی، بعد از قرار داد ۱۹۰۷ بر فعالیت خود افزودند و تجارتخانههای آنها در بغداد و آبادان و بوشهر دایر گردید و کشتیهای تجارتی آلمان بخلیج فارس آمد و رفت نمودند. بعلاوه کنسولها و نمایندگان تجارتی آلمان بیکرشته تبلیغاتی دست زدند که دولت ایران را بطرف عثمانی و آلمان جلب نمایند. چه آلمانها خیال داشتند بادستیاری انورپاشا عالم اسلام را بر ضد انگلیسها برانگیخته و نیروهای انگلیس را در اینطرف سرگرم نمایند و بهمین جهت انگلیسها را در ظاهر از صحنه سیاست عثمانی برکنار ساخته بودند.

با این مقدمات در صورت پیش نیامدن جنگ جهانی احتمال میرفت در خاورمیانه و خلیج فارس اشکالات بزرگی برای انگلستان فراهم بشود و اوضاع هندوستان را دگرگون سازد.

(۱) چند سال بعد از این وقایع موقعی که «روتشتین» وزیر مختار رسمی دولت جماهیر شوروی حامل قرار داد ۱۹۲۱ بتهران آمد در موقع شرفیابی بقیه در صفحه ۹۹

بطور خلاصه این حوادث در ردیف عواملی بود که جنگ جهانی اول را بوجود آورد .

گرچه در آغاز این جنگ دولت ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام داشت و از دولی که بخاك ایران تجاوز کرده بودند تقاضا کرد با احترام بیطرفی او قوای خود را از ایران احضار نمایند ولی هیچیک از آنها به تقاضای ایران اعتنائی نکردند و ارتشهای روس و عثمانی و انگلیس و همچنین عمال نظامی و سیاسی آلمان چندین سال کشور ایران را معرض تاخت و تاز و جنگ و گریز و تبلیغات و تحرکات خود قرار دارند .

چون بررسی وقایع جنگ از موضوع بحث ما خارج است فقط

بقیه از صفحه ۹۸

بعضور احمدشاه مظالم امپراطوری روسیه را در اثر قرارداد ۱۹۰۷ بشرح زیر اذعان و اعتراف نمود :

« اینجانب از دیپلماتهای حرفه‌ای نیستم یعنی روسیه کارگران و دهقانان بطور کلی هنوز دیپلماتهای کارشناس تربیت ننموده و شاید نکند . سالهای سال دولتخواه بسمت نویسندگی اقدامات موثری بر علیه تجاوزات و مظالم امپریالیستی دول معظم نموده مخصوصاً در مورد تجاوزاتی که غارتگران تزاری بموجب نوطه خطیر ۱۹۰۷ بر علیه ایران بی حامی و پشتیبان ترتیب داده بودند با قلم خود جداً از استقلال و آزادی ایران دفاع نموده و مینمودم بهمین جهت دولت جمهوری روسیه برای اجرای سیاست خود نسبت با ایران این افتخار را باینجانب محول نمود . دولت جمهوری روسیه در بدو تاریخ تشکیل خود بزبان کمیسر خارجه وقت راجع بمظالم و عملیات شرم آور دولت تزاری روس در ایران مراتب انزجار و تنفر خود را اظهار و صداقت گفتار و وعده‌های خویش را در قرارداد جدید بادوات اعلیحضرت هما یونی ثابت و مدلل ساخت » (هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ شمسی در قصر فرح آباد)

تأثیرات این جنگ را در خلیج فارس اجمالاً یادآور می‌شویم .
 باید در نظر داشت که در آغاز جنگ جهانی اول خلیج فارس بیش از هر دوره‌ای کسب اهمیت نموده بود زیرا صرف‌نظر از توجهی که انگلیسها از لحاظ حفظ هندوستان از سابق بخلیج داشتند چون طبق امتیازنامه دادرسی عملیات اکتشافی نفت از سال ۱۹۰۳ در خوزستان شروع شده و حتی از سال ۱۹۰۷ در میدان نفتون و مسجد سلیمان به مرحله بهره‌برداری رسیده و قسمتی از لوله کشیها انجام یافته بود از اینرو انگلیسها برای جلوگیری از تحریکات آلمانها در بین‌النهرین و سواحل خلیج از مدتی پیش ناوگان بزرگی در خلیج فارس تمرکز داده و کاملاً مراقب اوضاع بودند . عمل سیاسی انگلیس نیز در بنادر و مخصوصاً در محمره و بوشهر برای جلوگیری از تبلیغات آلمان با اقدامات شدیدی دست میزدند . چنانکه «جیک» سرکنسول انگلیس در بوشهر جمعی را بانها هم‌کاری با آلمانها دستگیر و تبعید نمود و یک تاجر آلمانی و عیال او را که از مدتی پیش در باغ معروف به «ژرمنی» اقامت داشتند دستگیر کرد . موقرالدوله حاکم بوشهر نسبت باین اقدام کنسولگری اعتراض نمود ولی در همین وقت اتفاقاً یک افسر انگلیسی مورد حمله شخص تنگستانی واقع شد و با اینکه صدمه‌ای بوی وارد نشد انگلیسها بعنوان اینکه اتباعشان تامین ندارند قسمتی از نیروهای هندی و انگلیسی را که بنا بود به بین‌النهرین بروند در بوشهر پیاده کردند و عمارت حکومتی و گمرک و سایر ادارات آنجا را اشغال نمودند و بر فراز آنها پرچم انگلیس را برافراشتند و حکمران بوشهر را در خارج شهر محبوس ساختند .

چند روز بعد از ورود به بوشهر چون انگلیسها نسبت بر رئیس‌علی خان دلواری بعنوان ارتباط او با آلمانها سوءظن پیدا کرده بودند برای

دستگیری او دلووار را که بندر کوچکی از تنگستان و در شش فرسخی بوشهر است اول با کشتی جنگی بمباران کردند و بعد قوای پیاده نموده به قلعه دلووار حمله بردند ولی در اثر رشادت و پایداری رئیس علی خان و تفنگچیان او مجبور به عقب نشینی شدند .

مقارن همین اوقات بود که سروکله «واسموس» یکی از عمال سیاسی برجسته آلمان (۱) در تنگستان پیدا شد گرچه «جیک» قبلا از آمدن او بطرف لیرای و شول اطلاع یافته و بایک کشتی جنگی به بندر ریک آمده بود که با مشورت با حیدر خان حیات داودی در دستگیری واسموس و همراهان او اقدام نماید و حیات داودی هم جمعی تفنگچی برای گرفتاری آنها فرستاد ولی موفق بدستگیری شخص واسموس نشدند . فقط چند

(۱) در اوائل جنگ که از طرف دولت آلمان هیئت های مختلفی برای جاسوسی و تبلیغات بشام و یمن و مصر و ایران و افغانستان و حتی نمایندگانی نزد شیوخ خلیج فارس فرستاده شدند که عالم اسلام و عشایر و طوایف ایران و عرب را بر ضد روس و انگلیس برانگیزند . از عناصر مهم هیئت اعزامی بایران نیدرمایر ، شونن ، زوگمایر ، دکتر لندرس و واسموس بودند که از راه بغداد و پشت کوه وارد ایران شدند .

واسموس مامور برانگیختن ایلات جنوب بود و نخستین توفیق او در راه انجام ماموریت خویش وادار نمودن عده ای برای سوراخ کردن لوله های نفتی بود که از مسجد سلیمان - در خزینه به آبادان کشیده شده بود و در مدت ۲۴ ساعت بواسطه این خرابکاری مقداری نفت خام از لوله ها خارج و بهدر رفت .

نویسندگان انگلیسی ضمن توصیف رشادت و زبردستی واسموس او را لقب «لورنس» آلمانی دادند و در بین طوایف جنوب ایران هم معروف به «حاجی واسموس» شد .

نفر از همراهان و مترجم او را بایک جعبه لیره و اسناد او بدست آوردند و به «جیک» تحویل نمودند.

واسموس که شبانه م-وفق بفرار شده و برای چهارمین مرتبه از دست انگلیسها رهائی یافته بود به برازجان پیش محمدخان غضنفر السلطنه



واسموس آلمانی

بخشدار آنجا آمد و پس از تبلیغاتی بر علیه انگلیسها در بین خوانین با کمک مالی بخشدار برازجان به تنگستان رفت و در آنجا احساسات وطن پرستی و ایران دوستی زائر خضر خان اهرمی و شیخ حسین خان چاه کوتاهی را تحریک نمود و با دعوت رئیس علی خان دلواری به اهرم

قلعه مرکزی تنگستان این سه نفر را که از سرکردگان نامی آنحدود و مورد احترام مردم بودند بر ضد انگلیسها متحد و هم قسم کرد. در اینجا از ذکر این نکته ناگزیرم که واسموس در موقع ورود به تنگستان پشیزی باخود نداشت که بخوانین داده باشد بلکه بیشتر از راه تبلیغ و تحریک احساسات ملی خوانین رشید آنجا موفق بانجام نقشه خود گردید یعنی ترتیبی فراهم نمود که انگلیسها برای رفع غائله تنگستان قوای بیشتری به بوشهر بیاورند و منظور اصلی واسموس هم جز سرگرم کردن قسمتی از قوای انگلیس در این نواحی چیز دیگری نبود و با درگیر شدن خوانین با قوای مهاجم و آغاز رزمهای تنگستان این مقصود تا اندازه ای حاصل شد.

از طرف دیگر ایجاد همین مرکز مقاومت در تنگستان گذشته از معطل نگاهداشتن قسمتی از نیروی انگلیس در آنحدود و سائل انقلاب فارس را فراهم نمود و عمال دیگر آلمانی دست بکار قیام آنجا شدند. چنانکه کنسول انگلیس و رئیس و معاون بانک شاهی و چند تن از اتباع دیگر آنها که در شیراز دستگیر شده بودند به تنگستان اعزام گردیدند که زیر نظر خوانین آنجا بازداشت بشوند. متلاشی شدن ژاندارمری فارس و از بین رفتن افسران ارجمندی مانند مازورعلیقلی خان فقید از همین تحریکات عمال آلمان سرچشمه گرفت.

اما کنسول انگلیس هنگام بازداشت در اهرم با خوانین وارد مذاکره شد و با بستن قرارداد صلحی موفق گردید ایشان را از مخالفت با انگلیسها منصرف سازد و تبلیغات واسموس را بی اثر نماید. واسموس وقتی از این قضیه با خبر شد دیگر ماندن خود را در تنگستان جایز ندانست و بطرف برازجان فرار کرد و باز بیکرشته اقدامات دیگری دست زد که

در اینجا مجال ذکر آنها را نداریم .

پس از مصالحه با خوانین تنگستان و آزاد شدن کنسول انگلیس و رئیس و معاون بانک شاهی خط آهن نظامی بوشهر به برازجان از طرف انگلیسها کشیده شد و برازجان بتصرف آنها در آمد و در آنجا حکومت نظامی برقرار کردند .

ضمناً ذکر این نکته را لازم میدانیم که تقریباً يك سال بعد از شروع جنگ جهانی اول بنا بر مقتضیات سیاسی و نظامی بین سه دولت انگلیس و فرانسه و روس يك پیمان سری منعقد گردید و اساس این پیمان مربوط به بغاز های بسفر و دار دانیل و اوضاع ایران بود (۱۹۱۵) در قسمت مربوط بایران مفاد معاهده ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس مجدداً تأیید گردید ، با این اختلاف که از منطقه بیطرف مذکور در آن پیمان دیگر صحبتی بمیان نیامد و این منطقه تقریباً از میان برداشته شد بموجب همین قرار داد بود که انگلیسها بایجاد سازمان پلیس جنوب بفرماندهی ژنرال «سایکس» اقدام کردند و يك تیپ آنرا در فارس و يك تیپ در کرمان و يك هنگ در بندر عباس برقرار ساختند .

مقارن همین اوقات روسها هم در طرف شمال سازمان بریگاد قزاق را تا حدود يك دیویزیون توسعه دادند و ژنرال «بارون مایدل» بانفاق چند افسر ارشد و جزء روسی بتهران آمده و فرماندهی این دیویزیون را عهده دار شد .

گرچه جنگ جهانی در ۱۹۱۸ خاتمه یافت ولی در اثر پیش آمد انقلاب کبیر روسیه و عملیاتی که در نتیجه آن در جبهه ایران وقفه ازوم پیدا کرد نیروی انگلیس بفرماندهی ژنرال «دینسترویل» و بعد ژنرال «شامپین» تا پایان سال ۱۹۲۰ در خاک ایران باقی ماند .

بطور خلاصه بدون اینکه دولت ایران کوچک ترین دخالتی در جنگ جهانی داشته باشد چند سال سر زمین کشور ما معرض تاخت و تاز ارتشهای بیگانه قرار گرفت. بعلاوه در اثر رقابت روس و انگلیس با آلمان و عثمانی و تعرض و عقب نشینی پیاپی ستونهای روسی و عثمانی و تحریکات و تبلیغات آلمانها در بین عشایر و ایلات؛ شهرها و آبادیهای ایران دچار خرابی و خسارت جبران ناپذیر شدند. بالا تر از همه، پادگانهای ژاندارمری که با صرف میلیونها پول برای امنیت و انتظامات کشور بوجود آمده بودند در اثر همین تحریکات متلاشی و متفرق شدند و جمعی از افسران و افراد رشید ژاندارم از بین رفتند.

از طرف دیگر در اثر بیماریهای ناشی از جنگ تلفات زیادی بمردم این کشور وارد شد که کمتر از تلفات دول کوچک وارد در جنگ نبود.

قرارداد ۱۹۱۹

پس از خاتمه جنگ و تشکیل کنفرانس صلح جهانی در « ورسای » هیئت نمایندگان ایران هم برای مطالبه خسارات و جبران خرابیهای ارتشهای بیگانه در ایران به کنفرانس رفتند و بانهایت کوششی که بخرج دادند مطالب ایشان مورد توجه واقع نشد. تا اینکه انگلیسها مستقیماً با وئوق الدوله نخست وزیر ایران وارد مذاکره شده و قرارداد ۱۹۱۹ را تحمیل نمودند که در معنی کشور ما را بصورت تحت الحمایه در می آورد. انتشار این قرارداد احساسات رجال میهن پرست ایران را سخت بهیجان آورد. از جمله فقید سعید کلنل فضل الله خان آقاولی از افسران برجسته و شریف

ودانشمندی و وطن خواه ژاندارمری بود که در کمیسیون مختلط مأمور بررسی و اجرای ماده سوم این قرارداد (۱) مربوط بامور لشکری ایران دعوت شد و برای حفظ شئون سربازی خود و سربلندی ایران انتحار نمود و همین فداکاری او باعث تعطیل کار کمیسیون مختلط گردید و بعد هم که مرحوم مشیرالدوله به نخست وزیری منصوب شد این قرارداد را لغو کرد .

(۱) ماده سوم قرارداد ۱۹۱۹

دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحب منصبان و ذخائر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکلی که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد . تعداد و مقدار ضروری صاحب منصبان و ذخائر و مهمات مزبور توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد .

بخش نهم

خلیج فارس در عصر پهلوی

یکی از خدمات برجسته اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی ایجاد ارتش متحدالشکل بود که از حیث سازمان و سازو برك و تعلیمات و اسلحه و وسائل نظیر ارتش های اروپائی باشد و در سازمان این ارتش جوان دو رسته جدید بر رسته های قدیمی افزوده شد یکی رسته هوائی و دیگری رسته دریائی .

چون منظور ما در اینجا بررسی علل پیدایش رسته دریائی است از اینرو بطور مقدمه تاریخچه آن را یاد آور میشویم و بعد بشرح چگونگی آن میپردازیم .

گرچه از بدو سازمان ارتش ایجاد نیروی دریائی در نظر گرفته شده بود ولی مسافرت اعلیحضرت فقید بسواحل خلیج فارس لزوم این کار را بیشتر محسوس ساخت . چه در طی این مسافرت که قبل از تاج گذاری انجام یافت موقعی که ایشان میخواستند از بوشهر بخرم شهر بروند چون مصادف با موعد عبور کشتیهای تجارتنی نبود و در آن زمان وسیله دیگری برای مسافرت نداشتند ناچار مدتی در بوشهر معطل شدند تا بایک کشتی تجارتنی بیگانه این سفر انجام گردید .

اعلیحضرت فقید در این مسافرت باندازه ای ناراحت و متأثر شدند

که به محض بازگشت از خوزستان دستور دادند در خرید کشتی و ایجاد نیروی دریائی تسریع شود. زیرا گذشته از رنج سفر با يك کشتی تجارتي از نزديك مشاهده کرده بودند که حاکمیت ایران بر سواحل جنوب بدون نیروی دریائی معنی و مفهومی نخواهد داشت.

در اجرای این دستور ابتدا یکی دو کشتی خریداری شد که کافی مقصود نبود و بعد با دولت ایتالیا که دولت بحری بیطرفی بود مذاکراتی بعمل آمد و قرار شد دو کارشناس دریائی در اختیار ایران بگذارند تا با نظر آنان اقدام شود.

از طرف دولت ایتالیا کلنل « دلپراتو » و مازور « دزان » بتهران آمدند که اولی سمت فرماندهی و دومی عنوان مهندس بحری داشت. این کارشناسان پس از مدتی مطالعه و بازدید سواحل پیشنهاد کردند که برای ایجاد نیروی دریائی دولت ایران در درجه اول نیازمند افسران و افراد فنی است و بدون تهیه کادر ورسته دریائی خریداری بهترین و مجهزترین ناوها بیهوده و بی ثمر خواهد بود. بدینجهت لازم است که توأم باسفارش ناوها گروهی از افسران جوان با پایه معلومات معینی برای آموختن فنون دریانوردی بمدارس فنی ایتالیا فرستاده بشوند و این پیشنهاد مورد تصویب واقع شد.

در سال ۱۳۰۶ شمسی بودجه نیروئی دریائی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و سال بعد ضمن اعزام نخستین کاروان محصلین بایتالیا برای ساختن دو ناو ۹۵۰ تن و چهار ناو کوچک ۳۲۰ تن بکارخانجات «رئونی» و «پارتائوپی» در بالرم و ناپل سفارش لازم داده شد. در سالهای بعد دو کاروان محصل دیگر بایتالیا اعزام گردید. تا اینکه از طرف دولت ایتالیا اطلاع رسید که ناوها بزودی حاضر خواهد شد و بایستی برای تهیه

و تشکیل کادر ثابت آنها پیش از وقت اقدام بشود. برای اینکار پنجاه و چهار محصل دیگر انتخاب و اعزام شدند تا از بین آنان کسانی که دارای استعداد و لیاقت کافی باشند بدانشکده فنی « لیورن » وارد و بقیه در کادر ثابت مشغول کار آموزی شوند.

در سال ۱۳۱۰ که ناوهای سفارشی ایران حاضر بکار شد دو یست و پنجاه نفر سرباز و وظیفه انتخاب و از خرمشهر به ایتالیا اعزام شدند تا عملیات روی ناوها و مانورهای دریائی را عملاً فراگیرند.

در اوائل پاییز سال بعد ناوهای ایران باسامی « بیر » « پلنک » « شاهرخ » « شهباز » « سیمرخ » و « کرکس » با افسران و ملوانان ایرانی و براهنمائی چند افسر فنی ایتالیائی بطرف ایران حرکت کردند و پس از ورود بآبهای ساحلی خلیج فارس مدتی در جلو بندر عباس لنگر انداختند و از طرف اهالی این بندر تاریخی استقبال پرشوری از نیروی دریائی ایران بعمل آمد. از آنجا بطرف بوشهر حرکت نمودند و روز چهاردهم آبانماه باین بندر گاه رسیدند. نظر بفرط علاقه اعلیحضرت فقید برای دیدن کشتیهای متعلق بایران، برنامه ورود ناوگان ببوشهر طوری تنظیم شده بود که ورود کشتیها درست مقارن تشریف‌فرمایی ایشان باین بندر باشد. مطابق این برنامه در ساعت هفت و نیم صبح يك قایق موتوری از کلروان دریائی جدا شد و بکرانه آمد و اعلیحضرت فقید را بطرف ناوها برد. در موقع نزدیک شدن قایق به ناوها از طرف افسران و افراد نیروی دریائی مراسم احترامات نظامی انجام شد و اعلیحضرت فقید در ناو پلنک استقرار یافتند. پس از اجرای مراسم « پرچم بالا » و اعطای پرچم مخصوص بهر يك از ناوها بفرمان شاهانه کلروان بطرف بندر شاهپور بحرکت آمد تا در آن جا مراسم گشایش راه آهن بندر شاهپور به اندیمشك در حضور ایشان

انجام یابد .

در بندر شاهپور موقعی که اعلیحضرت فقید از ناو پلنک پیاده شدند باندازه ای ازین مسافرت دلشاد و راضی بودند که بی اختیار بنا خدا سوم باین در متوجه شدند و فرمودند : «خاطر ه تلخ سفر چند ساله پیش را با کشتی بیگانه هنوز فراموش نکرده ام، در عوض از مسافرت امروز بقدری خوشوقتم که بشما تبریک میگویم» .

پس از پیاده شدن اعلیحضرت فقید کشتی ها بجانب دهانه شط العرب حرکت و پس از رود بشط یکسره بجانب بندر خرمشهر پیشروی کردند و در آنجا لنگر انداختند .

باین ترتیب نخستین قدم برای تشکیل و برقراری نیروی دریائی جنوب طی مراسم با شکوه و پر هیجانی بر داشته شد و از همان تاریخ پرچمهای بیگانه ای که در برخی از جزائر و بنادر هنوز بحال افراشته مانده بود برای همیشه بیابین کشیده شد و بجای آنها پرچم سهرنگ شیر و خورشید باهتزاز درآمد .

دیری نگذشت که با افزوده شدن ناو ۱۰۰۰ تنی «هما» و ناوچه ۱۷۱ تنی «شاهین» سازمان نیروی دریائی جنوب بشرح زیر مقرر گردید :

دسته اول مرکب از	ناو ببر و ناوچه های شهباز و سیمرغ
دسته دوم مرکب از	ناو پلنک و ناوچه های شاهرخ و کرکس
دسته سوم مرکب از	ناویدک بر ۴۰۰ تنی - ناوچه شاهین -
ده کرجی مسلح -	کرجی تدارکات بنام «کارون» و قایق موتوری چلچله
۳۰ تنی و سه کرجی بندری و دو مخزن شناور (دوبه) .	این دسته باسم «دسته ساحلی» نامگذاری شد .

برای حفظ ناوها و انجام تعمیرات لازم ابتدا در خرمشهر تعمیرگاهی

ایجاد شد ولی برای رنگ تراشی و رنگ زنی بدنه زیر آبی ناوها چون در آن موقع وسیله ای نداشتند ناچار بودند سالی یک مرتبه ناوها را برای این منظور بکراچی در ساحل هندوستان ببرند. از لحاظ رفع این نقیصه نیز یک حوض شناور ۶۰۰۰ تنی در سال ۱۹۳۳ سفارش داده شد تا در آتیه ناوها را در ساحل ایران رنگ آمیزی و تعمیر نمایند. این حوض شناور را دو سال بعد بخلیج فارس آوردند و در بندر شاهپور مستقر ساختند.

برای تقویت کادر درجه داران فنی در ناو هماکه بکلی فرسوده شده بود و قابلیت حرکت نداشت یک آموزشگاه مهنای ایجاد گردید. در اواخر سال ۱۳۱۹ شمسی در بندر شاهپور مقدمات ساختمان لازم برای تکمیل احتیاجات این بندرگاه فراهم شد و موسسات دریائی بندر خرمشهر در این مدت باتمام رسید و سر بازخانه و باشگاه افسران نیروی دریائی بصورت آبرومندی درآمد و نیز از حیث نصب فانوسهای دریائی برای راهنمایی کشتی ها در نقاط لازم اقدام کردند.

چون در اینجا به گشایش راه آهن بندر شاهپور به اندیمشك اشاره شد و در نتیجه موجبات اتصال خلیج فارس بدریای خزر توسط راه آهن سرتاسری ایران فراهم آمد از اینرو باتوجه با اهمیت نظامی و اقتصادی این موضوع لازم میدانیم راجع بساحداث این راه آهن اجمالا اشاره کنیم و بعد بشرح انتخاب بندر شاهپور یعنی بزرگترین بنادر خلیج فارس پردازیم.

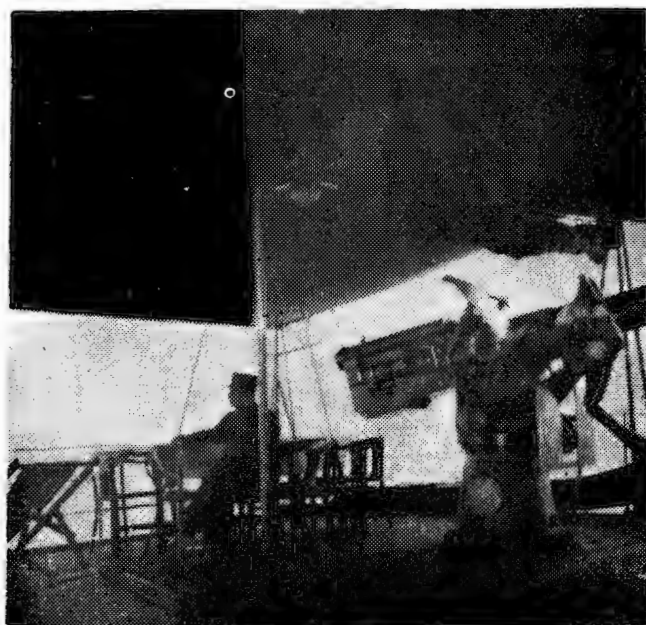
ایجاد راه آهن سرتاسری ایران درست از هشتاد سال باینطرف مورد توجه و نظر خاص دول ذینفع قرار گرفته بود و با اینکه برای ساختمان آن در اواخر قرن نوزدهم چندین امتیاز از دربار قاجاریه بزور و زر

گرفته شد اما در اثر رقابت شدید دولتين روس و انگليس و اشكال تر اشيهاي سياسي آنها برضد يكديگر، هيچيك از اين امتيازات عملي نشد. حتي كار ساختمان اين راه آهن بجائي رسيد كه لرد كرزن در سال ۱۸۹۱ در اين باب صريحا گفت: «احداث راه آهن در ايران يك موضوع فني و مهندسي نيست كه بدين زودي حل بشود بلكه يك مسئله بفرنج سياسي است كه بايد بين كابينه هاي لندن و پترزبورگ فيصله يابد.»

خلاصه ساختمان راه آهن كه حتي تصور آنها در نظر خودي و بيگانه محال مينمود باهمت بلند اعلحضرت فقيد بمرحله عمل در آمد. در مهرماه ۱۳۰۴ قانون تاسيس بنگاه راه آهن دولتي از تصويب مجلس شوراي ملي گذشت و اعتبار آن از محل در آمد قندوشكر تامين شد و از سال ۱۳۰۶ ساختمان راه آهن از شمال و جنوب آغاز گرديد.

چند سال نگذشت كه راه آهن سرتاسري ايران با شكافتن دل كوههاي مرتفع و عبور از بالاي دره هاي ژرف مسافتي را بطول ۱۳۹۲ كيلو متر در نورديد و با گذشتن از داخل ۲۲۴ تونل و از روي ۲۰ پل آهني و ۴۷ پل سنگي و ۹۰ ايستگاه، خليج فارس را بدريای خزر اتصال داد.

گرچه بررسي جزئيات ساختمان اين راه آهن از موضوع بحث ما خارج است ولي ذكر اين نکته را لازم ميدانيم كه از لحاظ تنوع و زيبائي مناظر طبيعي خط سير آن و همچنين اهميت فني ساختمان پل ها و تونل هاي آن بر روي دره هاي عميق و كوههاي دشوار رس به گواهي كارشناسان و خبرگان اين راه آهن از شاهكارهاي صنعتي و هنري دنياي امروز بشمار ميرود. بخصوص كه مسير آنها از کوتاه ترين مسافت بين خليج فارس و دريای خزر انتخاب و سي ميليون ليره هزينه ساختمان آن نيز از همان محل عوائد قند و شكر پرداخت شده و سربار بودجه کشور نگردیده است



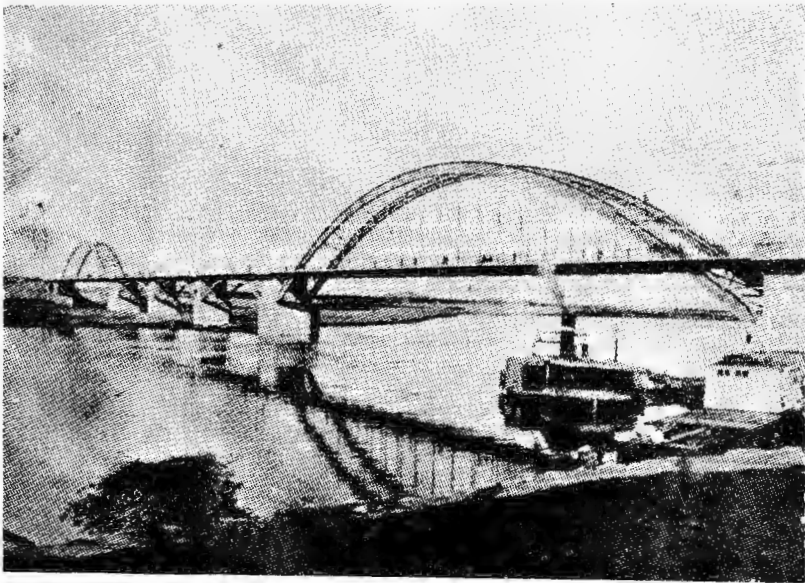
اعلیحضرت فقید موقعی که در سال ۱۳۱۰ در جلو بندر بوشهر برای
نخستین بار در ناو پلنگ جلوس فرموده‌اند



اعلیحضرت فقید باتفاق والا حضرت ولایت عهد موقعی که در سال ۱۳۱۶
نیروی دریائی جنوب را در خرمشهر بازدید و به درباردار بایندر
اوامری صادر میفرمایند



اسکله بندر شاهپور در خلیج فارس



پل آهنی معلق اهواز

-۱۱۳-

اماراجع بانهخاب بندرگاه راه آهن در خلیج فارس پس از بررسی های
دقیقی که مهندسین و متخصصین فنی در این قسمت انجام دادند محل



پل بدون پایه ورسك در ارتفاع ۱۴۸۸ متر از سطح دریا طرفین دره ژرفی را
به هم متصل میکند و راه آهن از روی آن میگذرد

خور موسی در گوشه جنوب باختری خلیج از هر حیث مناسب بنظر رسید
و در همانجا بندرگاهی باسم «بندر شاهپور» تأسیس گردید . امتیاز این
بندر جدید نسبت به بندر خرمشهر (محمیره سابق) این است که بعلت دارا

بودن حفاظ طبیعی از آسیب امواج بزرگ و جریانهای دریائی مصون می باشد و در اثر وسعت دهانه خور (۱۰ کیلومتر مربع) و عمق کافی دریا در نقاط خیلی نزدیک بساحل این بندر، چندین کشتی میتوانند توأماً و براحتی لنکر بیندازند.

در صورتیکه بندر خرمشهر چون در کرانه شطالعرب واقع است کشتیهای اقیانوس پیما برای نزدیک شدن بآن بایستی در حدود هشتاد کیلومتر در شط جلو بروند و این رفت و آمد در داخل شط برای کشتیهای بزرگ خالی از اشکال و خطر نیست البته چون زمینهای اطراف بندر شاهپور عموماً باطلاقی و ناهموار بود برای حمل مقداری سنگ و خاک از مسافت دور و پر کردن خورهای باطلاقی و تبدیل آنها بزمین هموار هزینه گزافی لازم شد ولی در عوض با اسکله چوبی بطول ۴۱۲ متر که برای این بندر تهیه شد و ساختمانهای ضروری بندری که در زمین هموار انجام گردید بندر شاهپور در انتهای خط آهن سرتاسری ایران یکی از بزرگترین بندرگاههای سواحل جنوبی کشور شد که اهمیت آن از لحاظ سرعت و سهولت حمل و نقل کالاهای صادراتی و وارداتی لازم بشرح و بسط نیست.

در بندر شاهپور علاوه بر ابنیه مخصوص ایستگاه راه آهن و محل کارمندان آن چندین عمارت بزرگ و کوچک و دفاتر گمرک و پست و انبارها و بار اندازهای لازم ساخته شد و بالاخره بصورت يك بندرگاه جدید و دنیا پسند درآمد.

موضوع مهم دیگری که برای آبادی سواحل خلیج و سهولت ارتباط بنادر با همدیگر و با شهرهای اطراف مورد توجه اعلیحضرت فقید واقع شد و دستور اقدام آنهم صادر گردید و حتی در بعضی نقاط از جمله بین بندر بوشهر و بندر لنگه بمرحله اجرا درآمد، ساختن يك جاده ساحلی

از بندر خرمشهر تا بندر چاه بهار بود. اما پس از وقایع شهر یور اینکار معوق ماند (۱).

در خاتمه این بخش باید متذکر بود که پس از دائر شدن بندر شاهپور و رونق گرفتن بندر خرمشهر مرکز نقل تجارت خلیج که از آغاز دوره قاجاریه از بندر عباس بهوشهر انتقال یافته بود دوباره بطرف مغرب خلیج متوجه شد. چه قبل از دائر شدن دو بندر نامبرده بوشهر از حیث صادرات و واردات مهمترین بندر خلیج محسوب میشد و جمعی از بازرگانان معتبر محلی و اصفهان و شیراز و یزد در این بندر گاه مشغول تجارت بودند.

جمعیت بوشهر در آن موقع تا حدود ۶۰۰۰۰ نفر میرسید و چند موسسه کشتی رانی و تجارتخانه خارجی در آنجا موجود بود که بهداد و سند و حمل کالا اشتغال داشتند و عایدات گمرک بوشهر چند برابر سایر بنادر جنوب بود. اما از موقعی که بندر شاهپور و خرمشهر مرکز تجارت شدند بوشهر اهمیت اقتصادی خود را از دست داد و تجارت مقیم آنجا بنقاط دیگر رفتند و اکثر مردم این بندرگاه در اثر بیکاری و کساد بازار متفرق و پراکنده شدند بطوریکه امروز جمعیت شهر بوشهر بزحمت به شش هزار نفر میرسد.

(۱) اعلیحضرت قاید باندازه ای با ایجاد راه کناره خلیج از لحاظ عمران و آبادی شهرها و دهات ساحلی و بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم ساحل نشین علاقه داشت که در سال ۱۳۱۶ موقی که برای بازدید سازمانهای جدید بندر شاهپور و مؤسسات راه آهن جنوب به خوزستان مسافرت نمودند در بندر شاهپور تصمیم گرفتند که از راه کناره با اتومبیل بهوشهر بروند. گرچه بواسطه ناهمواری راه این مسافرت بسختی انجام شد ولی بمنزله افتتاح راه ساحلی بود زیرا بدنبال همین مسافرت دستور راه سازی با اسلوب صحیح صادر گردید و این دستور بموقع اجرا هم گذاشته شد. افسوس که گردش روزگار فرصت نداد که این نقشه مفید و لازم صورت عمل بخود بگیرد.

بخش دهم

خلیج فارس در جنگ جهانی دوم

۱۹۳۹ - ۱۹۴۵

بررسی علل و موجبات جنگ جهانی دوم مبحث بسیار پیچیده و مفصلی است که البته چهاردیواری کتاب کوچک ما گنجایش اینکار را ندارد بطوریکه از عنوان این بخش بر می آید در اینجا فقط میخواهیم عواقب این جنگ را در اوضاع عمومی ایران و بخصوص منطقه خلیج فارس اجمالاً یاد آور شویم. لازم بذکر نیست که در آغاز این جنگ مانند جنگ گذشته دولت ایران بیطرفی خود را رسماً اعلام کرد و تا قبل از قیام رشید عالی در بغداد و شروع تعرض برق آسای نیروی آلمان بخاک شوروی احتمال خطر جنگ نسبت بایران کمتر میرفت.

قیام رشید عالی در بغداد

برای اینکه خوانندگان گرامی با اهمیت قیام رشید عالی در بغداد از لحاظ جلب نگرانی انگلیسها با اوضاع خلیج فارس پی ببرند باید متذکر باشیم که در ماه مارس ۱۹۴۱ موقعی که رشید عالی بهمدستی آلمانها بنخست وزیری عراق منصوب شد و با سه تن از افسران عالی رتبه آن کشور دسایسی را برضد انگلیسها آغاز نمود و نایب السلطنه عراق را وادار به فرار کرد، دولت انگلستان از این پیش آمد سخت آشفته و نگران

شد. زیرا از مدتی پیش مأمورین سیاسی و عمال نظامی آلمان در غالب کشورهای خاور میانه دست به تحریکات و تبلیغات دامنه داری زده بودند که واقعه بغداد یکی از ثمرات آن بود. از طرف دیگر چنانکه قرار بود، اگر آلمانها موفق می شدند بموقع از راه هوا قوایی بکممک رشید عالی برسانند و طغیان عراق را بسایر کشورهای خاور میانه، بویژه ایران سرایت دهند و با تصرف بصره بخلیج فارس راه یابند ممکن بود دست آنها بطرف هندوستان هم دراز شود و وضع انگلیسها در این منطقه متزلزل گردد (۱)

بهین جهت انگلیسها برای اشغال سریع بصره و جلوگیری از توسعه این طغیان با کمال عجله يك تيب پیاده و يك هنگ توپخانه صحرایی از هندوستان و يك گردان هوایی از سوئز به بصره فرستادند و آنجا را اشغال کردند.

رشید عالی که از سرعت عمل حریف هراسان شده بود برخلاف قرارداد ۱۹۳۰ انگلیس و عراق نسبت به پیاده کردن قوا در بصره به وزیر

(۱) وینستون چرچیل در جلد ۳ خاطرات جنگ جهانی دوم مخصوصا بفرط علاقه هیتلر در تقویت حکومت رشید عالی و اشغال عراق اشاره نموده میگوید در ماه ۱۹۴۱ موقعی که «رودلف هس» بطور مرموزی از آلمان بطرف انگلستان پرواز کرد و در «اکس» بازداشت و مورد بازپرسی قرار گرفت، ادعا میکرد که مسافرت او بدون اطلاع هیتلر و بمنظور فراهم نمودن موجبات صلح بین دولتین انگلیس و آلمان است. از جمله شرایطی که برای پیمان صلح پیشنهاد مینمود یکی این بود که چون دولت آلمان مایل و علاقمند به پشتیبانی از حکومت رشید عالی در عراق میباشد صلح در این است که دولت انگلیس خاک عراق را تخلیه و سرنوشت آنجا را به دولت آلمان واگذار نماید.

مختار آندولت مقیم بغداد اعتراض نمود و برای اینکه پیش دستی کرده باشد در صدد محاصره و تصرف «حبانیه» برآمد.

در این موقع اتباع انگلیس از بغداد به حبانیه انتقال یافته بودند و پادگان آموزشگاه هوایی آنجا بفرماندهی ژنرال «اسمارت» مرکز مقاومتی تشکیل داده در مقابل قوای عراق بحال دفاع درآمده بود همین که قوای طرفین در حبانیه درگیر رزم شدند انگلیسها قسمت‌های نظامی دیگری را از هندوستان و فلسطین بکمک پادگان حبانیه گسیل داشتند. پس از اینکه نیروی هوایی انگلیس موفق شد هواپیمائی عراق را نابود سازد قوای زمینی آنها نیز سپاهیان عراق را از اطراف حبانیه راندند و پادگان آنها را از محاصره نجات دادند و بعد از انجام این عملیات یکسره بطرف بغداد پیشروی کردند و در اول ماه ژوئن شهر را با اشغال خود درآوردند.

در اثر این شکست رشیدعالی و همدستان او طوری غافلگیر شدند که باتفاق عمال سیاسی آلمان و ایتالیا و مفتی فلسطین به خاک ایران پناهنده شدند. باین ترتیب نگرانی انگلیسها در مورد طغیان عراق و خطری که ممکن بود از ناحیه آلمان‌ها متوجه لوله‌های نفت مدیترانه بشود تا اندازه‌ای مرتفع گردید ولی در عوض نسبت باوضاع ایران بیش از پیش نگران شدند.

تبلیغات مفصلی که در رادیوها و مطبوعات انگلیس و روس و فرانسه بر علیه حکومت ایران شروع شد و یادداشت‌های پی‌در پی سفرای روس و انگلیس در تهران برای دستگیری و تحویل مهندسین و عمال آلمانی بهترین دلیل این نگرانی و تشویش بود (۱)

(۱) یکی از همدستان و دوستان آلمانی رشیدعالی «هافنگل» بود

سازش انگلیس و روس برای اشغال ایران و وقایع سوم شهریور ماه ۱۳۲۰

از طرف دیگر موضوع بسیار مهمی که باعث سازش انگلیس و روس برای اشغال ایران گردید همانا کمک فوری به آرتش سرخ بود که در معرض حملات برق آسای آلمان ها قرار داشت و مطمئن ترین راه

بقیه پاورقی از صفحه ۱۱۸

که در آغاز جنگ جهانی دوم ریاست مامورین سیاسی و جاسوسی آلمان را در منطقه کردستان برعهده داشت و این منطقه حساس را بخوبی میشناخت و زبان کردی را بالهجه های مختلف آن میدانست. هافنگل با اعتباراتی که در اختیار خود داشت بوسیله جمعی از مردم محل اخبار کردستان را مرتباً بستاناد آرتش آلمان میرسانید و این اخبار در رادیو برلن منتشر میشد. هافنگل برای تجهیز طوایف کردستان برضد انگلیس ها و روسها نقشه هایی طرح کرده بود و قصد اصلی او این بود که در صورت رسیدن قوای آلمان بققاز بکمک اکراد کردستان و آذربایجان زمینه پیشرفت سریع نیروی آلمان را از این طرف آماده کند.

ضمناً در بین کارگران مؤسسات نفت کرمانشاه هم رخنه پیدا کرده بود تا اگر در مرزهای ایران ابراز مقاومتی برضد آلمانها بشود دستگاه نفت کرمانشاه را از کار ببندازد. بعد از فرار رشید عالی از بغداد و تسلط انگلیسها بر اوضاع عراق مامورین سیاسی انگلیسی که از بدو امر در منطقه کردستان مراقب عملیات هافنگل بودند عاقبت او را دستگیر کردند و دستگاه جاسوسی آلمان را متلاشی ساختند. ماموریت ها فنگل در بین طوایف کردستان نظیر ماموریت واسموس در بین طوایف جنوب ایران بود و بواسطه کامیابی هایی که در کردستان پیدا کرده بود در سرویس جاسوسی آلمان باو لقب «عقاب کردستان» داده بودند.

برای اینکار استفاده از بنادر خلیج فارس و راه آهن سرتاسری و جاده‌های ایران بود. بطوری که از یادداشت‌های وینستون چرچیل در جلد ۳ کتاب خاطرات جنگ جهانی دوم برمی آید از اول ماه ژویه ۱۹۴۱ موضوع اشغال ایران را در کمیسیون‌های مختلف رؤسای ستاد و وزارت جنگ و وزارت خارجه انگلستان و فرماندهی کل قوای هندوستان بدقت بررسی کرده بودند و با جلب موافقت دولت شوروی در اجرای عملیات مشترك قوای روس و انگلیس برای تعرض بایران تصمیم لازم گرفته شده بود، منتها پناهنده شدن رشید عالی و همدستان او بایران اجرای این تصمیم را جلو انداخت.

خلاصه در اثر همین سازش و تصمیم قبلی بود که در نیمه شب سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) قوای روس و انگلیس ناگهان از شمال و جنوب بمرزهای ایران بی طرف تجاوز کردند و در ساعت چهارصبح روز سوم شهریور ماه سررید بولارد وزیر مختار انگلیس و اسمیرنوف سفیر کبیر شوروی در منزل آقای علی منصور (منصور الملک) نخست وزیر ایران حضور یافتند و ایشان را از رختخواب بیرون کشیدند و بعنوان آنکه ایران کانون فعالیت عمال محور و طرفداران آنها بر ضد متفقین گردیده است تجاوز قوای دولتین خود را بخواك ایران باطالع ایشان رسانیدند. آقای علی منصور پس از گزارش جریان این ملاقات باعلیحضرت فقید یادداشت‌های اعتراض آمیزی نسبت باین تجاوز ناگهانی در تهران به سفارت خانه های انگلیس و روس و در مسکو و لندن توسط سفرای ایران بمقامات آندو دولت ارسال داشتند. بعلاوه در ساعت دو و نیم بعد از ظهر همان روز جریان این حادثه را در جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی بشرح زیر باستحضار نمایندگان رسانیدند:

«مطالبی که حالا با اطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی می باشد که روی داده است. آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنی میشود بجلسات بعد موکول دارند.

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بفرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نمود و باتمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته و با يك رویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنگ و در صیانت حقوق مشروع تمام دولی که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه بهیچوجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچیک از آنها متوجه نگردیده است. با اینحال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آندولت با دولت شوروی هر دو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکعده آلمانی در ایران نمودند و دو نوبت در تاریخ ۲۸ تیرماه و تاریخ ۲۵ مردادماه همین سال بر طبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاريه هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده آلمانیهای مقیم ایران را در خواست میکردند.

در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی و چه طبق تذکاريه های تاریخ هفتم مرداد و تاریخ سی ام مرداد کتباً اطمینان کافی در مراقبت های دولت ایران نسبت به رفتار کلیه اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطراتی از عده محدود آلمانی که در ایران مشغول کار های معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاستن عده «معتنابی» از شماره آلمانیها بعمل آمده و بچریان افتاد و مراتب مکرر چه در تهران و چه در مسکو و لندن بمقامات مربوطه دولت انگلستان

و شوروی خاطر نشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریه آنها کوشش شد.

متأسفانه بانام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود نمود، درعوض حسن تفاهم و تسویه مسالمت آمیز قضیه، نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهار صبح امروز بمنزل اینجانب آمده و هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالبی داده اند که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخشی داده شده بود.

در این یادداشت ها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارش های رسیده معلوم شد نیروی نظامی آنها در همان ساعت که نمایندگان در منزل من مشغول مذاکره بودند از مرز ایران عبور نموده و نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرها پرداخته و قوای زیادی از جلفا بسمت تبریز اعزام شده اند. در خوزستان قوای انگلیس بنزد شاهپور و خرمشهر حمله برده کشتیهای مارا غافلگیر نموده صدمه زده اند و نیروی هوایی آندولت باهواز بمب ریخته همچنین قوای انگلیس با وسائل موتوریزه فوق العاده زیاد از طریق قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حرکت میباشند.

قوای متجاوز در هر نقطه که با نیروی ارتش مواجه شده اند طبعاً تصادم و زد و خوردی هم رخ داده است و دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقداماتی بعمل آورده و منتظر نتیجه میباشد که البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسید. چون فعلاً منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از

نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهم داد. دولت لازم میدانند بعموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع باید کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده و با نهایت آرامش رفتار نمایند.

بمباران شهرهای بلادفای ایران

پس از اطلاع از این حادثه ناگهانی، وحشت و نگرانی فوق العاده‌ای بعموم مردم دست داد بخصوص که اعلامیه شماره ۱ ارتش نیز وقایعی را بشرح زیر با اطلاع عامه رسانید:

۱- ساعت چهار صبح روز سوم شهریور ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار داده‌اند.

۲- شهرهای تبریز - اردبیل - رضائیه - خوی - اهر - میاندواب - ماکو - مهاباد - بناب - رشت - حسن کیاده - میانه - اهواز - بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع و تلفات وارده نسبت بمردم غیر نظامی زیاد و نسبت بنظامیان با وجود بمباران سربازخانه‌ها معذک تلفات نسبتاً کم بوده است.

۳- نیروی موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا - مرند - پلدشت - ماکو - قره ضیاءالدین و نیروی موتوریزه ارتش انگلیس در محور خانیقین - قصر شیرین - نفتخانه - گیلان - آبادان - بندر شاهپور و قصر شیخ بتعرض پرداخته‌اند.

۴- نیروی دریائی شوروی در کرانه دریای خزر و نیروی دریائی انگلیس در بنادر خرمشهر و شاهپور تعرض نموده‌اند.

۵- واحدهای ارتش شاهنشاهی با آنکه غافلگیر شده‌اند در حدود امکان باستقبال آنها شتافته و در نقاط مختلف با آنها تماس حاصل نموده

و بدفاع پرداخته اند. دو ارابه زره پوش مهاجم در منطقه باختر مورد اصابت واقع و از کار افتاده است و پیشروی مهاجمین را در آنجا متوقف ساخته اند.

۶- در کلیه مناطق شمالی و باختری روحیه اهالی بسیار خوب و عموماً تقاضای دخول در صفوف ارتش و حرکت بجبهه را برای دفاع از میهن می نمایند «.

جریان جنگ در خلیج فارس

بطوریکه در مقدمه این بخش متذکر شدیم چون منظور اصلی ما بررسی اجمالی جریان جنگ در خلیج فارس می باشد از اینر و نتایج حمله ناگهانی و غافلگیر نیروهای دریائی و زمینی انگلیس را در بندر شاهپور و خرم شهر یاد آور شده سپس بذکر وقایع دیگر میپردازیم.

درست در همان شب سوم شهر یورماه ۱۳۲۰ ناوگان انگلیس در خلیج فارس بآبهای ساحلی ایران تجاوز کرده و یک ناو آنها در اسکله آبادان جلو ناو پلنک و دیگری در بندر خرم شهر پهلوی ناو ببر لنگر انداختند و بقیه ناوهای آنها بندر شاهپور را بمحاصره خود در آوردند. دیری نگذشت چراغهای برق مؤسسات نفت خاموش و تلفنهای پادگان آبادان و خرم شهر که از سیستم های شرکت بود از کار افتاد.

تا اینکه در ساعت چهار بعد از نصف شب یعنی مقارن ملاقه سفرای روس و انگلیس با نخست وزیر ایران ناوهای ببر و پلنک ناگهان از طرف ناوهای انگلیسی بمباران شدند. ناو پلنک در اثر اصابت گلوله بمخزن مهمات آن مشعل و پس از چند ساعت غرق شد و افسران و ناویپایی که در روی آن بودند همگی غافلگیر و شهید گردیدند.

در خرم شهر نیز گلوله توپهای کشتی انگلیس کلوناز ببر را ساخت

چند ساعت بعد این ناو هم بزیر آب فرو رفت .

در بندر شاهپور هم که شبانه مورد حمله ناوهای انگلیسی واقع شده بود چند کشتی تجارتی آلمانی و ایتالیائی که قبلا باین بندر پناهنده شده بودند و همچنین ناوچه های نیروی دریائی ایران به تصرف انگلیسها در آمدند .

در این هنگامه دریا دار بایندر فرمانده رشید و وظیفه شناس نیروی دریائی جنوب که در خرمشهر منزل داشت هر چه می کوشد با تلفن منزل خویش با آبادان ارتباط پیدا کند بعلت بریده شدن سیم موفق نمیشود و بلا درنگ بطرف محوطه نیروی دریائی حرکت و در زیر آتش ناو انگلیسی در دهانه کلرون خود را بآنجا میرساند و پس از کسب اطلاعاتی از جریان واقعه و دادن دستور با فسرانی که در آنجا حاضر بودند باتفاق سروان مکری نژاد فرمانده آتشبار ساحلی بآنطرف شط مراجعت میکند برای اینکه با توپهای ساحلی به قسمت پیاده نظامی که در کنار بهمنشیر در گیر رزم بود کمک نمایند . ولی در میدان بی سیم خرم شهر بیک دسته از زره - پوشهای انگلیسی که در کرانه شط بساحل ایران پیاده شده و مشغول پیشروی بودند مصادف وزیر آتش رگبار مسلسل هر دو افسران نامبرده از پا در می آیند . چون نفرات هندی هویت دریادار بایندر را تشخیص نمیدهند جسد او را بیکی از اطاق های بی سیم انتقال میدهند و کلاه و پاگونیهایش را به کنسولگری انگلیس میبرند و در آنجا معلوم میشود که دریا دار بایندر هم شهید شده است .

بطور کلی در طی این حمله ناگهانی و غافل گیر هشت تن از افسران و صد ها نفر از درجه داران و ناوهای رشید نیروی دریائی و توپخانه ساحلی در راه انجام وظیفه بخواك و خون می غلطند .

اسامی افسران شهید بدینقرار است :

دریا دار غلامعلی بایندر	فرمانده نیروی دریائی جنوب
ناخدا نصرالله نقدی	رئیس ستاد نیروی دریائی
ناخدا حسن میلانیان	فرمانده ناو پلنک
ناوبان ۱ حسن کهنموئی	افسر توپخانه ناو پلنک
ناوبان ۱ مهدی ریاضی	افسر راه ناو پلنک
ناوبان ۱ ابراهیم هریسچی	افسر راه ناوچه کرکس که مامور

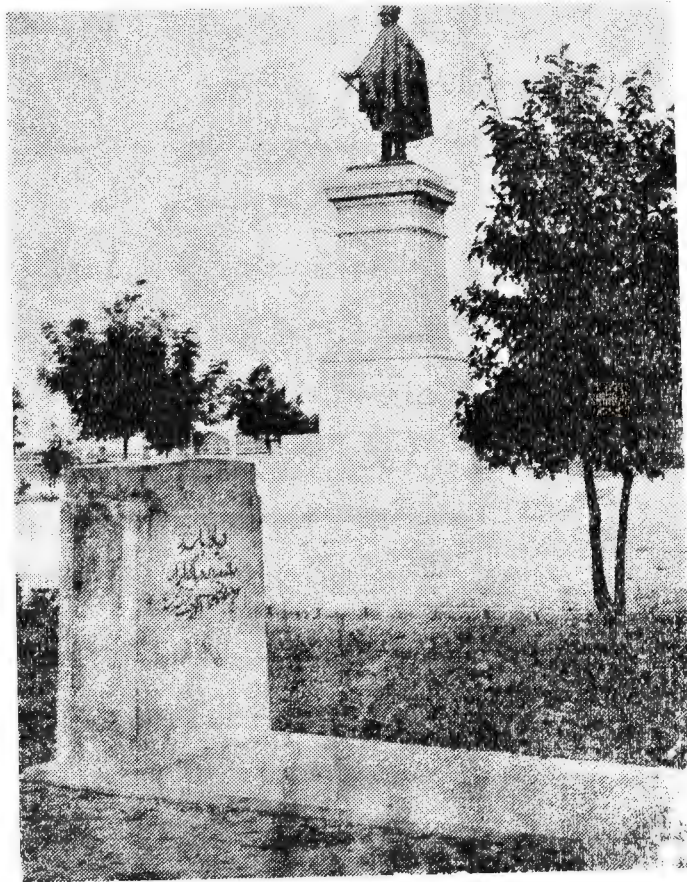
یدک بر بوده و در روی آن کشته شده .

همردیف ناوبان ۳ جعفر مسکروزاده	افسر راهنما
سروان مگری نژاد	فرمانده آتشبار ساحلی

جسد مرحوم دریا دار بایندر روز بعد از طرف انگلیسها با مراسم نظامی در محوطه نیروی دریائی کناره جسمه اعلی حضرت ققید بھاك سپرده میشود و اجساد سایر افسران و افراد شهید در احمد آباد آبادان مدفون می گردند .

سایر ناوها و موسسات نیروی دریائی در خرمشهر و بندر شاهپور بتصرف قوای مهاجم در می آید . باین ترتیب ناوهای بیر و پلنک بکلی نا بود میشوند و ناوچه های شهپاز و سیمرخ و کرکس را انگلیسها بهندوستان میبرند و چون این ناوچه ها فاقد وسائل یدکی بودند ناوچه کرکس را متلاشی نموده بمصرف تعمیر دو ناوچه دیگر میرسانند و حوض شناور را هم برای احتیاجات خودشان بسواحل افریقا انتقال میدهند .

پس نخستین قربانی ایران بیطرف در جنگ جهانی دوم نیروی دریائی جوان آن بود که در نتیجه حمله ناگهانی قوای مهاجم در جنوب و شمال نابود گردید .



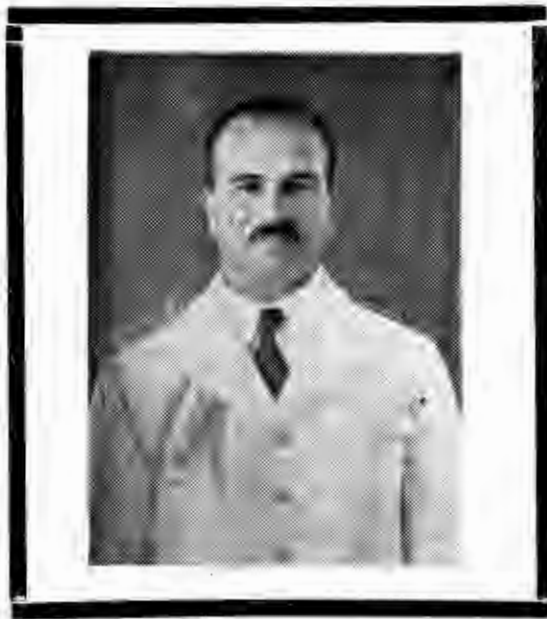
آزمگاه مرحوم دریادار بایندر که توسط انگلیسها ساخته شده بود

صدور دستور ترك مقاومت از طرف دولت جدید

مرحوم محمد علی فروغی (ذکاء الملك) که پس از استعفای آقای
علی منصور روز پنجم شهریور به نخست وزیری تعیین شده بود روز ششم
دولت جدید را به مجلس شورای ملی معرفی و در طی نطق مختصری
باطلاع نمایندگان رسانید که چون دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار

صلح و مسالمت میباشند، برای اینکه این نیت را به کاملاً برپایان
مکشوف گردد در این موقع که از جانب دولتی انگلیس و شوروی اقدام
بعملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و مسالمت گردد دولت
به پیروی از همان نیت صلح جویانه هم اکنون به قوای نظامی کشور
دستور میدهد که از هر گونه عملیات متقابل و ابراز مقاومت خود داری
نمایند تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود و آسایش عمومی
برقرار گردد. پس از تأیید این نظریه دولت از طرف مجلس شورای ملی
از همان روز ششم شهریور مذاکرات و مکاتباتی بین دولت جدید و
سفارتخانه های انگلیس و روس بعمل آمد و روز ۱۷ شهریور مرحوم
فروغی با اتفاق آقای سهیلی وزیر خارجه در مجلس شورای ملی حضور
یافتند و وزیر خارجه نظر دولت را که بسفرای انگلیس و روس اعلام
شده بود بشرح زیر باستحضار نمایندگان رسانیدند :

«دولت ایران با رعایت سیاست بی طرفی پیوسته کوشش داشته است
مناسبات دوستانه خود را باتمام دول بویژه دول همسایه محفوظ دارد .
در این موقع که نیروی نظامی دولتین وارد خاک ایران شده اند دولت
ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات مبادرت بجنگ نمود .
با اینکه قوای دولتین اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و
پادگان های ایران هم در شهرستانها در مقابل حمله ای که بآنها شده
است طبعاً از خود دفاع و ناگزیر ابراز مقاومت نموده اند با اینحال
دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت نموده از هر گونه
اقدامی خودداری کنند . انتظار دارد قوای دولتین هم پیشروی خود را



مرحوم دریادار غلامعلی بایندرمدت ده سال از بهترین اوقات جوانی خود برای خدمت بمیهن در خلیج فارس مجاهدت نمود و عاقبت هم جان خویش را در این راه نثار کرد . فقدان این افسر لایق و شرافتمند ضایعه بزرگی برای نیروی دریائی ایران بود



بنای جدیدی که افسران نیروی دریائی جنوب پیاس احترام فرمانده فقید خود بر روی مزار او برپا ساخته اند

متوقف ساخته و عملیات جنگی را متروک دارند »

سپس جواب های دولتین شوروی و انگلیس را هم باستحضار نمایندگان رسانیدند که نکات برجسته این جواب ها بقرار زیر بود :

۱ - دولت ایران باید امر کند که واحدهای ارتش بدون ابراز مقاومت بیشتری از شمال و مشرق خطی که از خاقین - کرمانشاه - خرم آباد - مسجد سلیمان - هفتگل - گچساران و از آنجا به بندر دیلم در خلیج فارس منتهی میشود عقب نشینی کنند .

در طرف شمال هم نیروی ایران از اشنویه - حیدرآباد - میاندوب - زنجان - قزوین - خرم آباد - بابل - زیراب - سمنان - شاهرود - علی آباد عقب نشینی نمایند .

این نقاط موقتاً در جنوب بوسیله ارتش انگلیس و در شمال توسط ارتش شوروی اشغال میگردد .

۲ - دولت ایران باید در ظرف يك هفته کلیه اتباع آلمان را باستثنای اعضاء حقیقی سفارت آلمان و چند تن از اشخاص فنی (تکنیسین) که مشاغل آنها مربوط بوسائل ارتباطی یا موسساتی که جنبه نظامی دارند نباشد از ایران خارج نمایند .

صورت اسامی آلمانیهای که در ایران خواهند ماند و از آن جمله کارمندان سفارت آلمان است باید باموافقت سفارتین شوروی و انگلیس در تهران تنظیم بشود .

۳ - دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی که شامل مهمات و ادوات جنگی خواهد شد و از وسط خاک ایران بین نیروهای انگلیس و شوروی بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه وسائل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که از جاده ها و راه آهن یا از طریق هوا

صورت میگیرد فراهم سازم.

۴- در مقابل دولتین انگلیس و شوروی نسبت بامور ذیل موافقت خود را اعلام میدارند :

آ- حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کما فی السابق بپردازند.

ب- وسائل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم سازند.

ج- پیشروی زیاده‌تر نیروهای خود را متوقف ساخته و بمحض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.

۵- علاوه بر اینها دولت ایران باید تعهد نماید که بیطرفی خود را ادامه داده و به هیچ‌گونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس و شوروی باشد در مبارزه‌ای که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است مبادرت نکند.

موضوع دیگری که سفرای روس و انگلیس بعداً از دولت ایران تقاضا کردند این بود که کلیه اتباع آلمانی را بقوای انگلیس یا شوروی تحویل دهند و زیر نظر قوای این دو دولت از ایران خارج گردند.

راجع بقسمتی از مسائل فوق نامه‌های زیادی بین وزارت خارجه ایران و سفارتخانه‌های انگلیس و شوروی مبادله شده است که ذکر تمام آنها خارج از موضوع بحث میباشد.

کناره‌گیری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی از سلطنت
روز ۲۵ شهر یورمرحوم فروغی در مجلس شورای ملی حضوریافت
و موضوع استعفای اعلیحضرت فقید را بشرح زیر باطلاع نمایندگان
رسانید :

«یکی از مهم‌ترین امور قضایائی را که واقع شده است باید بعرض

مجلس شورای ملی و اطلاع عموم ملت ایران برسانم . این قضیه طوری
بسرعت انجام یافته که هیچ مجال پیدا نکرده‌ام در این باره فکری بکنم
یا بیاناتی که در اینجا میکنم بصورت مرتب باشد . از این جهت معذرت
میخواهم و آن این است که اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بموجباتی که حالا
خواهم گفت اراده کرده‌اند از سلطنت کناره کنند و امر سلطنت را بجانشین
قانونی خودشان تفویض فرمایند . ایشان استعفا نامه‌ای نوشته‌اند و والا حضرت
همایون ولایت عهد هم زمام امور را بدست گرفته‌اند . استعفا نامه ایشان
بدینقرار است :

« نظر باینکه همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور
کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس میکنم اینک وقت آن رسیده است که
قوه و بنیه جوان تری بکار کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که
اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد . بنابراین امور سلطنت را بولیعهد
و جانشین خود تفویض و از کار کناره نمودم .

از امروز که ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری
ولشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید بسلطنت بشناسند و آنچه از
پروای مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظور دارند .
کاخ مرمر - تهران ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ رضاشاه

اجمالی از وقایع بعد از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰.

اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی بعد از استعفای پدر تاجدار
خویش بموجب اصل سی و هشتم قانون اساسی بسلطنت ایران جلوس فرمودند و
در سخت ترین و خطرناکترین موقع زمام امور کشور را بدست گرفتند
در بهمن ماه ۱۳۲۰ پیمان اتحاد سه گانه‌ای بین دولتین ایران و

انگلیس و شوروی منعقد گردید که مطابق فصل اول آن دولت انگلستان و دولت شوروی مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد نمودند تمامیت خاک و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بشمارند . بموجب فصل پنجم این پیمان هر دو دولت نامبرده متعهد شدند پس از اینکه کلیه خصامات بین دول متحده با دولت آلمان و شرکای او بموجب یک یا چند قرار داد متارکه جنگ متوقف شود، دول متحده در مدتی که از شش ماه تجاوز نکند قوای خود را از خاک ایران بیرون ببرند و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولو اینکه قبل از شش ماه معینه در مورد متارکه باشد بلافاصله قوای خود را از خاک ایران خارج نمایند .

در ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ دولت ایران در اثر پیوستن به متفقین بدوات آلمان اعلان جنگ نمود و در ۲۲ همان ماه دولت ایران رسماً به اعلامیه ملل متحد ملحق شد .

کنفرانس تهران و اعلامیه سران سه دولت راجع بایران در آذر ماه ۱۳۲۲ کشور ایران ناظر یکی از مهم ترین وقایع جنگ جهانی دوم شد . چه در این موقع بود که سران سه دولت بزرگ دنیا تصمیم گرفتند برای تامین پیروزی نهائی و بی ریزی صلح آینده یک مرتبه دیگر دورهم جمع بشوند .

مناسب ترین محل برای این تجمع شهر تهران بنظر رسید . در اجرای این منظور آقایان روزولت و مارشال استالین و وینستون چرچیل با جمعی از رجال و فرماندهان کشورهای خودشان به تهران آمدند و کنفرانس مورد نظر را در پایتخت ایران تشکیل دادند .

چون جریان این کنفرانس و گفتگوها و دید و بازدیدهایی که بین ایشان و اعلیحضرت همایونی و نخست وزیر و وزیر خارجه ایران بعمل

آمده در پایان کنفرانس در نشریه وزارت امور خارجه طبع و توزیع شده است از اینرو تکرار آنرا لازم نمیدانیم. فقط اعلامیه سران سه دولت بزرگ را در مورد ایران نظر با اهمیت تاریخی آن در اینجا عیناً نقل می‌کنیم.

اعلامیه سران سه دولت راجع بایران

مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ - نهم آذرماه ۱۳۲۲

رئیس‌جمهوری کشورهای متحده امریکا - نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست‌وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع بمناسبات خود با ایران اعلام دارند.

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمک‌هایی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترك و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسائل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار با اتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که بادر نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگ جهانی بر آنها تحمیل میکند و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمک‌های اقتصادی خود را تا حد امکان بدولت ایران ادامه بدهند.

با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات، ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین‌المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی بین‌المللی تشکیل و یا ایجاد

شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.
دولت‌های کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک
متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با
دولت ایران اتفاق نظر دارند و به‌مشارکت ایران با سایر ملل صاحب‌دست
در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول
منشور اتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.
امضاء: وینستون چرچیل - ژ. و. استالین - فرانکلین د. روزولت

پل پیروزی

از اواخر سال ۱۳۲۰ عرصه خلیج فارس معرض فعالیت عجیبی واقع
شد که در طول تاریخ زندگانی آن چنین فعالیتی دیده نشده بود. این
دریای کوچک از لحاظ رفت و آمد هزاران کشتی اقیانوس پیما که از
امریکا و انگلستان اسلحه و وسائل برای روسیه حمل می‌کردند اهمیت
فوق‌العاده‌ای کسب نمود. چه تمام این کشتی‌ها بایستی در بنادر ایران
بار اندازی نموده و محمولات آن‌ها بوسیله راه آهن سرتاسری و یا کامیون‌ها
از جاده‌های ایران به مقصد روسیه حمل شوند.

وینستون چرچیل در خاطرات جنگ جهانی دوم راجع با اهمیت
این موضوع این‌طور اشاره می‌کند:

« ایجاد يك راه اصلی برای رسانیدن مهمات بروسیه از طریق خلیج
فارس مقصود اولیه ما گردید. در هر حال با برقراری حکومت موافق در
تهران تأسیسات بنادر خلیج فارس توسعه یافت، کشتیرانی در رودخانه‌ها
بسط پیدا کرد، جاده‌های چندی ساخته شد و راه آهن ایران از نو مرمت
گردید.

اقدامات فوق در سپتامبر ۱۹۴۱ آغاز و از طرف نیروی انگلیس توسعه یافت و بعد از طرف دولت امریکا تکمیل گردید. بدین ترتیب ما قادر شدیم در مدت چهار سال و نیم مقدار پنج میلیون تن مهمات و ادوات جنگی بروسیه برسانیم.»

لازم بذکر نیست که انجام این کار خطیر بكم و مجاهدت‌ده‌ها هزار نفر کارمندان و کارگران ایرانی مؤسسات بندری و خط آهن و بنگاه‌های راه‌سازی مقدور شد و اهمیت این كم و همکاری از لحاظ موفقیت نهائی متفقین بحدی بود که سران سه دولت بزرگ آمریکا و شوروی و انگلستان در اعلامیه خود رسماً قدر دانی نمودند و براه آهن ایران «پل پیروزی» لقب دادند.

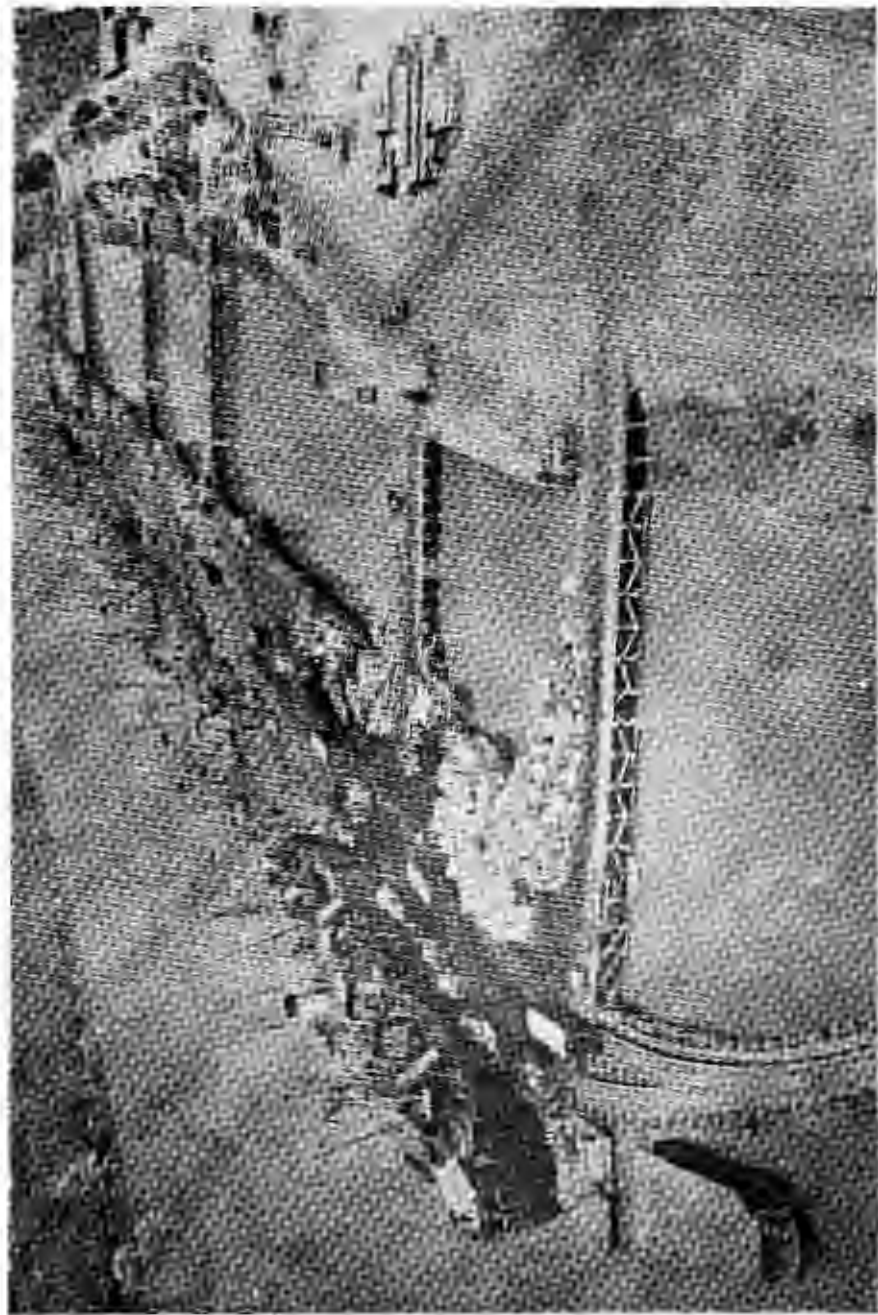
البته باید در نظر داشت که در پایان کار بواسطه همین فعالیت شبانه روزی، راه آهن ایران از حیث فرسودگی ریل‌ها و واگونها و لکوموتیوها قدرت کار خود را از دست داد و بتعمیرات اساسی احتیاج پیدا کرد که بعلمت مشکلات اقتصادی و سیاسی انجام این تعمیرات هنوز هم بطوری که باید مقدور نشده است.

کارخانجات اسلحه‌سازی تهران هم متجاوز از سه سال مشغول تهیه تفنگ و مسلسل برای دولت شوروی شدند و در نتیجه این کارتمادی قسمتی از وسائل و ماشین آلات آنها بکلی فرسوده شد.

خلاصه در طی جنگ جهانی دوم مانند جنگ جهانی اول خسارات و ضایعات مادی و معنوی فوق‌العاده‌ای بایران وارد آمد که این مختصر گنجایش شرح و بسط آنها را ندارد.

زیرا گذشته از نابودی نیروی دریایی - پراکندگی قوای انتظامی

و خرابی اغلب اماکن و سربازخانه‌های ارتش و ژاندارمری و از بین رفتن قسمت مهمی از اسلحه نو و دست نخورده و سایر وسائل نظامی - فرسودگی راه آهن و کارخانجات اسلحه سازی - اختلال اوضاع اقتصادی و اجتماعی و ترقی سرسام آور ارزش‌زدگانی و کم‌یابی ارزاق در اثر اشغال کشور توسط نیروهای نظامی انگلیس و شوروی و امریکا - تبعید و حبس جمعی از رجال کشوری و لشکری ما با اتهام همکاری با آلمانها و غیره و غیره در پایان این جنگ وقایع خطیر و ناگواری در منطقه آذربایجان و کردستان رخ نمود و بعد بمنطقه فارس انعکاس یافت که تفصیل آن خود محتاج بکتاب جداگانه‌ای است .



عکس هوایی بندر خرمشهر در آغاز جنگ جهانی دوم

بخش یازدهم

اوضاع اقتصادی و اجتماعی خلیج فارس

آب و هوا

هوای خلیج فارس با اینکه چندان معتدل و مطلوب نیست ولی بآن اندازه‌ای هم که بیجهت شهرت یافته ناسالم و ناسازگار نمی‌باشد. زیرا در سواحل ایران از اواخر ماه دوم پائیز تا ماه اول بهار خنکی و خشکی هوا دلپذیر و بمراتب بهتر از سواحل هندوستان است.

از ماه دوم بهار گرما شروع میشود و تا پایان ماه اول پائیز ادامه دارد و در مرداد ماه به منتهای شدت می‌رسد و میزان حرارت در برخی نقاط در سایه تا ۵۰ و در آفتاب تا ۶۵ درجه بالا میرود و چون در مرداد شب‌ها هم خیلی گرم میشود از اینرو اگر وسائل جدید زندگانی مانند بادبزن برقی، کولر و یخچال نباشد تحمل گرما خیلی سخت و ناگوار است. در دو ماه اول زمستان بعثت شروع بارندگی‌ها و بادها هوا رو سردی میرود و در بعضی نواحی حتی ممکن است محتاج بآتش بشوند.

آب خلیج فارس با مقایسه با آب سایر دریاهای داخل خشکی زیاد شور نیست و در فصل تابستان در حوالی مصب رودخانه‌های بزرگ حتی کمی شیرین میشود. چه از يك طرف رودخانه‌های پهناوری مانند دجله و فرات و کارون و کرخه مقدار معتنايی آب شیرین باین دریا میریزند و

از طرف دیگر امواج اقیانوس هم بعلت تنگی بتری مانند دهانه خلیج زیاد بدخل آن راه نمی‌بایند.

اروپاییانی که با گرمای زننده و مرطوب نواحی هندوستان سر و کار داشته‌اند و در خلیج فارس هم مدتی اقامت کرده‌اند همه معتقدند که هوای خلیج مخصوصاً در سواحل ایران برای زندگانی خیلی بهتر و سالم‌تر از هندوستان است. در هر نقطه‌ای از سواحل ایران که مؤسسات آن مجهز بوسائل جدید باشند کارمندان و کارگران آنها بر راحتی زندگانی و انجام وظیفه می‌کنند و بهترین مثال در این مورد مؤسسات شرکت ملی نفت است. گذشته از اینها بطوری که در بخشهای پیش دیدیم در بنادر و سواحل ایران با فقدان وسایل امروزی سالیان دراز ده‌ها هزار نفر مشغول فعالیت تجارتي و اقتصادی بوده‌اند و بهمین دلیل کاسته شدن سکنه این نواحی از دو قرن باینطرف بهیچوجه مربوط به بدی و ناسازگاری آب و هوا نمی‌باشد بلکه علل دیگری دارد که باید مورد بررسی واقع شود.

منابع ثروت

اولین و مهمترین منابع ثروت خلیج همانا نفت
نفت است. چه مطابق تجسسهای علمی و اکتشافات و عملیات استخراجی محرز شده است که معادن عمده نفت دنیا در قسمتی از خاور میانه متمرکز هستند و این قسمت بیشتر شامل کشورهای ایران و عراق و عربستان سعودی میشود. در عین حال ثابت شده است که رشته‌ای از این معادن مخصوصاً در حواشی خلیج فارس و دریای عمان و جزائرو حتی برخی از نواحی کف دریایی این منطقه واقع می‌باشند. معادن نفت خوزستان تا عکران و جزایر قشم- هنگام

هرمز - هندورابی - کیش - شیخ شعیب - خارک و خارکو - و مجمع الجزایر
فارسی و عربی و بحرین و همچنین معادن نفت بصره - کویت - الحساء -
قطر - بوظی - دوی - شارجه و غیره در ساحل جنوبی خلیج از اینجمله
بشمار می آیند .

برای اینکه خوانندگان گرامی با اهمیت ذخائر نفت خاور میانه
پی ببرند تذکر می شویم که مطابق گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۵۳
محصول معادن نفت قسمتی از خاور میانه که تاکنون بهره برداری شده
به ۱۲۰۷۰۰۰۰۰ تن بالغ گردیده در حالی که محصول معادن نفت ایران
بماخذ سال ۱۹۵۰ یعنی ۳۲۰۰۰۰۰۰ تن بعلت تعطیل کار جزو محصول
نفت خاور میانه بر آور نشده است .

با این زمینه میتوان پیش بینی کرد که اگر تمام معادن نفت خاور
میانه مورد بهره برداری واقع شود ممکن است بیش از نصف محصول
نفت خام جهان را تامین نماید، بخصوص که ذخائر نفت کشف شده خاور
میانه راتهاشت میلیارد تن تخمین میزنند . البته کشور ایران هم که در سال
۱۹۵۰ چهل و پنج درصد محصول خاور میانه را میداده و از این جهت مقام
اول را حائز بوده در این قسمت هم سهم بسزایی خواهد داشت .

از طرف دیگر با رساله ها و احصائیه های دقیقی که از مدتی باین
طرف راجع بنفت انتشار مییابد برهیچکس پوشیده نیست که امروز نفت
یکی از ضروریات حتمی زندگانی عادی و اقتصادی ملل میباشد . چنانکه
در کشور های صنعتی به تفاوت از ۵۰ تا ۷۰ درصد قوه تولیدی آنها
بوسیله نفت حاصل میشود و مصرف سالیانه نفت جهان (سوی کشور های
پشت پرده آهین) در حدود هفت میلیارد تن است . بنا بر این اگر هم فرض

شود استفاده از انرژی اتمی در عالم صنعت رواج پیدا کند ، ارزش نفت هرگز از بین نخواهد رفت ، همانطوری که نفت هنوز نتوانسته است کاملاً جانشین ذغال سنگ بشود .

بعلاوه مطابق تحقیقات محافل اقتصادی ذخیره فعلی بزرگترین کشور های مولد نفت یعنی امریکا فقط برای مدت ده سال دیگر کفاف احتیاجات روزافزون آن کشور را خواهد داد . چه در حال حاضر بیش از هفتاد درصد وسائط موتوری دنیا در آنجا تمرکز یافته و سه چهارم مصرف بنزین جهان باین کشور اختصاص دارد !

اما از لحاظ مصرف نظامی نفت ، تجربیات جنگهای اول و دوم جهانی ثابت نمود که قدرت و توانایی ملل مبارز بر روی نفت قرار داشت . اگر در پایان جنگ جهانی اول لرزندگان معتقد بودند که «متفقین بر روی موج نفت توانستند به فتح و ظفر نائل گردند» با ترقی و توسعه شگفت آور صنایع و وسائل موتوری جنگ از زمان کرزن باینطرف ، در آینده باید «بر روی دریای نفت» امید کامیابی داشت و بس !

پس جای هیچ گفتگو نیست که احتیاج ملل به نفت و جهد و کوشش آنان برای دست یافتن بمنابع این طلای سیاه چه در خشکی و چه در کف دریاهای روز بروز زیاده تر خواهد شد و نیز تردیدی نیست که در منطقه خاور میانه و بخصوص خلیج فارس میدان رقابت شرکت های بزرگ نفت دائماً رو به توسعه خواهد رفت و در این میانه کشور ایران هدف عمده این رقابت ها خواهد شد . زیرا از یکطرف هنوز ذخائر معتنا بیهی از این طلای سیاه در غالب نقاط آن نهفته و دست نخورده مانده است و از طرف دیگر بنا بر گواهی محافل اقتصادی دنیا آن قسمت از معادن ایران که تاکنون بهره برداری شده از حیث کمی عمق چاهها و فراوانی ذخیره آنها و

سهولت فنی استخراج با فشار گاز و ارزانی هزینه و دستمزد و بالاتر از همه مرغوبی محصول و اطمینانی که برای امکان استعمال نفت ایران در کلیه صنایع بدست آمده، در نظر اهل فن و صاحبان صنایع امتیاز خاصی دارد. با اینمقدمه مختصر وظیفه هر ایرانی میهن پرست است که از روی عقل و واقع بینی و هوشیاری از اینگونه رقابتها بنفع کشور خود حد اکثر استفاده را بنماید و کوشش کند که این منابع ثروت خدا دادی بیش از پیش برای سعادت و نیک بختی ایران و ایرانی استخراج و به مصرف برسد. موضوع مهم دیگری که در پایان این قسمت باید مورد توجه قرار دهیم این است که خلیج فارس از لحاظ استخراج معادن کف دریائی امتیاز خاصی دارد و آن عبارت از کمی عمق آب آنست. زیرا تقریباً در سه چهارم سطح خلیج عمق آب کمتر از ۳۶ متر و در یک چهارم دیگر عموماً به ۷۳ متر میرسد و حد اکثر از ۹۲ متر تجاوز نمی کند و با وسائل فنی امروزه عملیات استخراجی در این عمق ناچیز باسانی انجام پذیر است بخصوص که قانون «فلات قاره» *م تا حدودی را شامل میشود که عمق دریا کمتر از ۲۰۰ متر باشد (۱)

چون در اینجا به قانون «فلات قاره» اشاره شد برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی از یادآوری این مطلب ناگزیریم که پیشرفت علوم و صنایع و اختراعات نوبه به نو موضوع استخراج و بهره برداری از منابع کف دریائی را به مرحله عمل در آورده است. بهمین واسطه در سالهای اخیر کشورهایائی که تمام یا قسمتی از خاک آنها محدود بدریا میشود حق حاکمیت و نظارت خویش را نسبت بمنابع موجود در کف دریا تحت عنوان «فلات

(۱) مجموع مساحت خلیج فارس ۹۷۰۰۰ میل مربع و طول آن از دهانه کارون تا ساحل عمان ۵۰۰ میل و عرض آن باختلاف از ۱۸۰ تا ۲۹ میل در تنگه هرمز است و این تنگه باریک ترین نقاط خلیج میباشد.

قاره « اعلام کرده اند . از طرف دیگر چون این موضوع با حقوق بین الملل تماس پیدا میکرد پس از تشکیل سازمان ملل با آنجا مراجعه و در کمیسیون حقوق بین الملل آن سازمان مورد بررسی واقع شده است . این کمیسیون پس از مطالعات لازم در سال ۱۹۴۹ طرحی منتهی به چهار ماده تهیه و بدول عضو سازمان اعلام نمود تا هر نظری در این باب دارند بکمیسیون اطلاع دهند که پس از تکمیل بسازمان ملل تقدیم شود .

سوابق این امر در ایران از قانون ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ شروع میشود که مطابق آن حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران در دریاهای جنوب و شمال رسماً اعلام گردیده و آبهای ساحلی جزایر ایران هم تابع همین قانون شده است .

با اینکه در سال ۱۳۲۸ نسبت به حق حاکمیت ایران در استخراج و بهره برداری از منابع کف دریائی از طرف دولت طرحی بعنوان قانون « فلات قاره » تنظیم و در دوره پانزدهم قانون گذاری تقدیم مجلس شورای ملی گردید ، چون تشریفات قانونی آن خاتمه نیافت در دوره هفدهم قانون گذاری این طرح تکمیل و در ۱۳۳۱ دوباره تقدیم مجلس گردید و در آن دوره هم فرصت تصویب قطعی آن پیدا نشد . امید است که این طرح قانونی با توجه به تحولات جدید هر چه زودتر به تصویب مجلسین برسد و منابع کف دریائی ایران در شمال و جنوب از دستبرد دیگران محفوظ ماند . (۱)

از منابع ثروت شایان توجه خلیج یکی

مروارید و صدف

هم مروارید است و نوع آن بخصوص در اطراف

و مرجان

جزایر بحرین بهترین مروارید دنیا شناخته شده

است . بنابر تشخیص خبرگان محصول مروارید اطراف جزایر اندونیزی

(۱) در موقع طبع کتاب خوشبختانه اطلاع حاصل شد که قانون « فلات

قاره » اخیراً از تصویب مجلس سنا گذشته است .

وسیلان یا خلیج مکزیك هرگز بغوبی و مرغوبی خلیج فارس نبوده است
 گرچه رشته برجستگی های زیر دریائی یا «هیارات» که محل نشو
 و نمای صدفهای مخصوص مروارید است در کناره جنوبی خلیج یعنی
 از پیش آمدگی عمان تا حدود کویت امتداد دارد ولی در هیارات اطراف
 جزیره کیش و بندر لنگه و سایر بنادر شیب کوه صدفهای مروارید موجود
 است و محصول آنها بیشتر در جزیره کیش و بندر لنگه خرید و فروش میشود.
 در کناره برخی از جزائر مانند خارك ، شعيب ، فرور ، ابو موسی و تنب
 صدفهای ممتازی صید میکنند که برای ساختن دکمه و سایر اشیاء زینتی
 بخارج حمل میشود . چند سال پیش که یکی از مهندسين آلمانی این قبیل
 صدفها را در خلیج دیده و زیبائی رنگ و نقش و نگار داخل آنها را امتحان
 کرده بود معتقد بود چنانچه کارخانه کوچکی در جزیره خارك یا جزیره
 کیش نصب نمایند از همین صدفهای ممتاز که امروز بقیمت خیلی نازل
 بخارج فرستاده میشود میتوانند دکمه و انواع اشیاء زینتی تهیه و هم
 احتیاجات داخله را تامین و هم بخارج صادر نمایند.

گرچه در سالهای اخیر بعالت رواج مروارید کشت مصنوعی ژاپون
 از رونق بازار این گوهر گران بها قدری کاسته شده ولی مروارید
 هنوز یکی از نفایس کالاهای صادراتی خلیج بشمار میآید و جمعیت
 زیادی از بومیان از همین مرمعاش خود را تأمین میکنند و برای صید
 مروارید متحمل خطر ورنج بسیار میشوند (۱)

۱ - از اواخر اردیبهشت ماه تا پایان مهر ماه چند هزار نفر از
 غواصان بومی در کرانه های جنوبی و شمالی خلیج از سپیده دم تا شامگاه
 در آب دریا غوطه خورده و با زحمت زیاد خود را بکف هیارات میرسانند
 تا صدفهای بچنگ آورند و دل آنها را بشکافند و دانه های مروارید را
 بقیه در صفحه ۱۴۴

انواع ماهی ها و خلیج فارس از لحاظ داشتن اقسام ماهی ها و جانوران دریائی در ردیف غنی ترین دریا های جهان بشمار میرود و از این حیث منبع ثروت سرشاری دارد. در سال ۱۳۱۶ که يك پرفسور دانمارکی برای مطالعه صید ماهی بخلیج آمده بود در مدت کمی بیش از صد رقم ماهی صید و خشك كرد و بعقیده او بعضی از این ماهیها از حیث لذیذ بودن گوشتشان در دریاهای دیگر بندرت یافت میشوند. ضمناً اظهار میکرد که بعلت کم یابی روغن زیتون و اشكال تهیه جعبه های حلیبی مخصوص در ایران بیشتر صادرات ماهی خلیج بایستی بحال یخ زده و دودی باشد و افسوس میخورد چطور تا بحال از این منبع ثروت بطوری که باید استفاده نشده است.

علاوه بر ماهی ساردین (حشینه - ممانخ) و سُل و تُن که بمقدار زیادی در خلیج موجود و بطور کنسرو صادر میگردد - انواع ماهی های حلوا - راشگو - شیر ماهی - گواف - غباد - سنك سر - خیاری - سرخو - سباح - شتوت - شوریده - كوشك - مسیر - بنت ناخدا - صافی - رزم كوسه و غیره موجود است که مردم بومی آنها را بخوبی می شناسند.

بقیه پاورقی از صفحه ۱۴۳

را بیرون بیاورند و ایشکار اغلب به قیمت جان ایشان تمام میشود. چه کسانی که از دست جانوران دریائی جان بدر میبرند در اثر دشواری کار و رنج بسیار به بیماریهای مختلفی دچار میگردند که غالباً ناتوانشان می کند. در مقابل تمام این مخاطرات و مشقات جز قوت لایموت خود چیزی بدست نمیآورند در حالی که دلال و تاجر مروارید بدون هیچگونه زحمت و خطری از دست رنج این زحمت کشان بسود فراوان میرسند و اغلب در يك دادوستد بروت شایانی نصیب ایشان میشود.

اگر در یکی از بنادر یا جزائر مناسب برای اینکار کارخانه شیلات تأسیس گردد از محصول سرشار آن عایدات مهمی برای کشور تهیه خواهد شد. بخصوص که نوعی از این ماهیها روغن گران بهائی دارد که مورد استفاده صنعتی است. (۱)

از جانوران دریائی از میگو و پرشك و لانگوست گرفته تا اقسام

۱ - يك نوع ماهی بزرگ و قطوری در اواخر زمستان برای تخم ریزی از اقیانوس بیاب هر زمیآید و بومیان این ماهی را بنام «کولی ماهی» یا «ماهی کر» میخوانند. این ماهی معمولاً در عمق چهار متر خیلی بکندی حرکت میکند و گاه بگاه روی آب می آید و عبور کشتی از نزدیکترین فاصله اعتناء و توجهی ندارد و شاید بهمین مناسبت آنرا «ماهی کر» مینامند. برای صید این ماهی چند نفر از صیادان ماهر و جسور با کرجی بزرگی بمحل سیر و گشت این حیوان میروند و اگر آب دریا صاف و آرام باشد از مسافت دور لکه سیاه بزرگی توجه دیدبان کرجی را که در بالای دگل مراقب میباشد جلب می کند .

وقتی که کرجی بنزدیکی این ماهی رسید . یکی از صیادان جسور قلاب آهنی نوک تیز و سنگینی را با خود برداشته بطرف سر ماهی شنا میکند و قلاب را بدهان ماهی می اندازد و بسرعت دور میشود . همین که قلاب در دهان ماهی جا گرفت حیوان تازه متوجه خطر میشود و بر سرعت خود می افزاید . صیادان طناب قلاب را بمقدار زیادی آزاد میگذارند و ماهی این قدر کرجی را بدنبال خود میکشد تا در اثر خونریزی و خستگی و امانده میشود. آنوقت صیادان ماهی را بدنبال کرجی می کشند تا بساحل برسند .

در ساحل جمعیت دیگری به ایشان ملحق شده ماهی نیمه جان را

بقیه در صفحه ۱۴۶

خرچنگ‌ها و لاک پشته‌های بزرگ دریائی مخصوصاً در جزیره خارکو و در اطراف بعضی از جزائر و سواحل خلیج بسیار فراوان و گوشت اغلب آنها مطلوب اروپائیان است. بعلاوه جلد لاک پشته‌های بزرگ هم از نظر صادرات خریدار دارد.

کارخانه کنسروسازی بندرعباس بعلت کم‌یابی و گرانی قیمت روغن زیتون در آن نواحی و اشکال تهیه جعبه‌های حلبی مرغوب چندی است دچار تعطیل شده زیرا محصول آن گران تمام میشود و صرف نمی‌کند. در این کارخانه کوت شیمیائی و روغن نیز تهیه میشود.

چون خوراک مردم این نواحی و حتی ایشام آنها از گوشت ماهی است و همه عادت بصید ماهی دارند ایجاد کارخانه شیلات از لحاظ تهیه کار و جلب مردمی که در اثر گرسنگی و بیکاری جلای وطن کرده‌اند بسیار مفید و ضروری است و از محل عایدات همین قبیل کارخانجات میتوان بادی و عمران این نواحی کمک نمود.

خاك سرخ خاك سرخ نوعی از « اوکسید آهن » طبیعی است که در جزائر هرمز و قشم و لارک و ابوموسی بمقدار

بقیه از صفحه ۱۴۵

بزرگت زیاد بساحل مبکشانند و با اصطلاح بومیان جگر اورا بیرون می‌آورند و روغن محتوی آنرا خارج میکنند.

مقدار این روغن خیلی زیاد و اغلب تا بیست هزار ریال بفروش می‌رسد و تجار این روغن را برای مصرف صنعتی و خوراکی صادر میکنند. گوشت این ماهی را بومیان می‌خورند اما باندازه ای زیاد و فراوان است که قسمتی از آن باقی مانده فاسد میشود. طول این ماهی اغلب تا ۱۵ متر میرسد و اگر با اصول جدیدی تعداد زیادی از این ماهیها صید شود از لحاظ روغن و گوشت آن صادرات خوبی خواهد داشت.

زیاد موجود و در بعضی از نقاط ساحلی و جزائر دیگر هم کم و بیش یافت میشود. خاک سرخ جزیره هرمز از همه بهتر و میزان استخراج آن در این اواخر سالیانه به ده هزار تن میرسیده و بیشتر بانگلستان و بعد آلمان و آمریکا و هندوستان صادر میشده و از قرار معلوم فعلا معدن خاک سرخ هرمز در دست دولت است و اگر با اصول صحیح و مرتبی استخراج گردد صادرات بیشتری خواهد داشت.

گوگرد و زرنیخ
از معادن شایان توجه سواحل خلیج فارس و دریای عمان معدن گوگرد و زرنیخ است که بیشتر در حوالی بنادر چارک و بستانه و جاسک و چاه بهار واقع میباشند و بطوریکه گفته میشود فعلا در کوه نمکی نزدیک چارک شرکت سهامی «سیمین» و در کوه نمکی نزدیک بستانه شرکت «بستانه با مسئولیت محدود» در صدد استخراج و صادر کردن آن هستند و اگر تمام این معادن بمعرض بهره برداری درآید یک رقم صادراتی خوبی برای کشور تهیه خواهد شد. از معادن بزرگ نمک که در حوالی بنادر چارک نمک.

و بستانه و جاسک و چاه بهار بر روی هم تل شده است نمیتوان چشم پوشید زیرا یکی از خریداران عمده نمک ایران کشور ژاپون است که مصرف سالیانه آن به ۱۷۰۰۰۰۰ تن بالغ میشود و امروز مقداری از نمک مورد احتیاج خود را از عدن، هند، سیام، اندونزی، سومالی، و حتی مکزیک خریداری و حمل مینماید. در صورتیکه اگر معادن سواحل ایران بصورت مرتبی بهره برداری و حمل نمک تاکشتی بطور سریع و مطمئن انجام شود بعلمت نزدیکی این سواحل بکراچی یعنی مرکز رفت و آمد کشتیهای تجارتی ژاپون، صرفه آنها در این است

که تمام مقدار نمک سالیانه خویش را از ایران خریداری و مخصوصاً بعلت کوتاهی راه از معدن چاه بهار حمل نمایند زیرا این معدن بیش از ۵۰ متر از دریا دور نیست و جنس نمک آن هم خیلی خوب و با قرائنی که در دست است سابقاً هم خارجی‌ها از این معدن استفاده کرده‌اند .

از این جهت ایجاد راه کناره در توسعه و تسهیل بهره برداری نمک هم که امروز بعلت نبودن راه و وسائل حمل بطور جزئی استخراج میشود بسیار مؤثر خواهد بود .

بعلاوه در اغلب جزائر ایران هم نمک یافت میشود از جمله جزیره هرمز و قشم است که محصول معدن معروف « نمکدان » در جزیره اخیر از نوع نمک بلوری و ممتاز است .

معادن مهم دیگری که بیشتر آنها در ساحل مکران و برخی در کناره خلیج تاجیک کشف شده عبارت از مس، سرب، قلع، کالر، مانگانز، کرومیت، کاولن، زاج، سیلینیوم، جیوه، فیروزه و احتمالاً طلا و نقره است که فقط بعضی آنها بطور جزئی استخراج شده و میشود و قسمت عمده هنوز در زیر زمین مدفون مانده‌اند .

محصولات
يك رقم از محصولات پر منفعت سواحل و برخی از جزائر خلیج عبارت از انواع مختلف خرماس است که بعضی از آنها از حیث شهد و لذت شهرت جهانی دارد. گرچه صادرات خرمای ایران شایان توجه است اما چون دریکه چینی و بسته بندی آن بطوری که مورد پسند بازارهای اروپائی باشد رعایت دقت و پاکیزگی نمیشود از اینرو مثل خرمای سایر کشورهای صادر کننده خریدار ندارد .

راهنمایی بازرگانان برعایت سلیقه و ذوق خریداران اروپائی بلا شك بر

میزان صادرات خرمای ایران خواهد افزود (۱). از نوع مرکبات این حدود نازنگی ولیموترش بهتر از همه است و امروز هم صادراتی دارد و اگر در اصلاح جنس و توسعه باغات آنها با اصول کشاورزی جدید اقدام شود و همچنین دریکه چینی و بسته بندی محصول صادراتی دقت نمایند که درین راه لك بر ندارد و فاسد نشود سود زیادتری خواهد داشت بویژه که برای فروش مرکبات و میوه ها و حتی سبزیهای خوراکی در خلیج هم بازارهای خیلی نزدیک و مناسبی وجود دارد که بیشتر در کویت و قطر و دبی و شارجه و عمان و جزایر بحرین است.

سواحل کرمان و مخصوصاً مکران از حیث پرورش نباتات مناطق گرم باندازه ای مستعد است که اغلب مکران را هند ایران خوانده اند از جمله این نباتات موز و انبه و نیل و تمبر و حنا و ورناس است که حتی در قسمت رطوبت گیر میناب هم بعد و فور بعمل می آید. در سواحل خلیج تنباکو هم کاشته میشود و محصول خوبی دارد.

(۱) در بسته بندی انواع خشکبار و شیرینی برای بازارهای اروپائی ظرافت کار بها بخرج میدهند که شاید در نظر صادر کنندگان ما بی اهمیت جلوه کند ولی یکی از وسائل مؤثر جلب مشتری است. گذشته از تمیزی و مرغوبی و جور بودن جنس که شرط اصلی است، خوبی قواره و صافی و صیقلی بودن جعبه آنها و همچنین تصاویری که برای خوش آیند مشتری بر روی این جعبه ها نقش میشود کمال اهمیت را دارد. این تصاویر رنگی بیشتر شامل مناظر طبیعی دلفریب، شکل های زیبا - حیوانات شکیل و گاهی عکس بنای کارخانه سازنده یا درخت ها و خوشه های میوه است البته این ظرافت کار بها مستلزم مختصر هزینه اضافی است ولی کثرت فروش جبران آنرا مینماید.

در زمان اعلی حضرت ففید در باغ نمونه کشاورزی چاه بهار حتی نهال کاوشو هم کاشته شد و درخت های تنومندی بوجود آورد که شاید امروز هم موجود باشد.

در پایان این قسمت، محصولی که از ذکر آن نمیتوان خودداری نمود عبارت از نیشکر است که سابقاً در اطراف رود کارون بطور فراوان بعمل می آمده و اگر با اصول کشاورزی جدید در احیای این محصول اقدام شود البته استفاده مهمی خواهد داد.

اوضاع اجتماعی

نکته شایان توجه این است که بومیان بنادر و مردم جزیره نشین خلیج فارس عموماً زیرك، بر طاق، و رزیده و قانع هستند. چه از دوران جوانی همواره با امواج خروشان دریا دست بگریبان بوده و برای تامین زندگانی به خطرناک ترین کارها دست میزنند. صید انواع ماهیها که خوراك معمولی این مردم و احشام و اغنام آنها میباشد - غوطه خوردن در اعماق دریا برای صید مروارید و صدف و مرجان - نور دیدن دریاهای دور دست برای باربری و تجارت از کارهای عادی ایشان است. سیاحان اروپایی که در خلیج فارس و دریای هندوستان رفت و آمد داشته اند از چالاکی و بی باکی و مهارت این مردم و آشنایی ایشان با اوضاع سواحل و بنادر و جزایر عربستان و عمان و هندوستان و افریقای خاوری از ابراز تعجب و تحسین خودداری نکرده اند. یکی از سیاحان مخصوصاً از قایق های بزرگی که در جزیره قشم بدست بومیان آنجا ساخته میشده تعریف میکند و آنها را بهترین وسیله باربری دوره خود میداند.

متأسفانه با وجود این مردم غیور و زحمت کش و منابع ثروتی که در بالا بآن اشاره شد از دو قرن باینطرف بواسطه ناامنی و قاچاق اسلحه

ودزدی دریائی و شیوع انواع امراض مانند مالاریا و پیوک و تراخم و مخصوصاً بی اعتنائی دولت های سابق باوضاع این منطقه و مقررات بیجا و طاقت فرسا و اشکالات گمرکی، بیشتر مردم بنادر و جزایر ایران دچار فقر و پریشانی شده و برای تحصیل معاش ناچار بطرف مسقط و عمان و بحرین و کویت و دوی و شارجه رفته و میروند.

از طرف دیگر بطوری که سابقاً اشاره کردیم از موقع تأسیس بنادر جدید شاهپور و خرمشهر در انتهای خط آهن سرتاسری ایران اهمیت تجارتی بندرعباس و بوشهر هم بکلی از بین رفته است.

در صورتیکه حمل کالاهای صادراتی و وارداتی استانهای فارس و اصفهان و کرمان و مکران از بنادر مربوطه آنها نزدیک بصرفه و صلاح میباشد و اگر سهمیه وارداتی این استانها معین و بخود آنها واگذار شود و هر شهرستانی بتواند بدون مراجعه بمرکز از لحاظ امور مربوط به کمیسیون ارز یا طاق بازرگانی و وزارت اقتصاد تشریفات لازم را بوسیله ادارات مربوط یا شعبه های بانک ملی در خود محل انجام دهد، دیگر بازرگانان معتبر این شهرستانها مجبور نخواهند بود مثل امروز دست از شهر خود کشیده و بتهران هجوم آور شوند.

خرابی راههای ساحلی و طرق تجارتی بین بنادر جنوب و استانها و شهرستانهای آن منطقه یکی از عوامل مهم رکود زندگانی و سستی فعالیت اقتصادی مردم آن نواحی است. زیرا بسیاری از بنادر کوچک ایران امروز دیگر نه از دریا بجائی راه دارند و نه از خشکی. علت نداشتن راه از دریا برای این است که سابقاً چند شرکت بزرگ کشتی رانی مرتباً باین بنادر رفت و آمد داشتند و یکی از آنها که دارای کشتی های تند رو بود فقط در بنادر مهم لنگر انداخته به بار اندازی و بارگیری

و پیاده کردن یا سوار نمودن مسافر می پرداخت . دیگری که دارای وسائل کند رو بود از جلو بنادر کوچک هم میگذشت و در این بنادر هم بحمل کالا و مسافر مبادرت مینمود (۱)

باین ترتیب همیشه در این بنادر وسیله رفت و آمد و حمل کالا موجود بود ولی امروز بواسطه نبودن کار و کسادی بازار تجارت و مقررات پراشکال گمرکی هیچ کشتی بازرگانی و حتی قایق های موتوری هم بسراغ این بنادر کوچک نمی آیند . از خشکی هم در اثر خرابی راهها و طول مسافت و گرانی کرایه وسائل نقلیه ، عبور و مرور اگر محال نباشد لااقل مشکل است . باین واسطه ارتباط ساحل نشینان این بنادر کوچک در واقع از سایر نقاط قطع شده و برای حوائج اولیه زندگانی در مضیقه هستند . برای کمک بمردم این بنادر و جلوگیری از ویرانی آنها در درجه اول تاسیس يك شرکت کشتی رانی مرتب درسرتا سر این سواحل و در درجه دوم اقدام بساختن راه کناره از کارهای ضروری است . بطوریکه در کمسیون عمران و آبادی چند سال قبل هم موضوع کشتی رانی مطالعه شده و در صورت تشکیل چنین شرکتی از طرف دولت حتی بعضی از بازرگانان خرمشهر و بوشهر و بندرعباس حاضر بخیریداری قسمتی از سهام آن میباشند و این موضوع مهم حیاتی باید با بررسی های دقیق بمرحله عمل درآید . ساختمان راه کناره هم از هر حیث شایان اهمیت و مورد

(۱) تا اوائل جنگ جهانی دوم دوازده شرکت کشتی رانی بین بنادر خلیج فارس و کشور های خارجه رفت و آمد داشتند که پنج شرکت آن دارای پرچم انگلیسی و چهار شرکت دارای پرچم ژاپونی و سه شرکت دیگر دارای پرچم آلمانی و ایتالیائی و امریکائی بودند . از بین آنها شرکت کشتی رانی انگلیس و هند مرکب از دو قسمت کند رو و تند رو هر هفته بطور متناوب بین بمبئی و اکثر بنادر ایران رفت و آمد داشتند .

لزوم است. راههای تجارتی مهم این منطقه عبارت از راههای نیمه شوسه بین بوشهر و بنادر شیب کوه و بندرعباس و فیروز آباد به شیراز و لارستان و کرمان و یزد است که امروز نه تنها کامیونهای بزرگ بلکه اتومبیل های سواری هم بسختی میتوانند از این راهها عبور کنند. وجود گردنه ها و کتل ها و بریدگیها و دست اندازهای خطرناک و مخصوصاً سیل گیر بودن آنها، اصلاح فوری این راهها را ایجاب می کند.

اما از لحاظ وسائل زندگانی گذشته از خوراک و پوشاک که تامین آنها در درجه اول اهمیت میباشد موضوع روشنایی و نظافت و بهداشت و فرهنگ است زیرا از این حیث مردم سواحل و جزائر جنوب ایران امروز در اسفناکترین وضعیت واقع شده اند. بیمارستانهای کوچک بوشهر و بندرعباس بعلت محدود بودن عده پزشک و پزشکیار و نداشتن دواي کافی حتی کفاف احتیاجات سکنه خود این شهر ها را نمیدهد چه رسد بمردمی که در طول ۱۹۵۲ کیلومتر ساحل دریا و جزائر دور افتاده بطور پراکنده و متفرق زندگانی میکنند.

در صورتیکه شرکت کشتی رانی عملی بشود ایجاد بیمارستانهای سیار در خود این کشتیها یا کشتی های مخصوص بهداشتی ضمیمه این شرکت موثرترین کمک بحفظ سلامتی مردم ساحل و جزیره نشین است. نصب چند کارخانه برق در برخی از بنادر و جزائر بزرگ نیز بینهایت مفید است زیرا با بودن قوه برق انجام سایر اصلاحات سهل تر خواهد بود. ساختمان بندرگاه و اسکله بوشهر و بندرعباس نیز کمال ضرورت را دارد چه با وضع امروز کشتی ها مجبورند بمسافت زیادی از ساحل لنگر بیندازند و باینواسطه بارگیری و باراندازی آنها باعث تلف شدن وقت و اغلب از بین رفتن با آسیب دیدن اجناس و تولید خسارت میشود.

موقعیت بندرعباس درمداخل خلیج بیش از همه ارزش این اقدام را دارد و محل مناسب (سورون) هم برای ساختمان اسکله و پناهگاه کشتی در اطراف آن موجود و آب مشروبی که برای بندرعباس تهیه شده بر استعداد آبادی آن افزوده و میتواند زندگانی جمعیت زیادی را تامین کند. از طرف دیگر بعثت کم یابی نفت و بنزین در طول این سواحل همانطوری که شرکت سابق نفت هم در نظر گرفته بود اگر يك مخزن نفت و بنزین در بندر عباس تاسیس شود بروفق این بندرگاه بیشتر خواهد افزود. بطور کلی چنانچه بوشهر و بندرعباس هر دو بندر آزاد بشوند فعالیت و جنبش بیشتری در تجارت خلیج پیدا خواهد شد. بنادر جاسک و چاه بهار نیز که از بنادر خوب و مورد استفاده دریای عمان هستند باید مورد توجه واقع شود.

البته نمی توان توقع و انتظار داشت که تمام این اقدامات دفعه‌اً انجام پذیر باشد یا تنها دولت عهده دار آنها بشود. ولی قسمتی از آنها از جمله برقراری امنیت - راه سازی - تامین بهداشت - تعمیم کشاورزی و آبیاری - ساختن اسکله و وارد کردن بعضی از کارخانجات برق و شیلات باید مطابق برنامه مطالعه شده‌ای مورد توجه مخصوص دولت واقع بشود. بدیهی است مردم میهن پرست و متمکن آنحدود هم وقتی به توجهات دولت مستظهر و مطمئن شدند از حیث وارد کردن کارخانه و وسائل کشاورزی و آبیاری و همچنین تشکیل شرکت کشتی رانی بسهم خویش اقدام خواهند نمود.

اما در مورد مامورین دولت که در منطقه خلیج باید اقامت و انجام وظیفه کنند تنها پرداخت اضافه حقوق یا فوق العاده بدی آب و هوا کافی نیست چه اگر وسائل زندگانی در محل موجود نباشد با پرداخت این

مزایا موجبات آسایش آنان فراهم نخواهد شد. داشتن منزل و روشنائی و وسائل برقی و خوراك و پوشاك در درجه اول اهمیت میباشد. وجود موسسات فرهنگی و بهداشتی در محل برای حفظ سلامتی و تربیت اولادشان نهایت لزوم را دارد. وقتی که این وسائل بعد اقل لزوم فراهم شد برخلاف امروز مامورین از روی میل و رغبت داوطلب خدمت در این منطقه میشوند نکته مهم دیگری که شایان تذکر است همانا محدود کردن دوره خدمت مامورین غیر بومی است تا طول مدت مأموریت در آب و هوای نامساعد و تحمل انواع محرومیت ها به تندرستی و آتیه خودشان و اولادشان لطمه وارد نیآورد.

بطور کلی برای اداره کردن امور سواحل و جزائر جنوب ایران اگر يك سازمان مستقلی در نظر گرفته شود و وسائل و عوامل کافی در اختیار این سازمان باشد که بتواند بطور دائم و از نزدیک مراقبت و سرپرستی کارهای اداری و انتظامی و عمرانی آنجا را عهده دار بشود، البته در سرعت و حسن پیشرفت اصلاحاتی که منظور نظر دولت و آرزوی مردم آن سامان است مفید و مؤثر خواهد بود.

بدیهی است ایجاد چنین سازمانی در سالهای اول مستلزم هزینه اضافی خواهد بود ولی در مقابل عوائد سرشاری که استخراج معادن و صدور انواع کالاها و بالاتر از همه از لحاظ آبادی و عمران این منطقه عاید کشور خواهد شد، پرداخت هر گونه مخارج موقتی ضروری بجا و بمورد خواهد بود.

از طرف دیگر وقتی که در سراسر این منطقه نظم و امنیت برقرار شد و میدان فعالیت بوجود آمد برای جلب سرمایه های خارجی هم زمینه

مساعدی فراهم خواهد شد. چه شرکت‌های بزرگی که امروز در نقاط دور افتاده و پراشکال دنیا برای بهره‌داری از منابع محلی صرف پول و همت مینمایند در کرانه‌های دریای آزاد و سهل‌الوصولی مانند خلیج فارس با میل و رغبت حاضر بدخواست امتیاز و فعالیت خواهند شد و استفاده از سرمایه و اطلاعات و وسائل فنی و علمی آنها با شرایطی که البته بصره و صلاح کشور باشد بیشتر و بهتر مقدور خواهد گردید.

جای بس امیدواری است که از مدتی باینطرف اوضاع خلیج جزو مسائل روز قرار گرفته و در غالب جرائد مقالات مفید و موثری در این باب انتشار می‌یابد و از قرائن معلوم بر حسب امر دولت طرح‌های بسیار خوبی برای بهبود وضع آن نواحی تهیه شده و حتی بعضی از آنها بتصویب هم رسیده است. از اینرو میتوان امید و انتظار داشت که باتوجهات کامل دولت و کوشش مردم بلند همت آن منطقه بنادر و جزائر پر نعمت خلیج فارس از صورت بیغوله و تبعیدگاه فعلی خارج شده و در آتیه نزدیکی اهمیت و شهرت تاریخی خود را دوباره بدست آورند.

بامید چنین روز پیروزی یادداشت‌های خود را در اینجا خاتمه داده و با نوکل بخداوند متعال و توجه خوانندگان گرامی دنباله آنها را که شامل وقایع تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم میشود در مجموعه دیگری بررسی خواهیم نمود.

سیر چشمه‌های کتاب «کلید خلیج فارس»

آرتور کریستن سن	ایران در عصر ساسانیان	چاپ کپنهاک ۱۹۳۶
آرمنیوس وامبری	پیشرفت روسها در آسیای مرکزی و نگرانی انگلیسها	چاپ پاریس ۱۹۱۴
سر آرنولد ویلسن	خلیج فارس - ترجمه آقای محمد سعیدی	چاپ تهران ۱۳۱۰ ش.
اسکندر بیک ترکمان	عالم آراء عباسی	چاپ تهران ۱۳۳۴ ق.
اسمعیل نوریزاده بوشهری	نظری بایران و خلیج فارس	چاپ تهران ۱۳۲۵ ش.
آمده ژوبر	مسافرت بایران و ارمنستان	چاپ پاریس ۱۸۲۱
سربرسی سایکس	تاریخ ایران	چاپ لندن ۱۹۳۰
پییر دولاول	سفرنامه بایران	چاپ رن ۱۷۴۵
سرجان مالکم	تاریخ ایران ترجمه حیرت	چاپ بمبئی ۱۳۳۲ ق.
حسین بیرنیا (مشیرالدوله)	ایران باستان	چاپ تهران ۱۳۱۴ ش.
دارمستتر	نظری بتاریخ ایران	چاپ پاریس ۱۸۸۵
سردنیس راس	سرگذشت سرآنتونی شرلی	چاپ لندن ۱۹۳۳
سروان دیدرل	روسها و انگلیسها در آسیای مرکزی	چاپ تهران ۱۳۰۸ ش.
ژنرال دوما	یادداشت‌های ژنرال ترمه‌زل فرستاده ناپلئون بایران و هند ترجمه آقای عباس اقبال	چاپ تهران ۱۳۱۰ ش.
دکتر رویر	رقابت روسها و انگلیسها در آسیا (قرن ۱۹)	چاپ پاریس ۱۹۰۸

شوالیه شاردن	سیاحت نامه در ایران	چاپ رون ۱۷۲۳
شارل پیکو	تاریخ انقلاب ایران در قرن ۱۸	چاپ پاریس ۱۸۲۰
عباس اقبال	تاریخ مفصل ایران جلد اول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری	چاپ تهران ۱۳۱۲ ش .
عباس اقبال	مطالعاتی در باب بحرین و جزائر و سواحل ایران	چاپ تهران ۱۳۳۸ ش .
دکتر علی بیضا	مسئله ایران در آغاز قرن نوزدهم پیمانهای گلستان و ترکمن چای	چاپ پاریس ۱۹۳۹
سرهنک غلامحسین مقتدر	تاریخ نظامی ایران	چاپ تهران ۱۳۲۰ ش .
» » »	شاه عباس بزرگ و نادر شاه افشار	چاپ تهران ۱۳۱۵ ش .
دربادار غلامعلی بایندر	جغرافیای خلیج فارس	چاپ تهران ۱۳۰۹ ش .
پرفرانسوا آنتوان	گزارش جنگهای شاه عباس بزرگ	چاپ رون ۱۶۴۶
لرد کرزن	ایران و مسئله ایران	چاپ لندن ۱۸۹۲
لرد کرزن	روس در آسیای مرکزی	چاپ لندن ۱۸۹۲
کنت آ . دو گاردان	مأموریت ژنرال گاردان در ایران ترجمه آقای عباس اقبال	چاپ تهران ۱۳۱۰ ش .
ژنرال گاردان	سیاحت نامه بترکیه و ایران در ۱۸۰۷ و ۱۸۰۸	چاپ پاریس ۱۸۰۹
کنت گوینو	سه سال در آسیا از ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸	چاپ پاریس ۱۹۰۵

تاریخ نادرشاه - تازه ترین و و مفصل ترین تاریخی است که راجع بنادر شاه انتشار یافته	لاکهارت
چاپ لندن ۱۹۳۸	
تاریخ قدیمی ملل مشرق	ماسپرو (ژ)
چاپ پاریس ۱۹۲۱	
چاپ تهران ۱۲۹۳ ق.	محمد حسن (اعتماد السلطنه) مرات البلدان
چاپ تهران ۱۳۲۷ ش.	محمد حسین آدمیت
چاپ تهران ۱۳۱۰ ش.	مسعود کیهان
چاپ تهران ۱۲۶۴ ق.	میرزا مهدیخان مستوفی استرآبادی
چاپ تهران ۱۳۲۸ ش.	نشریه وزارت امور خارجه
فعالیت سیاسی ناپلئون در ایران	
چاپ تهران ۱۹۴۳	» » »
کنفرانس تهران و اعلامیه سران سه دولت بزرگ	
چاپ تهران ۱۳۱۶ ش.	نصرالله فلسفی
روابط ایران و اروپا در دوره صفویه	
چاپ تهران ۱۳۱۹ ش.	نورالله لارودی
زندگانی نادرشاه	
چاپ پاریس ۱۹۱۰	ویکتور برار
انقلاب ایران در دوره قاجاریه	
خاطرات جنگ جهانی دوم جلد ۳	وینستون چرچیل
ترجمه فرانسه چاپ پاریس	

فایزنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸	۵	اهام	ابهام
۱۲	۱۴	تجارتی	تجارتی
۱۳	۹	می آورد	می آورند
۱۸	۱۳	متصرت	تصرف
۲۰	۱۶	ندهم	ندهیم
۲۹	۹	مأورین	مأمورین
۳۰	آخر	اردست	از دست
۳۴	اول	تجارب	تجارت
۴۶	۵	مند	هند
۴۸	۱۶	بران	برای
۵۰	۸	منظم	منضم
۵۳	۵	به قلاع	قلاع
۶۵	۱۹	باشند	باشند
۹۰	۱۰	اصرر	اصرار
۱۱۰	۱۷	ناوجه	ناوجه
۱۱۰	۲۰	چلچله	چلچله
۱۱۵	۱۹	داشت	داشتند
۱۱۵	۲۵	عل	عمل
۱۲۶	۲۰	انتقال	انتقال
۱۳۰	۱	سازم	سازد
۱۳۱	۲	بیدا	پیدا

نقشه خلیج فارس سواحل و جزایر آن

